بسم الله الرحمن الرحیم

فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان

شماره پیاپی ۴۴

شاپا: ۸۲۵۶-۱۷۳۵ **سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۶**

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

مدیر مسؤول: احمد محبی **سردبیر: دکتر زهرا علیزاده بیرجندی**

مدیر داخلی: حامد رضایی **کارشناس اجرایی: مهین زرنگ**

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر محمدباقر آخوندی	استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بیرجند
۲. دکتر حبیب احمدی	استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز
۳. دکتر بی بی اقدس اصغری	استادیار مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
۴. دکتر محمدعلی بیدختی	استادیار پژوهش و هنر دانشگاه بیرجند
۵. دکتر هادی پورشافعی	دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند
۶. دکتر محمدتقی راشد محصل	استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۷. دکتر مفید شاطری	استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
۸. دکتر حبیب اله عباسی	استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی
۹. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی	دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند
۱۰. دکتر احمد کامیابی مسک	استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران
۱۱. دکتر محمدرضا مجیدی	دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
۱۲. دکتر جواد میکانیکی	دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

ویراستار ادبی: سیدنورالله نصراللهی **مترجم و ویراستار انگلیسی:** الهه توشه

امور فنی: انتشارات فکربکر **چاپ:** مهرنگ

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال **شمارگان:** ۱۰۰۰

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی **تلفن:** ۴-۳۲۳۲۳۳۹۳-۰۵۶ **دورنگار:** ۳۲۳۲۳۲۷۷-۰۵۶

وبگاه: http://Farhangekhorasan.ir

آراء و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست.
نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند.
نوشته های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی شوند.
فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

۱.	**دکتر محمدباقر آخوندی**	استادیار دانشگاه بیرجند
۲.	**دکتر بی بی اقدس اصغری**	استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
۳.	**دکتر هادی پورشافعی**	دانشیار دانشگاه بیرجند
۴.	**دکتر سمیه حمیدی**	استادیار دانشگاه بیرجند
۵.	**دکتر فرهاد دشتکی نیا**	استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان
۶.	**دکتر زهرا علیزاده بیرجندی**	دانشیار دانشگاه بیرجند
۷.	**دکتر محمود فال سلیمان**	دانشیار دانشگاه بیرجند
۸.	**دکتر جواد میکانیکی**	دانشیار دانشگاه بیرجند
۹.	**دکتر سیدشمس الدین نجمی**	دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان
۱۰.	**سیدنورالله نصراللهی**	مربی دانشگاه بیرجند

به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴
کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه
"مطالعات فرهنـــگی - اجتـــماعی خراسان" حائز درجه‌ی علمی - ترویجی گردیده است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است. فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com و پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور به نشانی www.into@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به نشانی www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه علمی- ترویجی "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش در گستره‌ی خراسان که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱. ساختار مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه، منابع و نیز ارجاعات دقیق و در صورت لزوم پیوست‌ها باشد.
۲. مقاله در محیط واژه پرداز Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۴ از طریق رایانامه به نشانی http://Farhangekhorasan.ir ارسال شود. صفحات مقاله حداکثر ۲۰ صفحه و هر صفحه ۲۴ سطر باشد.
۳. چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و چکیده انگلیسی هم، همراه مقاله باشد.
۴. معادل‌های لاتین اسامی غیرفارسی و اصطلاحات غیر رایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.
۵. جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح 300 dpi)، با شماره و عنوان گویا آورده شود.
۶. ارجاعات درون متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).
۷. فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۷-۱- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

۷-۲- مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

۷-۳- مجموعه مقالات همایش

میکانیکی، جواد (۱۳۸۹). *"اثرات مهاجرت‌های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی"*. در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت، ج ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۷-۴- پایان نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۷-۵- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۷-۶- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). "شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی". [پیوسته] قابل دسترس در:

http://WWW.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html.[۱۳۸۸/۸/۲]

۸. نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه و دورنگار نویسنده بر روی صفحه‌ی جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسؤول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۹. مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ در دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

فهرست مطالب

تحلیل مناسکِ حافظِ نظامِ اتوکراتیک در سیاست‌نامه‌ی نظام‌الملک طوسی با تمرکز بر آرای روان‌شناختی اریک برن

ابراهیم استاجی، علی صادقی‌منش، هستی قادری سُهی ۷

رابطه مؤلفه‌های هوش معنوی و تعهد شغلی درکتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند

مریم سلامی، عصمت نجفی ۳۱

بررسی سیر تحول ایوان در خانه‌های نهبندان از قاجار تا پهلوی

زهرا روشندل، حسن هاشمی زرج آباد، حمیدرضا قربانی ۵۳

سنجش ضریب توسعه فرهنگی شهرستان‌های استان خراسان جنوبی با بهره‌گیری از روش بهینه‌سازی چندمعیاره و حل سازشی

یعقوب زارعی ۸۱

معرفی، نقد و بررسی کتاب مکین الاساس فی احوال مولانا ابی الفضل العباس

علی اکبر عباسی ۱۰۵

مطالعه تأثیر سرمایه فرهنگی و مؤلفه‌های آن بر سبک تغذیه‌ای شهروندان شهر مشهد

المیرا عرفانیان قصاب، محمدحسن شربتیان ۱۲۷

تحلیل مناسکِ حافظِ نظامِ اتوکراتیک در سیاست‌نامه‌ی نظام‌الملک طوسی با تمرکز بر آرای روان‌شناختی اریک برن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۹

ابراهیم استاجی[۱]

علی صادقی‌منش[۲]

هستی قادری سُهی[۳]

چکیده

سیاست‌نامه اثری است متعلق به دوره‌ی سلجوقیان که به قلم یکی از وزرای صاحب‌نام و خراسانی این حکومت، نظام‌الملک طوسی نگاشته شده است. در بررسی این کتاب، بایستی این نکته‌ی مهم را در نظر داشت که وی به‌عنوان یک شخصیت علمی، سیاسی و فرهنگی مطرح که از منطقه‌ی خراسان برخاسته، خواه‌ناخواه ذهنیاتش تحت تأثیر فضای فکری این منطقه است و بررسی اثر وی را می‌توان، به مثابه‌ی بررسی و تحلیل "تأثیرات فضای فکری خراسان" بر ایران آن دوره‌ی تاریخی ارزیابی کرد. در این پژوهش، خواهیم دید که نظام‌الملک طوسی به سبب باورمندی به حکومت سلطنتی مطلق (اتوکراسی)، در پی ترویج نگرشی است که بر بنیاد آن پذیرش اقتدار و خودکامگی پادشاه، امری پسندیده می‌نماید. از این‌رو، زمانی که اثر او را با بهره‌گیری از آرای روان‌شناختی اریک برن مورد بررسی قرار می‌دهیم، نشانگانی از گونه‌ای مناسک در آن می‌یابیم که می‌توان آن را مناسک حافظ نظام اتوکراتیک نامید. مناسکی که می‌کوشد، مردم را به تبادل از جایگاه کودک تطبیق یافته در برابر پادشاهی تشویق کند که خود با حالت والد به کنشگری می‌پردازد. امری که در درازمدت سبب پذیرش اتوکراسی در میان مردم می‌شود و حکومت‌های خودکامه را قدرت و استحکام می‌بخشد. از این جهت، این اثر را

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری Ebrahimestaji@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری و مدرس زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، نویسنده مسؤول birang_mazinani@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد ادبیات تطبیقی، دانشگاه حکیم سبزواری sohighaderi@gmail.com

می‌توان حاویِ نشانگان زبانیِ یک فرهنگ پذیرای خودکامگی و اتوکراسی ارزیابی کرد که آگاهی دقیق از این موضوع در نوع مواجهه پژوهشگران با این متن ادبی ـ سیاسی، اهمیت ویژه‌ای دارد.

واژگان کلیدی: سیاست‌نامه، خواجه نظام‌الملک طوسی، اتوکراسی، اریک برن

۱- مقدمه

سیاست‌نامه یا *سَیرالملوک*، نوشته حسن بن علی بن اسحاق (۴۰۸ـ۴۸۵ق.) ملقب به خواجه نظام‌الملک طوسی، یکی از متون نثر فارسی است که در آن به آیین کشورداری و حکومت پرداخته شده است و افزون بر آن که از نظر ادبی دارای اهمیت و ارزش فراوانی است، می‌تواند از نظر شناخت وضعیت اجتماعی ایران در دوره سلجوقیان، درخور اهمیت باشد. از دیگر نکات درخور توجه در این اثر آن است که خواجه نظام‌الملک طوسی به‌عنوان یک شخصیت علمی، سیاسی و فرهنگی مطرح که از منطقه خراسان برخاسته، خواه‌ناخواه ذهنیاتش تحت تأثیر فضای فکری این منطقه است و بررسی اثر وی را می‌توان، به‌مثابه بررسی و تحلیل "تأثیرات فضای فکری خراسان" بر ایران آن دوره تاریخی ارزیابی کرد. وی در این اثر که به نیمه دوم قرن پنجم هجری تعلق دارد، کوشیده است در قالب پند و اندرز، حکایاتی کوتاه درباره‌ی شاهان و وزیران و نیز روایت‌های تاریخی، به بیان دیدگاه‌های خود در مورد چگونگی کشورداری بپردازد (بهار، ۱۳۸۶، ج۲: ۹۶؛ اکبری، ۱۳۸۷: ۱۰۲). آن‌چه در این پژوهش، درخور توجه و در نوع خود تازه است، پرداختن به مناسکی است که با ترویج اتوکراسی[۱]، پذیرش اقتدار مطلق یک فرد در جامعه را آسان می‌سازد. در توضیح این سخن باید گفت که منظور ما از مناسک[۲]، اصطلاحی است که در آرای روان‌شناختی اریک برن[۳] (۱۹۱۰ـ ۱۹۷۰م.) مطرح شده است و نگارندگان از آن برای درک، تحلیل و دست یافتن به پاسخ

۱. در مورد اصطلاح اتوکراسی و اتوکراتیک، معادل‌های فارسی مُبیّن تمامیِ وجوه مفهومی این اصطلاح نبودند، به همین روی ترجیح نگارندگان به کار بردن همین واژگان در مقاله بود. در ضمن در این مقاله بیشتر تکیه بر وجه اقتدارگرایانهٔ نظامِ اتوکراتیک است.

2. Rituals

3. Eric Bern

پرسش‌های بنیادین این پژوهش بهره برده‌اند.

در مورد اصطلاح اتوکراسی باید گفت که این اصطلاح در فرهنگ‌های سیاسی، به‌عنوان شیوه‌ای حکمرانی تعریف شده است که دارای این ویژگی‌هاست: ۱) تفوّق آشکار یک فرد در رأس نظام اداری؛ ۲) فقدان قوانین یا سنت‌هایی که اعمال فرمانروا را نظارت کند؛ ۳) نامحدود بودن قدرت فرمانروا؛ ۴) به‌دست آوردن قدرت از طریق سنت‌های اجتماعی یا با اتکاء به زور. حکومت‌های سلطنتی که یک حاکم در آن دارای اقتدار مطلق است، اتوکراتیک هستند (روزبه و معنوی، بی‌تا: ۱۰). کیفیت چنین نظام‌هایی رابطه مستقیم با شخصیت فرمانروا دارد و به سبب عدم امکان نظارت و قدرت مطلق صاحب حکومت، امکان ایجاد استبداد در آن بسیار بالا است. ذکر این نکته ضرورت دارد که در این مقاله، بیشتر تکیه بر وجه اقتدارگرایانهٔ نظام‌های اتوکراتیک است.

در این مقاله با بررسی متن *سیاست‌نامه* بر بنیاد آرای روان‌شناختی اریک برن در پی آن هستیم که به دو پرسش بنیادین پاسخ دهیم:

الف) در *سیاست‌نامه* مناسک حافظِ نظام اتوکراتیک به چه شکل قابل مشاهده هستند؟

ب) علل وجود چنین نگرشی در متن *سیاست‌نامه* چیست؟

۲- پیشینه تحقیق

بر اساس تحقیقات صورت گرفته، اثری که بدین شیوه و با بهره‌گیری از آرای اریک برن به چنین بررسی‌ای در *سیاست‌نامه* بپردازد، یافت نشد. تنها نمونه‌ای که روش کار آن با روش کار ما در این مقاله شباهت هایی اندک دارد، مقاله‌ای است که در یکی از مجله لاتین به چاپ رسیده است (Sadeghimanesh & Rahimi, 2013). البته افزون بر تفاوت موضوع مقاله مذکور با مقاله پیش رو، متن مورد بررسی مقاله مذکور *تذکرة الأولیاء* است که با متن مورد استناد این مقاله، متفاوت است.

افزون بر موارد یاد شده، در کتابی با عنوان "چرا عقب مانده‌ایم؟" نوشته علی‌محمد ایزدی، شاهد نگرشی مشابه این مقاله به مسائل اجتماعی ـ سیاسی ایران معاصر هستیم. نگارنده کتاب در فصل سوم ، با عنوان "تحلیل شخصیت اخلاقی‌مان"، مسائل اجتماعی

ایران را بر بنیاد نظریه روان‌کاوی اریک برن بررسی کرده است (ایزدی، ۱۳۸۵: ۱۷۵-۲۲۹) که البته افزون بر حوزه بررسی مذکور که کاملاً متفاوت با کار پیش روست، روش کار، تفاوت‌هایی آشکار دارد.

۳- آرای روان‌کاوی اریک برن

از آن‌جا که بنیاد بررسی ما در این جستار، افکار و آرای اریک برن، روان‌شناس کانادایی است، پیش از ورود به مبحث اصلی، ضرورت دارد با برخی از مفاهیم روان‌کاوی او به‌گونه‌ای مختصر آشنا گردیم. از این‌رو، در آغاز کار به معرفی مهم‌ترین آرای اریک برن که در پیوند با این جستار هستند، می‌پردازیم. ذکر این نکته ضرورت دارد که گرچه روان‌کاوی عرصه درک و تحلیل مسائل و نگرش فرد است، در برخی نظریه‌های روان‌شناختی مسائلی مطرح می‌شود که امکان تحلیل رویدادها و نگرش‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد؛ ازجمله این نظریات، نظریات روان‌شناختی اریک برن است که با تکیه بر مفهوم تبادل، درکی صحیح از انسان در برخورد با دیگری و دیگران ارائه می‌دهد و امکان تحلیل مسائل اجتماعی را فراهم می‌سازد. وجود پژوهش‌هایی با موضوع تحلیل مسائل اجتماعی با تکیه بر آرای اریک برن که در پیشینه پژوهش نیز به برخی اشاره شد، گواه امکان بهره بردن از این نظریه در درک مسائل اجتماعی است.

۳-۱- تبادل (رفتار متقابل)

بر بنیاد مکتب روان‌کاوی اریک برن، ارتباط انسان‌ها با یکدیگر، بویژه از نوع کلامی و رودرروی آن، بایستی محور پژوهش‌های روان‌شناختی و روان‌درمانی قرار گیرد (فیروزبخت، ۱۳۸۴: ۱۹- ۲۰). بر این بنیاد، رفتار متقابل یا تبادل[1]، واحد اساسی برخورد اجتماعی در نظر گرفته می‌شود و در تعریف آن گفته می‌شود که تبادل عبارت است از ابراز نشانه‌ای انگیزشی از سوی یک فرد و ابراز نشانه‌ای انگیزشی به مثابه پاسخ، از سوی فردی دیگر (هریس، ۱۳۹۱: ۸۵).

1. Transaction

۳-۲- الگوی سه‌بخشی ساختار شخصیّت

اریک برن با ارائه الگویی نوین از ساختار شخصیت، سعی در تبیین شخصیت انسان و درک کیفیت تبادل‌هایی داشت که اساس کار او در روان‌درمانی به‌حساب می‌آمدند. در این راستا، او با تعریفِ مفهوم "حالت من"[1] شخصیت انسان را به سه بُعد تقسیم کرد. برای تبیین دقیق حالت‌های من و ویژگی‌های آن، باید بدین حالات پرداخت. آن‌چه در پی خواهد آمد، در همین راستاست.

۳-۲-۱- حالتِ منِ والد

در مورد حالت من والد باید گفت که کلیت این حالت پیش از ورود فرد به اجتماع، یعنی از تولد تا پنج سالگی و تحت تأثیر مقررات، باید و نبایدها و هنجارهای والدین پدید آمده است (همان: ۳۰). افکار، احساسات و رفتار فرد زمانی که در این حالتِ من قرار دارد، درست شبیه پدر و مادر و یا اشخاصی است که در کودکی جانشین آن‌ها بودند و وظیفه نگه‌داری و تربیت کودک را بر عهده داشتند (استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۲۳). به همین سبب است که در گفتار فرد در این حالتِ من، بسامد واژگانی چون "باید"، "هرگز"، "هیچ وقت"، "یادت باشد" و ... بسیار بالاست (هریس، ۱۳۹۱: ۳۵). در این حالتِ من، استدلال منطقی راهی ندارد و کنشگری فرد، برآیندِ رفتارها، گفتارها و کردارهایی است که او در دوران کودکی خویش در موضع فروتر شاهد آن بوده است. چنین است که فرد در این حالت، اغلب در حال قضاوت و ارزیابی وقایع پیرامونی بر اساس پیش‌داوری‌هایی است که در گذشته، والدینش به او تلقین کرده‌اند (فیروزبخت، ۱۳۸۴: ۳۵). به طور کلی می‌توان گفت که این حالت من، انعکاسی از گذشته انسان است (استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۵۳).

1. Ego state

۳-۲-۲- حالتِ منِ بالغ

حالتِ بالغ، تنها حالتِ من است که معطوف به اکنون و زمان حال است. در این حالتِ من، فرد با اتکاء به تمام توانایی‌ها و دانسته‌های خویش می‌کوشد نگاهی جامع و فاقد پیش‌داوری به پیرامون خود داشته باشد و از این رهگذار، به حل مسائل و گذر از چالش‌هایی بپردازد که در همان لحظه، پیش‌روی او قرار گرفته است و تفکر و تأمل او را می‌طلبد (همان: ۵۲ - ۵۳). اریک برن (۱۳۹۱: ۲۰) در مورد این حالتِ من می‌گوید: «این بالغ توست، یعنی تو در این لحظه، یک ارزیابی مستقل و واقع‌بینانه از وضعیت موجود بروز داده‌ای و این جریان فکری، یا مسائلی که می‌بینی [و] یا نتایجی که گرفته‌ای، [همه را] با حالتی به دور از تعصب اظهار می‌کنی». شخص در حالت بالغ، نه خود را برتر از دیگران می‌بیند و نه نیازمند به دیگران. این حالتِ من، شرایطی را فراهم می‌آورد که فرد در آن با بهره‌گیری از تفکر، منطق و استدلال، به تحلیل اوضاع بپردازد و از این رهگذار، به گفت‌وگو با دیگران روی آورد (ایزدی، ۱۳۸۵: ۲۳۱).

۳-۲-۳- حالتِ منِ کودک

در برخی موقعیت‌ها، رفتار، افکار و احساس‌های شخص به‌گونه‌ای است که گویی انعکاسی از رفتارهای او در دوران کودکی اوست. در این مواقع، شخص در حالت منِ کودک خود قرار دارد (استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۲۳). در تبیین دقیق‌تر حالت کودک باید گفت که این حالت من، برخلاف حالت بالغ که ظهور آن اغلب با گونه‌ای تفکر و تأمل همراه است، با احساس کردن و به‌عبارتی، با کنشگری احساسی همراه است. نکته قابل توجه دیگر در مورد حالت کودک آن است که این حالت نیز هم‌چون والد و برخلاف بالغ، انعکاسی از گذشته است (همان: ۵۳). کلیت حالت کودک، هم‌چون حالت والد، در میانه تولد تا پنج سالگی شکل می‌گیرد (هریس، ۱۳۹۱: ۴۲). روان‌شناسان تحلیل رفتار متقابل، برای درک دقیق‌تر حالت کودک، آن را به دو جنبه الف) کودک تطبیق یافته و ب) کودک طبیعی تقسیم می‌کنند.

اریک برن (۱۳۹۱: ۲۳) در تبیین کودک تطبیق یافته می‌گوید: کودک تطبیق یافته

آن است که رفتار خود را تحت تأثیر والد، تغییر شکل می‌دهد، [یعنی] رفتارش همان طور است که پدر یا مادرش می‌خواست [این بدان معناست که او] به طیب خاطر، یا از روی اجبار [به‌کاری خواهد پرداخت یا از کاری دست خواهد کشید؛ هم‌چنین] ممکن است او خود را با کناره‌گیری و نِکّ و نال تطبیق دهد؛ پس تأثیر پدر و مادر، علت است و کودکِ تطبیق یافته، معلول.

حالت کودک تطبیق یافته را در تأثیر مستقیم یا غیرمستقیمی که شخص از فرمان‌های والدین خود می‌گیرد، باید شناخت. بر این اساس، شخص در حالت کودک تطبیق یافته از نظر وضعیت احساسی و رفتاری ممکن است دو حالت متمایز داشته باشد، یا رفتار و ابراز احساس او به‌گونه‌ای است که در کودکی به هنگام پذیرش و سازگاری با هنجارها و فرمان‌های والدین داشت و یا به عکس، رفتارها و احساس‌هایی که بروز می‌دهد در تقابل با آن هنجارها و فرمان‌ها است. به هر روی شخص در این حالت، مشغول پاسخ‌گویی به فرمان‌هایی است که والدینش در کودکی، برای او وضع کرده‌اند. بر این اساس، پذیرش قوانین و هنجارها و عرف اجتماعی و هم‌چنین طغیان در برابر قوانین و هنجارها، نمودهایی آشکار از کودک تطبیق یافته در زندگی اجتماعی فرد است. نکته درخور و مهم در مورد این جنبه از حالت کودک آن است که فرد در حالت کودک تطبیق‌یافته، ممکن است از فرمان‌پذیری در برابر قوانین و فرمان‌های حتی ناخوشایند و ظالمانه نیز احساس رضایت‌خاطر و خرسندی کند. چرا که فرمان‌پذیری برای کودک تطبیق یافته، یادآور پذیرش فرمان والدین است که اغلب با تشویق و نوازش همراه بود (استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۵۷ ـ ۵۸). چنین حالتی با تداوم فرمان‌پذیری در بزرگ‌سالی به‌خاطر فرد می‌آید و او را در فرمان‌پذیری پیش‌قدم می‌سازد. اما در حالت کودک طبیعی، شخص از تأثیر والدین و فرمان‌های آنان کاملاً رها و آزاد است. در این حالت، رفتار و احساس فرد، انعکاسی است از لحظاتی که او در کودکی، فارغ از باید و نبایدهای والدین و بزرگ‌ترها، به هر گونه که تمایل داشت، رفتار می‌کرد (همان: ۵۸ ـ ۵۹). انعکاس این حالت در بزرگسالی خود را با خلاقیت، جذبه، شور و ... بروز می‌دهد.

۳-۳- گونه‌های تبادل

پژوهش‌گران تحلیل رفتار متقابل، تبادل‌ها را به‌طور کل، به دو گروه ساده و نهفته[1]، دسته‌بندی کرده‌اند. در مجموعه تبادل‌های ساده، دو گونه تبادلی متقاطع و مکمل قرار می‌گیرند که در آنها هر کدام از حالات من که به کنش‌گری می‌پردازد، به‌گونه‌ای آشکار خود را به معرض نمایش می‌گذارد. در حالی‌که در مجموعه تبادل‌های نهفته، که شامل دو گونه تبادلی زاویه‌دار[2] و مضاعف[3] می‌گردد، ممکن است یکی از افراد و یا هر دو فردی که با هم مواجه می‌شوند، در یک کنش‌گری پنهانی، حالت منِ خود را غیر از آن‌چه واقعاً هست، بنمایانند. از آن‌جا که برای درک تحلیل‌های این پژوهش، آگاهی تبادل ساده از گونه مکمل، ضروری است. در ادامه به تبیین این‌گونه از تبادل خواهیم پرداخت و به سبب گستردگی موضوع تبادل‌ها از تبیین باقی آنها چشم‌پوشی می‌نماییم.

۳-۴- تبادل ساده از گونه مکمل

اریک برن، ساده‌ترین نوع تبادل را، چنان تبادلی می‌داند که در آن جنبه‌های بالغ هر دو طرف شرکت کننده، مسؤول بروز محرک و اجرای پاسخ باشند. تبادل کودک ـ والد، از دیدگاه سادگی کنش‌گری متقابل، در مرحله‌ی دوم قرار دارد. این دو گونه تبادل (بالغ ـ بالغ و کودک ـ والد)، هر دو از نوع تبادل‌های مکمل هستند. این بدان معناست که در هر یک از این تبادل‌ها «پاسخ، چیزی است مناسب و قابل انتظار [که] از نظم طبیعیِ روابط سالم انسانی پیروی می‌کند» (برن، ۱۳۷۰: ۲۶). ویژگی بارز تبادل‌های مکمل، قابل پیش‌بینی بودن این تبادل‌ها است (استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۱۳۳). یکی از دلایلی نیز که سبب می‌شود این تبادل‌ها بتوانند بدون گسست ادامه یابند، همین ویژگی قابل پیش‌بینی بودن است؛ چرا که هر کدام از طرفین تبادل، در طی رابطه با کنش‌گری غیرقابل پیش‌بینی مواجه نمی‌شوند و بدین طریق، امکان درک و پذیرش متقابل به ادامه یافتن تبادل کمک می‌کند. گفتنی است تا هنگامی که «تبادل‌ها از نوع

1. Ulterior transaction.
2. Angular transaction.
3. Duplex transaction.

مکمل هستند، ارتباط می‌تواند اصولاً تا بی‌نهایت ادامه داشته باشد» (برن، ۱۳۹۱: ۲۶).

۳-۵- مناسک

مناسک رشته تبادل‌هایی از گونه مکمل هستند که تنظیم کننده روابط در آنها والد است و کیفیت تبادل‌ها در مناسک می‌تواند بسیار یک‌نواخت باشد. هدف مناسک، دست‌یابی به احساس خرسندی، از راهی است که ممکن است هیچ اتکایی به امور علمی یا حتی واقعی نداشته باشد. سلام و احوال‌پرسی‌های مرسوم، که تبادلی است اغلب یک‌نواخت میان دو فرد، مراسم نماز کلیسای کاتولیک، مهمانی‌های رسمی که اکثر تبادل‌ها در آن کلیشه‌ای و تکراری است و ... از مناسک به‌حساب می‌آیند (همان: ۳۵ـ۴۰). احساس خرسندی حاصل از مناسک از آن‌جا سرچشمه می‌گیرد که کودک تطبیق یافته، احساس می‌کند در حال فرمان‌برداری از برنامه‌ریزی‌ها و سازوکارهایی است که والدینش می‌پسندند و حالت والد جامعه آن را تنظیم کرده است (استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۱۸۵).

۳-۶- مناسک حافظ نظام اتوکراتیک

یکی از معضلات پیچیده‌ای که می‌تواند جوامع انسانی را دچار خود کند، نشانی است از جامعه‌ای با فرهنگ استبدادپذیر و شکل‌گیری خودآگاهانه یا ناخودآگاهانه الگوهای ارتباطی، یک‌نواختی است که به‌صورت مناسک جلوه‌گر می‌شوند و هدفشان، تعیین چگونگی برقراری تبادل میان فرادستان و فرودستان است. این معضل را می‌توان در ادبیات پارسی و بویژه در متونی که در پیوسته با موضوع سلطنت هستند، پی‌گیری کرد. به‌عنوان نمونه، تبادل‌های شاه و رعیتی و مرید و مرادی در شماری از موارد، دارای ویژگی‌هایی هستند که می‌توان آنها را جزء مناسک به‌حساب آورد. در روابطی که در میانه حاکمان و زیردستان رخ می‌دهد، برنامه‌ریزی، تنظیم و آیین تبادلات، توسط والد جامعه تعیین می‌شود و شکل می‌گیرد. آیین‌های ویژه‌ای که در کتاب‌هایی چون *سیاست‌نامه*، هم‌چون دستور کار روابط اجتماعی مطرح شده است، به‌خوبی گویای

مدعای ماست. این در حالی است که باورهای دینی نیز، به‌عنوان تأیید کننده چنین روابط والدانه‌ای به‌کار گرفته شده است و بدین‌گونه مناسک، همراه با برخورداری از پشتوانه دین، از رسمیت افزون‌تری برخوردار می‌گشته است. به‌عنوان نمونه، در اندیشه ایرانیان باستان، شاه دارای فر ایزدی و کیفیتی معنوی بوده است. پس از اسلام نیز این اندیشه با توجیهات مذهبی دیگری ادامه می‌یابد. چنین است که این تبادل‌ها مناسکی را پدید می‌آورند که کودک تطبیق یافته زیردستان را با فرمان‌پذیری، نه تنها از لحاظ دینی ارضاء می‌کند که در کارکردی هم‌راستا با مناسک، امر و نهی والدانه شاه، خرسندی کودک درون آنان را در پی دارد.

۴- مناسکِ حافظِ نظامِ اتوکراتیک در سیاست‌نامه

در مورد مناسک، چنان‌که پیش‌تر به تفصیل بیان کردیم، ما با تبادل‌های یک‌نواختی روبه‌رو هستیم که چارچوب آنها، گویی توسط والد جامعه تدوین شده است و در نهایت، سبب پدید آمدن احساس خرسندی در طرفین می‌گردد. یافتن نمونه‌هایی که نشان از چارچوب‌های از پیش تعیین شده توسط والد جامعه دارد و البته ایجادکننده فرهنگی پذیرای نظام اتوکراتیک نیز باشد، کاری بس دشوار خواهد بود؛ چرا که اغلب نشانه‌های این‌گونه مناسک، به‌گونه‌ای نهانی جلوه‌گر می‌شوند. درک این نکته ضروری است که نظام‌الملک در زمانه‌ای که این متون را به رشته تحریر در می‌آورد، به‌خوبی می‌دانست که چه روابطی را ترویج و چه روابطی را نفی می‌کند. بنابراین وی با تعریف کیفیت روابط شاه رعیتی، به‌صورت تبادل‌هایی در قالب فرهنگ پذیرای نظام اتوکراتیک، قطعاً به‌عنوان یک ادیب و وزیر، در نقش والد جامعه ظاهر گشته است، والدی که به ترویج چنین روابطی در قالب مناسکی ویژه پرداخته است. در ادامه به نمونه‌هایی می‌پردازیم که در متن *سیاست‌نامه* آمده است و موجب تقویت مناسکِ حافظ چنین نظامی در جامعه است.

۴-۱- نمونه و تحلیل ۱

زمانی که نظام‌الملک از مرد روستایی و بهرام گور می‌گوید و از حاجبان سخن به میان می‌آورد: «چون حاجبان او را بدیدند با آن تیر، او را بخواندند، گفتند: ای آزادمرد! کجایی؟ که ما چند روز است تا تو را چشم همی داریم. این‌جا بنشین، تا ما تو را پیش خداوند این تیر بریم» (نظام‌الملک، ۱۳۸۵: ۳۴). قطعاً به این رسم که هر شاهی به حاجب و پرده‌داری نیاز دارد تا مردم عادی را از ورود به کاخ منع کند و بر ورودی کاخ‌ها نظارت داشته باشد، اشاره دارد. در ادامه این بخش می‌گوید: «بهرام گور بیرون آمد و بر تخت نشست و بار داد. حاجبان دست این مرد گرفتند و به بارگاه بردند» (همانجا). بر تخت نشستن، بار دادن و این‌که حاجبان دست مرد را می‌گیرند، به پیش‌گاه شاه می‌برند، همه نشانگان آشکار رسومی هستند که کنش‌گری شاه از حالت والد را تقویت می‌کند و به همگان می‌فهماند بایستی از جایگاه کودک تطبیق یافته با او به تبادل بپردازند، چنین است که مرد روستایی واکنشی از همین حالت من ابراز می‌دارد: «چون حاجبان او را پیش تخت آوردند، ملک را نماز برد» (همانجا). مجموع این رسوم و تبادل‌هایی که به‌واسطه آن پدید می‌آید، نشان از مناسک حافظ نظام اتوکراتیک دارد که در آن شخص حکمران، از جایگاه والد به کنش‌گری می‌پردازد و مردم از جایگاه کودک تطبیق یافته. حکایات این‌چنینی، از سویی نشان از وجود مناسک حافظ نظام اتوکراتیک در جامعه گذشته دارد و از سویی، ذکر آن در یک اثر ادبی، بدون آن‌که مورد نقد قرار گیرد، می‌تواند رواج دهنده چنین فرهنگی در جامعه باشد.

۴-۲- نمونه و تحلیل ۲

نظام‌الملک در فصل دیگری با نام "اندر صاحب‌خبران و مُنهیان و تدبیر کارهای مملکت کردن"، از لزوم وجود خبرگزاران برای حکومت سخن می‌گوید: «واجب است بر پادشاهان از احوالِ رعیت و لشکر و دور و نزدیک خویش بررسیدن و اندک و بسیار، آن‌چه رود، بدانستن» (همان: ۷۴). نظام‌الملک در این فصل به بیان نکاتی می‌پردازد که می‌توان آنها را تشویق شاه به ایجاد شرایطی تفسیر کرد که مردمان با خرسندی از حالتِ

من تطبیق یافته به تبادل با شاه بپردازند و در روابط خود چارچوب‌هایی را در نظر گیرند که والد اجتماع حکم نموده است: «چون چنین باشد، مردمان پیوسته بر طاعت حریص باشند و از تأدیب پادشاه ترسند و کس را زهره آن نباشد که در پادشاه عاصی تواند بود و یا بد او یارد اندیشیدن که صاحب‌خبر و مُنهی گماشتن از عدل و بیداری و قوی‌رأیی پادشاه باشد و آبادان کردن ولایت» (همان: ۷۵). در چنین وضعیتی قطعاً تبادل مردم با شاه و حتی درباریان، حالت گونه‌ای مناسک می‌گیرد که در آن برخی سخنان خاص گفته می‌شود (مثل ذکر بزرگی‌های شاه) و برخی حرکات به نشانه حرمت نهادن (مثل تعظیم) شایع می‌گردد و هراس از شاه به یک حالت مرسوم تبدیل می‌گردد. نکته جالب آن‌جاست که شاهان به سبب احساس خوشایندی که از این مناسک دارند، به‌گونه‌های مختلف آن را تقویت می‌کنند.

۴-۳- نمونه و تحلیل ۳

سخنان نظام‌الملک در آغاز فصل یازدهم *سیاست‌نامه*، با عنوانِ "اندر تعظیم داشتنِ فرمان‌هایِ عالی و مثال‌ها که از درگاه نویسند" خود دلیل محکمی است بر آن‌که حاکمان، می‌کوشیده‌اند تا با ارائه تصویری مقتدرانه و از جایگاه والد، کودک تطبیق یافته زیردستان خود را به پذیرش احکام خود وادارند و در این راه، هیچ باکی از بهره بردن از خشونت و ابزارهای غیرمنطقی نداشته‌اند: «نامه‌ها از درگاه بسیار می‌نویسند، و هرچه بسیار گردد حرمتش بشود. باید که تا مهمی نبود از مجلس عالی چیزی ننویسند و چون بنویسند، باید که حشمتش آن‌چنان بود که کس را زهره آن نباشد که آن را از دست بنهد تا فرمان را پیش نبرد و اگر معلوم گردد که کسی در آن فرمان به چشم حقارت نگریسته است و اندر پیش شدن، به سمع و طاعت، کاهلی کرده است، آن کس را مالش بلیغ دهند و اگر چه از نزدیکان بود. فرق میان پادشاه و دیگر مقطعان و مردمان، فرمانِ روان است» (همان: ۸۴). چنان‌که می‌بینید سیاست‌نامه که شیوه‌نامه حکومت در قرن پنجم هجری قمری به‌حساب می‌آید و در تعیین چارچوب تبادلات مربوط به حکومت، نقش ویژه‌ای داشته‌است، آیینِ نامه‌نگاری شاه را بر موضع‌گیری از جایگاه والد تعیین

کرده است. دیگر نمونه‌های ذکر شده در این کتاب نیز حاکی از آن هستند که حاکمان به هنگام آغاز تبادل، از جایگاه والد به کنش‌گری می‌پردازند و از مخاطبان توقع دارند که از جایگاه کودک تطبیق یافته پاسخ آنان را بدهند. مجموعه این چارچوب‌ها و قواعد، گونه‌ای مناسک را پدید می‌آورد که فرهنگ پذیرش نظامِ اتوکراتیک را گسترش می‌دهد و در نهایت چنین نظامی می‌تواند سبب رواج استبداد گردد.

۴-۴- نمونه و تحلیل ۴

با خوانش *سیاست‌نامه*، به مواردی بر می‌خوریم که در آن حاکمان برای تخطی از مناسکی که به سود ادامه حکومتشان است، مجازات سختی قرار داده‌اند. به‌عنوان نمونه، زنی از نیشابور برای دادخواهی به غزنین می‌رود و به سلطان محمود از زمینی می‌گوید که امیر نیشابور به ناحق از او ستانده است. سلطان محمود نامه‌ای با این مضمون می‌نگارد: «ضیاع بدو بازده» (همان: ۸۴). زن، نامه را نزد امیر نیشابور می‌برد و امیر نیشابور می‌گوید: «این ضیاعِ من است و حالش به درگاه باز نمایم» (همانجا). در پی این پاسخ، زن دوباره برای دادخواهی راهی دربار محمود می‌شود، نافرمانی از نامه دربار و شکستن چارچوب مناسک، کنش‌گری کوبنده حکومت را در پی دارد: «غلام فرستادند و این عامل را از نشابور به غزنین بردند و هزار چوب، بر در سرای بزدندش، از پسِ آن‌که او این چوب را به امیدِ شفیع به بیست هزار دینار نشابوری باز می‌خرید و بنفروختند و گفتند اگر چه این ضیاع تو را درست بود، چرا به حکم فرمان نرفتی و بعد از آن حال ننمودی تا آن‌چه واجب آیدی اندر آن بفرمودیمی؟» (همان: ۸۴ ـ ۸۵). جالب آن‌جاست که مأموران حکومتی، اعتراف می‌کنند که ادعای امیر نیشابور درست بوده است و سبب این تنبیه، نافرمانی از نامه خلیفه است. توضیحات نظام‌الملک در این مورد، روشنگر کیفیت مناسکی است که حاکمان در ترویج آن می‌کوشیده‌اند: «و این از بهر آن بوده است تا چون دیگران این حال بشنوند، کس زهره ندارد که در فرمان پادشاه تقصیر کند و هر چیزی همچنین که به پادشاه تعلق دارد و او را رسد که آن کند و یا فرماید، چون مالش دادن و گردن زدن و دست و پای بریدن و خادم کردن و هر

سیاستی که باشد و اگر کسی بی‌دستوری و فرمان پادشاه چنین چیزی کند تا چاکر و درم خریده خویش را، هم‌داستان نباید بود و او را مالش باید داد، تا دیگران خویشتن را بشناسند و عبرت گیرند» (همان: ۸۵).

۴-۵- نمونه و تحلیل ۵

چنان‌که گفتیم یکی از ویژگی‌های مناسک، داشتن چارچوب‌های خاصی است که گویی به وسیله والد جامعه طرح شده و کودک تطبیق یافته افراد از قرار گرفتن در آن، احساس خرسندی می‌کنند و نوازش می‌گیرند. نظام‌الملک در بعضی از بخش‌های کتاب به ذکر دقیق آدابی می‌پردازد که در راستای تداعی جلال و شکوه شاه در نظر بینندگان و استوار داشتن مناسک طرح گشته‌اند: «و دیگر هر یکی را از ندیمان مرتبتی و منزلتی باشد، بعضی را محل نشستن باشد و بعضی را محل ایستادن، چنان‌که از قدیم باز، عادت مجلس ملوک و خلفا بوده است و هنوز این رسم در خاندان قدیم مانده است و خلیفه را همیشه چندان ندیم باشد که پدران او را بوده است و سلطان غزنین را همیشه بیست ندیم بوده است ده بر پای و ده نشسته و ایشان این رسم و ترتیب از سامانیان دارند و باید که ندیمان پادشاه را کفافی و حرمتی تمام باشد میان حشم و ایشان باید که خویشتن‌دار و مهذب باشند و پادشاه‌دوست» (همان: ۱۰۸).

۴-۶- نمونه و تحلیل ۶

نظام‌الملک در راستای گسترش هیبت و جلال حالت والد شاه، به تدوین آدابی پرداخت که کنش‌گری زیردستان از حالت کودک تطبیق یافته در مناسک حافظ نظام اتوکراتیک را تضمین کند. به‌عنوان نمونه، در فصلِ "اندر ساختن سلاح‌های مرصع و زینت بارگاه"، نظام‌الملک چنین می‌گوید: «باید که پیوسته بیست دست سلاحِ خاص، همه مرصع و غیر آن، ساخته باشند و در خزانه نهاده، تا به هر جشنی و یا به هر وقتی که رسولان رسند از اطرافِ جهان، بیست غلام با جامه‌های نیکو، آن سلاح بردارند و گِردِ تخت بایستند و هر چند این مَلک بِحمدالله تعالی به جایگاهی رسیده است که از چنین تکلّف‌ها مستغنی

است، لیکن زینت مُلک و زینت پادشاهی نگاه باید داشت» (همان: ۱۱۲). در حقیقت، تلاش برای حفظ زینت دربار، همان تلاش برای حفظ نگاه خودبزرگ‌بین پادشاه است که به مناسک حافظ نظام اتوکراتیک می‌انجامد. جالب آن‌جاست که در این تلاش، از نظر نظام‌الملک، افراط امری واجب است: «واجب چنان کند که هر چه پادشاهان یکی دارند، مَلک باید که ده دارد و هر چه ایشان ده دارند، ملک باید که صد دارد، که این‌جا همت و آلت و عُدّت و مروّت و رای و بزرگی و مملکت، هر چه باید هست» (همانجا).

۴-۷- نمونه و تحلیل ۷

در فصل "اندر داشتن ترکمانان در خدمت" با نمونه دیگری مواجه می‌شویم که می‌توان آن را تلاش برای ترویج و گسترش مناسک حافظ نظام اتوکراتیک نامید. در این بخش، نظام‌الملک از ترکمانان غز یاد می‌کند، قومی که در اوایل، یاریگر سلجوقیان بودند، اما به سبب راهزنی‌ها و بی‌رسمی‌هایی که پس از به قدرت رسیدن سلاجقه از خود نشان دادند، توسط شاهان سلجوقی سرکوب شدند. نظام‌الملک درباره این قوم می‌گوید: «از فرزندان ایشان، مردی هزار را نام باید نوشت و بر سیرتِ غلامان سرای، ایشان را می‌پرورد که چون پیوسته در خدمت مشغول باشند، ادبِ سلاح و خدمت بیاموزند و با مردم قرار گیرند و دل بنهند و همچون غلامان خدمت کنند و آن نفرت که ایشان را حاصل شده است، در طبع زایل گردد و هرگاه که حاجت افتد، پنج هزار و ده هزار به خدمتی که نامزد شوند، برنشینند با زینت و ساز غلامان، تا از این دولت بی‌نصیب نباشند و ملک را محمدت حاصل آید و ایشان خشنود باشند» (همان: ۱۲۵). این پیشنهاد، نشانی از هوشیاری بالای نظام‌الملک در امور سیاسی است. هدف او از ارائه این راهکار، رواجِ مناسک حافظ نظام اتوکراتیک در میان این قوم راهزن و فاقد تمدن است. او می‌داند که پروردن هزار غلام ترکمان، یعنی گسترش یک فرهنگ ویژه در میان چندهزار خانواده و خوگر شدن قومی به حالت والد شاه. هدف او آن است که این غلامان بیاموزند که باید، از حالت کودک تطبیق یافته و در چارچوبی ویژه، به تبادل با رأس قدرت پرداخت و در پی آن آموخته‌های خویش را به خانواده‌های خود منتقل کنند.

۴-۸- نمونه و تحلیل ۸

نقش نوازش[۱] در تقویت رفتار، نقشی خطیر و بنیادین است. اگر قرار است فرهنگی در جامعه پابرجا شود و گسترش یابد، بایستی تدابیر ویژه برای تشویق (و به اصطلاح روان‌شناسی برن نوازش) افراد مرتبط اندیشیده شود، گسترش مناسکی که نشان از نظامی اتوکراتیک دارند نیز، از این قاعده مستثنی نیست. نظام‌الملک از این مسأله نیز فارغ نبوده و در بخشی تحت عنوان "ترتیب غلامان سرای" به ذکر مراتبی پرداخته است که در چارچوب آن، غلامان می‌توانند در صورت خوش‌خدمتی، از ارتقای درجه و نوازش گرفتن، اطمینان یابند: «و هنوز در روزگار سامانیان، این ترتیب برجای بود و به‌تدریج براندازه خدمت و شایستگی، غلام را درجه می‌افزودندی. چنان‌که غلامی بخریدندی، یک سال او را پیاده در رکاب خدمت فرمودندی با قبایی زَندَنیجی و موزه و آن غلام را فرمان نبودی که نهان و آشکارا در این یک سال بر اسب نشیند و اگر معلوم شدی مالش دادنی و چون یک سال با موزه خدمت کردی، وُشاق‌باشی با حاجب بگفتی و حاجب معلومِ پادشاه کردی، آن‌گاه او را اسبکی ترکی فرمودندی با زینکی درخام گرفته و لگامی دوال ساده و چون یک سال با اسب و تازیانه خدمت کردی، سوم سال او را قراچوری دادندی تا بر میان بستی و سال چهارم کیش و قُربان فرمودندی تا به وقت برنشستن بربستی. سال پنجم زینتی بهتر و لگامی بکوکب و قبایی و دبوسی که در دبّوس حلقه آویختی. سال ششم ساقیی فرمودندی و آبداری و قدحی از میان درآویختی و سال هفتم جامه‌داری و سال هشتم خیمگی یک‌سری شانزده میخی بدادندی و سه غلامک نوخریده را در خیل او کردندی و او را وشاق‌باشی لقب دادندی» (همان: ۱۲۷). وجود چنین چارچوب‌هایی برای مراتب غلامان، سبب می‌شود که هرکدام از آنان در حفظ و رعایت دقیق مناسک حافظ نظام اتوکراتیک، از دیگری پیشی گیرند و از تبادل در قالب این مناسک، احساسی خوشایند داشته باشند. بدین ترتیب، کودک تطبیق یافته آنان می‌آموزد که هر چه در برابر والد فرادستان بیشتر فرمان‌پذیر باشد، بیشتر

۱. برن (۱۳۹۱: ۵) در تعریف اصطلاح نوازش (Strokes) می‌گوید: «نوازش را می‌توان اصطلاحاً هر نوع حرکتی به‌حساب آورد که به رسمیت شناختن حضور دیگری را نشان می‌دهد. بنابراین نوازش را می‌توان واحد اساسی عمل اجتماعی نامید. تبادل نوازش‌ها، رفتار متقابلی را تشکیل می‌دهد که واحد آمیزش اجتماعی است».

نوازش می‌گیرد. پیامد چنین وضعیتی، پذیرش هر چه بیشتر نظام اتوکراتیک در میان این افراد است.

۴-۹- نمونه و تحلیل ۹

از دیگر نمونه‌هایی که اثبات می‌کند مراتب غلامان و نظام ارتقای درجه، در گسترش مناسک حافظ نظام اتوکراتیک و فرمان‌پذیری افراد، نقش برجسته‌ای داشته است، حکایتی است که نظام‌الملک در بخشی تحت عنوان "شایستگی و کاردانی سبکتگین" ذکر می‌کند. در این حکایت می‌خوانیم که الپتگین، دویست غلام را که یکی از آنها سبکتگین بود، برای گرفتن مال و چهارپا از ترکمانان، راهی می‌کند. ترکمانان مال را نمی‌پردازند و تعدادی از غلامان تصمیم می‌گیرند به زور متوسل شوند. در این میان سبکتگین با دیگران مخالفت می‌کند و در میان غلامان دو دستگی ایجاد می‌شود. پس از این ماجرا، غلامان نزد الپتگین باز می‌گردند و برخی از آنان از سبکتگین شِکوه می‌کنند که او نگذاشت با جنگ به مقصود خود برسیم. الپتگین، سبکتگین را بازخواست می‌کند، پاسخ سبکتگین درخور توجه است: «از جهت آن‌که خداوند ما را نفرموده بود که جنگ کنید و اگر ما، بی‌فرمانِ خداوند، جنگ کردیمی، پس هر یکی خداوندی بودیمی نه بنده، که نشانِ بندگی آن باشد که همه آن کند که خداوند فرماید» (همان: ۱۳۰). این سخنان، نشانی است از تلاش سبکتگین در ترویج مناسک حافظ نظام اتوکراتیک. او با ابراز فرمان‌برداری از حالت کودک تطبیق یافته خود می‌کوشد به حفظ چارچوب‌هایی بپردازد که والد جامعه تعیین کرده است و البتّه تلاش او در این راستا، با نوازش همراه می‌گردد: «الپتگین را خوش‌آمد گفت، "راست می‌گوید" پس همچنین او را بر می‌کشید، تا به جایی رسید که سیصد غلام خیل داشت» (همانجا).

۴-۱۰- نمونه و تحلیل ۱۰

تلاش نظام‌الملک برای احیای چارچوب‌هایی که پیش از اسلام نیز رواج داشت و سبب ترویج مناسک حافظ نظام اتوکراتیک می‌گشت، در امور مربوط به دربار بیش از دیگر

موارد مشهود است. مناسکی که در قالب آداب مختلف جلوه‌گر می‌شد و هدفش نمایش جلال و شکوه شاه و ترغیب مخاطبان به کنش‌گری از حالت من کودک تطبیق یافته بود. به‌عنوان نمونه، در فصل "اندر ترتیب بار دادن خاص و عام" ما شاهد تبیین یکی از این چارچوب‌ها هستیم: «بار دادن را ترتیبی باید، اول خویشاوندان در آیند، پس از آن معروفان حشم، پس از آن دیگر اجناس مردمان. چون همه به یک‌جا درآیند، میان وضیع و شریف فرقی نباشد و نشانِ بار آن باشد که پرده بردارند و نشان آن که راه نبوَد جز کسی را که خوانند، علامتش آن بوَد که پرده فرو گذارند» (همان: ۱۴۴). تبیین دقیق آیین بار دادن، تلاشی بود که در راستای حفظ این مناسک در ساختار قدرت صورت می‌گرفت. ترتیب افرادی که می‌توانند به دیدار شاه آیند، نشان از میزان اقتدار و فرادست بودن افراد است و گونه‌ای اعلام علنی کسانی است که حق دارند از حالتِ من والد، با زیردستان تبادل داشته باشند.

۴-۱۱- نمونه و تحلیل ۱۱

یکی دیگر از بخش‌های *سیاست‌نامه* که می‌توان آن را ارائه راهکاری برای حفظ مناسک حافظ نظام اتوکراتیک به‌حساب آورد، فصلی است با عنوان "اندر حاجت‌ها و التماس‌های لشکر" که در آن آمده است: «هر حاجتی که لشکر را بوَد، باید که بر زفان سرخَیلان و مقدمان ایشان باشد، تا اگر نیکویی فرموده شود، بر دست ایشان بوَد و بدان سبب ایشان را حرمتی حاصل شود که چون مراد خویش خود گویند، به‌واسطه‌ای حاجت نیفتد و سرخیل را حرمتی نماند و اگر کسی از خیل بر مقدم خویش دراز زُفانی کند و یا حُرمت او نگاه ندارد و از حد خویش بگذرد، او را مالش باید دادن، تا مهتر از کهتر پدیدار باشد» (همان: ۱۴۹). واضح و آشکار است که تلاش نظام‌الملک در ذکر مراتب، با هدف شکل دادن به روابط دربار به‌گونه‌ای ویژه و در چارچوبی معین است. او به‌گونه‌ای ضمنی، مناسکی را بنیان می‌نهد که در آن حالتِ من زیردستان، همواره کودک تطبیق یافته و حالت منِ فرادستان، همواره والد است. چینش تبادل‌ها و نوازش‌ها نیز به‌گونه‌ای است که این مناسک با احساس خرسندی افراد همراه باشد و تقویت گردد.

۴-۱۲- نمونه و تحلیل ۱۲

مناسک حاکم بر روابط درباریان، همواره دارای ویژگی‌هایی است که در راستای اقتدار هر چه بیشتر والد شاه شکل گرفته‌اند. یکی از این رسوم درباری آن است که پادشاه به هنگام هدیه دادن به زیردست، هدیه را به پیش شخص هدیه گیرنده می‌اندازد. مناسک برخاسته از فرهنگ پذیرای نظام اتوکراتیک، در روابط این‌چنینی به‌وضوح قابل تشخیص است. به‌عنوان نمونه، نظام‌الملک در یکی از حکایت‌های سیاست‌نامه از فردی می‌گوید که از زیبایی انگشتری شاه شگفت‌زده می‌گردد و در آن خیره می‌ماند: «چون ملک دید که من در انگشتری او بسیار نگرم، انگشتری از انگشت بیرون کرد و پیش من انداخت. من خدمت کردم و بوسی بر انگشتری دادم و پیش ملک باز نهادم. ملک برداشت و پیش من نهاد و گفت، انگشتری که از انگشت من بیرون آمد، بر سبیل هبه و عطا، باز در انگشت من نیاید» (همان: ۲۱۵). انداختن انگشتر و تبادلی که شاه با شخص زیردست دارد، اگر چه سخاوتمندانه در قالب مناسکی است که از فرهنگ پذیرای نظام اتوکراتیک حکایت دارد و پیامد آن، پذیرش قدرت مطلق یک فرد در رأس نظام اداری است.

۵- برآیند بررسی سیاست‌نامه

اکنون پس از بررسی علمی، دقیق و همه‌جانبه متن سیاست‌نامه می‌توان ادعا کرد که نمونه‌ها اثبات می‌کنند که فرمانروایان اتوکرات، همواره ترجیح می‌دهند با زیردستان خود از حالت منِ والد به تبادل بپردازند و برای به واقعیت پیوستن این امر، مناسکی متناسب با آن را در جامعه گسترش و ترویج می‌دهند، امری که در نهایت، سبب ترویج فرهنگی پذیرای نظام اتوکراتیک در جامعه می‌گردد. نظامی که با توجه به قدرت نامحدود فرمانروا، امکان ایجاد استبداد در آن فراوان است، در نتیجه، مناسک حافظ نظام اتوکراتیک، از یک سو نظم در جامعه را حفظ می‌کند و از دیگر سو، زمینه پذیرش استبداد در اجتماع را گسترش می‌دهد. وجود نشانگان متعدد چنین فرهنگی در *سیاست‌نامه*، اثبات می‌کند که این اثر برجسته ادب پارسی، که به‌عنوان شیوه‌نامه حکومتی سلجوقیان نیز شناخته می‌شود، افزون بر آن که تحت تأثیر فرهنگی پذیرای

نظام اتوکراتیک نگاشته شده است، با مناسکی که خواسته یا ناخواسته، با زبان فاخر خود ترویج می‌دهد، سبب پایایی و انتقال نظام اتوکراتیک، از نسلی به نسل دیگر گشته است. نظامی که به سبب اقتدار مطلق فرمانروا و عدم نظارت بر او، ریشه دواندن استبداد در آن بسیار محتمل است.

۶- علل وجود مناسک حافظ نظام اتوکراتیک در سیاست‌نامه

باید به این نکته توجه داشت که نظام‌الملک طوسی چنان مرتبه‌ای در حکومت سلجوقیان داشت که پژوهشگران تاریخ، چنان‌که پیش‌تر نیز به آن اشاره نمودیم، ترور او را، طلیعه سقوط حکومت سلجوقیان در ایران دانسته‌اند. سلسله سلجوقیه که با پیروزی طغرل‌بیگ و برادرش چغری‌بیگ بر مسعود غزنوی بنیان نهاده شده بود (همان: ۴۶۱) و در مدت سلطنت ده‌ساله الب‌ارسلان و سلطنت بیست‌ساله ملکشاه به اوج خود رسیده بود (پیرا، ۱۳۸۷: ۱۵۵)، بدون بهره‌گیری از دیدگاه‌های نظام‌الملک در امر کشورداری، هرگز به چنان گستردگی و اقتداری دست نمی‌یافت.

نظام‌الملک پس از آن که به وزارت رسید، کوشید با برقراری دستگاه دیوان‌سالاری به سبک ایرانی، هرج و مرج حاکم بر امور حکومتی را از میان ببرد (همان: ۱۵۹). گام دوم او تغییر دیدگاه سلجوقیان نسبت به کیفیت پادشاهی بود. سلجوقیان رهبری و حکومت را حق همه اعضای خانواده می‌دانستند، به همین سبب بود که پس از پیروزی طغرل‌بیگ و چغری‌بیگ بر مسعود غزنوی، در برخی شهرهای خراسان خطبه به نام طغرل و در برخی دیگر به نام چغری خوانده می‌شد. نظام‌الملک کوشید با ارائه دیدگاهی که برآمده از نگاه ایرانیان به امر سلطنت بود، جایگاه شاه سلجوقی را که در واقع فراتر از جایگاه فرماندهیِ سَرانِ قبایل ترک نبود، به مقام شاهی فرهمند، یگانه و با اقتدار مطلق، تغییر دهد (اکبری، ۱۳۸۷: ۱۰۳)؛ نظام‌الملک با رواج این اندیشه که منتهی به ایجاد یک حکومت مرکزی مقتدر می‌شد، کوشید از آشفتگی‌های منتج از قدرت نامتمرکز، جلوگیری کند. بنابراین، نگاشته‌های او آشکارا در خدمت گسترش مناسکی است که حافظ حکومتی سلطنتی و اتوکرات باشد.

تلاش‌های نظام‌الملک برای برساختن حکومتی مقتدر از این قبایل نامتمدن، به همین‌جا ختم نشد، بلکه او کوشید برای مشروعیت‌بخشی به حکومت سلجوقیان، آنان را به‌عنوان مدافعان اسلام تسنن معرفی کند (همانجا). در این راستا، نظام‌الملک نیاز به واعظان، مبلغان و اندیشمندانی داشت که نبض اندیشه مردم را در دست بگیرند و به سمت و سویی که او می‌خواست، متمایل سازند. تأسیس مدارس نظامیه در نقاط مختلف کشور و تلاش برای حذف مراکز علمی مستقل، اقدامی در راستای این تفکر بود. در این مدارسی که ادبیات عرب، فقه، حدیث و دیگر علوم اسلامی با محوریت تفاسیر مذهب شافعی تدریس می‌شد (فلاح، ۱۳۸۳: ۷۹). هدف، حذف شماری از مذاهب، گسترش وحدت مذهبی و البته پیشبرد مقاصد سیاسی نظام‌الملک بود (پیرا، ۱۳۸۷: ۱۵۹).

آفت دیدگاه‌های نظام‌الملک، باور به‌گونه‌ای حکومت سلطنتی مطلق از نوع اتوکراتیک بود، نگرشی که با توجه به زمانه و شرایط روزگار نظام‌الملک، قابل درک است. او از اقتدار مطلقی که نظام اتوکراتیک مورد نظرش ایجاد کرده بود، برای سرکوب مذاهب دیگر نیز بهره می‌برد که خود نمودی است از تبدیل نظام اتوکراتیک مورد نظر وی به نظامی استبدادی. نظام‌الملک پنج فصل (فصول۴۳تا۴۷) از فصول پنجاه‌گانه کتاب *سیاست‌نامه* را به خطر بدمذهبان اختصاص داده است که خود نشان از نگرش وی به مذاهب دیگر دارد. چگونگی تبلیغ و جدال علیه به اصطلاح او بدمذهبان، در رأس آموزش‌های مدارس نظامیه قرار داشت، تا آن‌جا که این مدارس آشکارا به عرصه تبلیغ یک مذهب خاص (شافعی) و سرکوب هر اندیشه‌ای جز آن، مبدل گشته بود (فلاح، ۱۳۸۳: ۷۷ـ۷۸). چه بسا همین تلاش مفرط او در سرکوب دگراندیشان بود که در نهایت، سبب شد یکی از همان به گمان او بدمذهبان اسماعیلی، دست به ترور او بزند.

باور نظام‌الملک به حکومت سلطنتی، امری آشکار بود که پیش‌تر نیز به آن اشاره کردیم. بر پایه این دیدگاه، او حتی برای نظام اقطاع‌داری نیز قوانینی ایجاد کرد. طبق این قانون، مالکیت قطعی و مطلق، تمام زمین‌ها، حتی زمینی که توسط سلطان به شخصی بخشیده می‌شود، باز هم از آن خود سلطان است. با این رویکرد، نظام‌الملک از یک سو می‌توانست ادعا کند که پادشاه برای دفاع از حقوق کارگران در برابر ظلم

مقطعان، در هر کجا که مایل باشد، می‌تواند تصرف کند و از دیگر سو، بر مطلق بودن قدرت پادشاه، تأکید می‌کرد (اکبری، ۱۳۸۷: ۱۰۳). رویکرد دیگری که می‌تواند نشانه تمایل نظام‌الملک به حفظ قدرت در دست یک تن و حتی خانواده سلطنتی باشد، انتصاب هر دوازده فرزندش به شغل‌های حساس دیوانی و حکومت ولایات سوق‌الجیشی است. امری که اواخر عمرش، سبب گسترش برخی بدگویی‌ها و آزرده‌خاطر گشتن ملکشاه از وی گشته بود (پیرا، ۱۳۸۷: ۱۵۹).

نتیجه

چنان‌که پیش‌تر در بررسی شخصیت و دیدگاه‌های خواجه نظام‌الملک طوسی به تفصیل بیان کردیم، او را بایستی از جمله سیاستمداران باورمند به حکومت سلطنتی دانست که اقتدار مطلق شاه را سبب جلوگیری از بروز استبداد حاکمان و زمین‌داران می‌داند و از هر روشی برای ترویج فرهنگی پذیرای حکومت اتوکراتیک، بهره می‌برد. روشی که نظام‌الملک برای گسترش این فرهنگ از آن بهره می‌برد، قوام بخشیدن به مناسک حافظ نظام اتوکراتیک است که پیش‌تر در بطن جامعه وجود داشته است و او با احیای آن در قالب مناسکی ویژه، کنش‌گری مردم از حالت کودک تطبیق یافته در برابر حالت والد شاه را تقویت می‌کند تا نظام اتوکراتیک مورد نظرش به ثبات برسد. ناگفته پیداست که قدرت مطلق در درازمدت، خود منشأ فساد و تباهی است و نظام سلطنتی از نوع اتوکراتیک آن، در نهایت می‌تواند موجب بروز و گسترش استبداد گردد. از این‌روی، *سیاست‌نامه* افزون بر آن‌که به‌عنوان یکی از متون ادبی سترگ، تأثیرات ژرفی بر فرهنگ ما گذاشته است، می‌تواند به‌عنوان اثری که حاویِ نشانگان زبانیِ مناسکِ حافظِ نظام اتوکراتیک است، شناخته شود. مناسکی که فرهنگی پذیرای استبداد پدید می‌آورد و بی‌بهرگی مخاطبان این اثر از نگرشی ناقدانه، می‌تواند گسترش دهنده چنین فرهنگی باشد.

منابع

ـ استوارت، یان؛ جونز، ون (۱۳۹۱). *تحلیل رفتار متقابل: تأملی در روان‌شناسی تجربی*. ترجمه بهمن دادگستر. تهران: دایره.

ـ اکبری، احمدرضا (۱۳۸۷). "*خواجه نظام‌الملک و فلسفه نگارش سیاست‌نامه*". *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، سال دوازدهم، ش ۹، پیاپی ۱۲۸ (دی): ۱۰۱ـ۱۰۳.

ـ ایزدی، علی‌محمد (۱۳۸۵). *چرا عقب مانده‌ایم؟*. تهران: علم.

ـ برن، اریک (۱۳۷۰). *بازی‌ها، روان‌شناسی روابط انسانی*. ترجمه اسماعیل فصیح. تهران: البرز.

ـ بهار، محمدتقی (۱۳۸۶). *سبک‌شناسی*، ج۳. تهران: امیرکبیر.

ـ پیرا، فاطمه (۱۳۸۷). "*جنسیت و قدرت در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک*". *پژوهش زنان*، دوره ششم، ش۳، پیاپی۲۲ (پاییز): ۱۵۵-۱۶۹.

ـ روزبه، خسرو؛ معنوی، مسعود (بی‌تا). *واژه‌های سیاسی*. تهران: پژوهش.

ـ زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۴). *روزگاران، تاریخ ایران*. تهران: سخن.

ـ فلاح، مرتضی (۱۳۸۳). "خواجه نظام‌الملک: سیاست در نامه، سیاست در عمل". *کاوش‌نامه*، سال پنجم، ش۱، پیاپی ۹ (پاییز و زمستان): ۶۷ـ۹۰.

ـ فیروزبخت، مهرداد (۱۳۸۴). *اریک برن، بنیان‌گذار تحلیل رفتار متقابل*. تهران: دانژه.

ـ نظام‌الملک، حسن بن علی (۱۳۸۵). *سیاست‌نامه (سیرالملوک)*. به اهتمام جعفر شعار. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی؛ امیرکبیر.

ـ هریس، تامس (۱۳۹۱). *وضعیت آخر*. ترجمه اسماعیل فصیح. تهران: فرهنگ نشر نو.

-Sadeghimanesh, Ali; Rahimi, Abolghasem (2013). "*Continuation of Despotism in Sufis' Rituals in Iran Society Typology of Transaction in Attar's Tazkirat al-Awliyā, Based on the psychological commentaries of Eric Berne*". *Studies in Literature and Language*, Vol. 7, No. 1: 65-66.

رابطه مؤلفه‌های هوش معنوی و تعهد شغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۴

مریم سلامی[۱]

عصمت نجفی[۲]

چکیده

هوش معنوی نه تنها در بعد فردی، بلکه در بعد سازمانی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. معنویت می‌تواند با تأثیر بر روی وجدان انسان‌ها، حس تعهد نسبت به مسؤولیت‌های روزمره زندگی را به‌وجود آورده و نوعی تعهدپذیری در آنها ایجاد کند. این پژوهش با هدف بررسی رابطه هوش معنوی و تعهد شغلی کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند انجام شد. روش پژوهش حاضر، پیمایشی- توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش، کلیه‌ی کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند است که حجم کل جامعه ۵۰ نفر و تعداد ۴۴ نفر به پرسشنامه پاسخ دادند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌های هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸) و تعهد شغلی تلا (۲۰۰۷) است. برای تحلیل داده‌ها از آزمون t مستقل، آزمون تحلیل واریانس و ضریب همبستگی پیرسون با استفاده از ویرایش ۲۴ نرم‌افزار SPSS انجام شد. یافته‌های پژوهش با توجه به پاسخگویی کتابداران نشان می‌دهد که وضعیت هوش معنوی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند با میانگین ۶۲/۷۹ در سطح بالاتر از سطح متوسط و تعهد شغلی با توجه به پاسخگویی کتابداران با میانگین۵۴/۸۲ در سطح خوبی قرار دارد. از بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (سن، جنسیت، رشته و مقطع تحصیلی) جامعه مورد پژوهش، رابطه معنی‌داری با میزان هوش معنوی به‌دست نیامد. اما یافته‌ها بیانگر رابطه معنی‌داری بین هوش معنوی و تعهد شغلی آنها است و این رابطه در دو مؤلفه‌ی

۱. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه پیام نور مشهد salamilib@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه پیام نور مشهد، نویسنده مسؤول esmat.najafi42@gmail.com

هوش معنوی (تولید معنای شخصی و بسط هوشیاری) با تعهدشغلی، معنادار و بین دو مؤلفه‌ی دیگر هوش معنوی (آگاهی متعالی و تفکروجودی) با تعهدشغلی، معنادار نبود. در نتیجه، با توجه به رابطه معنی‌داری و مثبت بین هوش معنوی و تولید معنای شخصی و بسط هوشیاری به نظر می‌رسد تقویت هوش معنوی کتابداران، باعث تعهد و مسؤولیت بیشتر کتابداران در انجام وظایف شغلی خواهد شد.

واژگان کلیدی: کتابداران، هوش معنوی، تعهد شغلی، کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند

مقدمه و بیان مسأله

هوش معنوی[1] را به‌عنوان هوشی که به حل مشکلات، معنا و ارزش می‌دهد، تعریف می‌کنند که با استفاده از آن می‌توان اعمال و زندگی‌مان را در بافتی که از لحاظ معنا عمیق‌تر و وسیع‌تر باشد، قرار داد و به کمک آن می‌توان سنجید که کدام راه و روش زندگی از دیگر راه‌ها و روش‌ها مؤثرتر است (Zohar & Marshall, 2000: 3).

هوش معنوی دارای چهار بعد است که عبارتند از: *تفکر وجودی*[2] که عبارت از ظرفیت تفکر انتقادی نسبت به مباحث مربوط به هستی و ما بعدالطبیعه از جمله حقیقت، جهان و نظایر آن است. *تولید معنای شخصی*[3] که توانایی بهره بردن از تجارب فیزیکی و روحی جهت ایجاد معنا و هدف شخصی است و توانایی بهرهبردن از تجارب معنوی را به انسان می‌دهد.*بسط هوشیاری*[4] که توانایی ورود به موقعیت‌های معنوی بالاتر ازجمله تفکر عمیق، نیایش و مراقبه را به انسان می‌دهد و امکان تعالی معنوی را فراهم می‌سازد. *آگـــاهی متعالی*[5] که توانایی شناسایی جنبه‌های متعـالی خویشتن، دیگران و جهان با استفاده از هوشیاری است (king, 2008: 59).

شغل یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های انسانی است که نه تنها محلی جهت تأمین مایحتاج

1. Spiritual intelligence
2. Critical Existential Thinking
3. Personal Meaning Production
4. Transcendental Awareness
5. Conscious State Expansion

زندگی است، بلکه نوع و چگونگی انجام آن، شاید بتواند مبین برخی از خصایص اخلاقی فرد نیز باشد.با انتخاب شغل و پذیرش مسؤولیت‌های آن، از فرد انتظار می‌رود که با تعهد و وابستگی به وظایف حرفه‌ای خود بپردازد. تعهد شامل عواملی، مانند اعتقادات کارکنان، میل و رضایت آنان، پذیرش شغل خود و اهداف و ارزش‌های سازمان، کوشش در راستای تحقق اهداف سازمانی و تمایلی قوی برای حفظ عضویت در سازمان است. در این راستا، کارکنان نسبت به محل کار، همکاران و شغل خود، تعهد دارند و انتظارات و نگرش‌های جمعی و هنجاری آنها تأثیرات مثبتی روی اثربخشی آنان دارد (فرنچ و ساوارد، ۱۳۷۵: ۶۵). با توجه به این‌که کلیه فعالیت‌های انسانی وابسته به تحولات و تغییرات درونی است، معنویت عامل مؤثر در ایجاد تغییرات در نگرش‌های درونی شخص است.

یکی از پژوهش‌ها با عنوان "استفاده علمی از هوش معنوی در محل کار" نشان داد که مدیران باهوش معنوی بالا می‌توانند روش متفاوتی برای اداره کردن افراد و هدایت آنها اتخاذ کنند. از این‌رو، داشتن حد متعادلی از هوش معنوی برای پیشبرد اهداف سازمان و کمک به بهبود اوضاع و ایجاد خلاقیت و نـــوآوری و حفظ تعهـــد و معنا بخشیدن به فعالیت‌های شغلی، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد و این مهم، منجر به اتخاذ تصمیمات صحیح در موارد بحرانی شده و می‌تواند سازمان را به سمت رسیدن به اهدافش سوق دهد. علاوه بر این، به‌کارگیری هوش معنوی باعث ایجاد گرایشات نوع دوستانه نسبت به دیگران و ایجاد دیدگاهی روشنفکرانه و آرام‌تر نسبت به زندگی می‌شود (George, 2006: 427).

دانشگاه‌ها به منزله مکان‌های انسان‌سازی، دارای موقعیت حساس و ارزنده‌ای هستند و در این بین، کتابخانه‌ها مغز متفکر دانشگاه‌ها به‌حساب آمده و توجه خاصی را می‌طلبند، زیرا که تولیدات علمی و نهایتاً توسعه و رشد جامعه در مکان‌های علمی و بویژه کتابخانه‌ها، تحقق می‌یابد که در این حیث نمی‌توان از نقش مؤثر کتابداران چشم‌پوشی کرد. از این‌رو، تعهدشغلی و هوش‌معنوی در کتابداران بویژه کتابداران شاغل در دانشگاه‌ها، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. پژوهش حاضر، به بررسی رابطه هوش‌معنوی (شامل چهار مؤلفه، تفکر وجودی، تولید معنای شخصی، بسط هوشیاری و آگاهی

متعالی) با تعهدشغلی و هم‌چنین بررسی هوش‌معنوی و تحلیل جمعیت شناختی[1] در کتابداران شاغل در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند می‌پردازد. با تحلیل تفاوت‌های هوش‌معنوی بر حسب چند ویژگی جمعیت‌شناختی (سن، جنس، رشته‌تحصیلی و مقطع‌تحصیلی) اطلاعات سودمندی جهت شناسایی عوامل جمعیت‌شناختی مرتبط با هوش‌معنوی و کتابداران حاصل شد. از آن‌جا که کتابداری رشته‌ی میان‌رشته‌ای است که بسیاری از علوم مانندروان‌شناسی، مدیریت و غیره در آن مؤثر هستند، لذا لازم است که از مقوله‌های مورد توجه در روان‌شناسی به بررسی رفتار کتابداران پرداخته شود و با توجه به این موضوع که هوش معنوی می‌تواند در بین انسان‌ها، شرایطی را فراهم کند که آنها بتوانند مسؤولیت‌های خود را به نحوی انجام دهند که منجر به کسب رضایت خداوند شود. از این‌رو، با فرض این‌که هوش معنوی بتواند بر تعهد شغلی تأثیر مثبتی بگذارد، نگارندگان به انجام پژوهش حاضر پرداخته تا به ارتباط بین این دو مقوله (هوش معنوی و تعهدشغلی) پی برده و بتوان شرایطی را فراهم آورد که کتابداران در آینده بتوانند، بهترین خدمات را به مراجعه‌کنندگان خود ارائه نمایند.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با پژوهش حاضر تاکنون کمتر پژوهشی در مورد کتابداران در داخل کشور انجام شده است، اما تاکنون تحقیقات گوناگونی در زمینه هوش معنوی و تعهدشغلی به‌طور جداگانه در دانشجویان رشته‌های مختلف از جمله پزشکی، پرستاری، علوم‌تربیتی و غیره صورت گرفته است که در این‌جا به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

رجایی‌پور و بهرامی (۱۳۸۷) در پژوهشی به "بررسی رابطه شفافیت نقش و تعهد شغلی کارکنان دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی اصفهان" پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش، میانگین نمرات حاصل از پرسش‌نامه، شفافیت نقش و تعهد شغلی بالاتر از حد متوسط بود. میزان شفافیت نقش و تعهد شغلی کارکنان بالاتر از حد متوسط و رابطه بین آن دو معنی‌دار و مثبت بود. بین شفافیت نقش با کلیه ابعاد چهارگانه تعهدشغلی،

1. Career commitmenet

ارتباط معنی‌دار و مثبت مشاهده شد.

رقیب، احمدی و سیادت (۱۳۸۷) به بررسی میزان هوش معنوی دانشجویان دانشگاه اصفهان و ارتباط آن با متغیرهای جمعیت‌شناختی پرداخته‌اند. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه اصفهان در سال ۸۷-۸۸ بود و یافته‌ها نشانگر هوش معنوی به نسبت بالا در دانشجویان دانشگاه اصفهان بود و از بین متغیرهای جمعیت‌شناختی، ارتباط معنی‌دار بین متغیرهای جنسیت، سن و مقطع تحصیلی با میزان هوش معنوی به‌دست نیامد.

شعبانی، فدایی و بشارت (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی رابطه هوش هیجانی و کیفیت ارائه خدمات کتابداران کتابخانه‌های دانشکده‌ای دانشگاه تهران پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که میزان هوش هیجانی کتابداران و مؤلفه‌های آن، متوسط به بالاست. نتایج هم‌چنین نشان داد بین کتابداران دارای مدرک تحصیلی کتابداری و کتابداران فاقد این مدرک در برخورداری از هوش هیجانی، تفاوت معناداری وجود ندارد.

حریری و زرین‌آبادی (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی تعیین رابطه هوش‌معنوی و تعهدشغلی در کتابداران دانشگاه‌های دولتی شهر اصفهان پرداخته‌اند. نتیجه یافته‌های پژوهش نشان‌گر هوش معنوی در حد بالا و تعهد شغلی در حد خوب در کتابداران بوده، از طرفی هم‌چنین بیان‌گر رابطه معنی‌دار بین چهار مؤلفه هوش معنوی (تفکر وجودی، بسط هوشیاری، آگاهی متعالی و تولید معنای شخصی) با تعهد شغلی بود.

دهقانی و فضل‌الهی قمشی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه هوش معنوی و تعهد سازمانی دبیران تربیت بدنی آموزش و پرورش ناحیه چهار شهر اصفهان" که با نمونه تصادفی انتخاب شده ۸۰ نفر انجام شد، به این نتیجه رسیدند که بین هوش‌معنوی و تعهدسازمانی رابطه معناداری وجود دارد، اما این رابطه در بعدهای معناسازی شخصی، آگاهی متعالی و گسترش خودآگاهی با تعهد سازمانی، معنادار نبوده است. از بین ابعاد هوش معنوی، تفکر وجودی در گام اول، باعث تعهد سازمانی می‌باشد.

رحیمی اول، صفری و ستاری (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه هوش معنوی کارکنان با تعهدمندی، رضایت و عملکرد شغلی در معلمان متوسطه شهرستان

مشکین‌شهر با استفاده از روش تحقیق توصیفی – همبستگی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که بین هوش‌معنوی معلمان با تعهدمندی و عملکرد شغلی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

پاک‌نیت و جاویدی (۱۳۹۵) در پژوهشی رابطه بین ابعاد هوش معنوی و سلامت سازمانی با نقش واسطه‌ای رفتار شهروندی سازمانی را مورد بررسی قرار دادند. روش پژوهش از نوع کاربردی و برای اجرای آن از روش همبستگی استفاده شد و جامعه آماری، تمامی کارکنان شرکت برق منطقه‌ای فارس که حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان، به تعداد ۱۵۹ نفر برآورد شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین هوش معنوی با رفتار شهروندی و سلامت سازمانی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

لی (Lee, 1981) در پژوهشی به بررسی رابطه بین تعهد شغلی و ارزش‌های شخصیتی در کتابداران دانشگاهی پرداخته‌است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که بین جنس، نوع نهاد، تعهدشغلی و ارزش‌های شخصی، رابطه معنی‌داری وجود ندارد. اما هرچه سن مخاطب بالاتر باشد، نمرات تعهدشغلی و دیگر خدمات شغلی بالاتر می‌رود و هرچه مبالغ پرداخت بیشتر باشد، نمرات تعهد شغلی نیز افزایش می‌یابد.

آمرام (Amram, 2009) در پژوهشی به مطالعه سهم هوش‌عاطفی و معنوی در رهبری مؤثر کسب و کار پرداخت.ابزار پژوهش به‌صورت خود گزارشی بوده و (ابعادشخصیت، هوش‌هیجانی، هوش‌معنوی و هوش‌عاطفی) در آنها بررسی شد. میزان هوش‌هیجانی خودگزارش شده از سوی مدیران با ارزیابی کارکنان از اثربخشی رهبری، رابطه معنی‌داری را نشان می‌دهد و در خودگزارشی از هوش‌معنوی و هوش‌هیجانی در مدیران، رابطه معنی‌داری را نشان می‌دهد. در ارزیابی‌ها نشان داده شد میزان هوش‌هیجانی و هوش‌معنوی در مدیریت مؤثر، نقش مهمی دارد.

آدیو و پوپولا (Adio & Popoola, 2010) در پژوهشی رضایت شغلی و تعهدشغلی کتابداران کتابخانه‌های دانشگاه فدرال نیجریه را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیقات نشان داد که رضایت شغلی تأثیر قابل توجهی بر تعهد شغلی کتابداران شاغل درکتابخانه‌های دانشگاه فدرال نیجریه دارد.

هیلدبرانت (Hildebrant, 2011) در پژوهشی رابطه هوش‌معنوی با سطح مدیریت و توسعه اخلاقی را مورد بررسی قرار داد. نتایج تحقیقات نشان داد که میل به مدیریت معنوی در محیط‌های سازمانی افزایش یافته و به‌وسیله هوش‌معنوی می‌توان اخلاق معنوی یک مدیر را مورد ارزیابی قرار داد. نتایج این پژوهش هم‌چنین وجود رابطه بین به‌کارگیری هوش معنوی در جوهای حاکم سازمانی مدیریت را نشان می‌دهد.

رانی، عبدالغنی و شمس‌الدین (Rani, Abdulghani & Shamsuddin, 2013) در پژوهشی تأثیر هوش‌معنوی بر عملکردکاری بیمارستان‌های دولتی مالزی را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که بین هوش معنوی و عملکرد کاری، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. از آن‌جا که تعهدشغلی یکی از متغیرهای بسیار مهم در سازمان‌ها است که اخیراً مورد توجه روان‌شناسان صنعتی و سازمانی قرار گرفته است و با عنایت به این‌که یکی از ابعاد مهم زندگی بشری، زندگی شغلی آنان می‌باشد، این بررسی‌ها نشان می‌دهد مفاهیم هوش و معنویت از دیرباز مورد توجه بوده و آن‌چه در این دوره اهمیت ویژه می‌یابد، تلفیق این دو مفهوم در کنار یکدیگر است.

این پژوهش و نتایج حاصل از آن می‌تواند ضمن روشنکردن وضعیت موجود و نقاط قوت و ضعف کتابداران در زمینه‌های یاد شده، به ارائه پیشنهادات سودمندی جهت ارتقاء هوش معنوی و تعهدشغلی کتابداران منجر شود. لذا در این تحقیق، مطالعه رابطه مؤلفه‌های هوش معنوی با تعهد شغلی، جایگاه معنویت و هوش معنوی در زندگی شغلی کتابداران و نحوه وابستگی آنها به حرفه‌ای که به آن اشتغال دارند، روشنگر نکات مفیدی خواهد بود که در زمینه تعهد شغلی کتابداران وجود دارد.

فرضیه‌های پژوهش

۱) بین هوش معنوی و تعهدشغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۲) بین تفکر وجودی و تعهدشغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۳) بین تولید معنای شخصی و تعهد شغلی در کتابداران کتابخانه های دانشگاهی شهر بیرجند، رابطه معنی داری وجود دارد.

۴) بین بسط هوشیاری و تعهدشغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۵) بین آگاهی متعالی و تعهدشغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش پیمایشی- توصیفی از نوع همبستگی و جامعه پژوهش را کل کتابدارانی تشکیل می‌دهند که در زمان انجام تحقیق (۱۳۹۵) با داشتن حداقل مدرک دیپلم، پست سازمانی کتابـــدار را احراز کرده و مشغول به خـدمت در کتابخـــانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند بوده‌اند. به این منظور فهرستی از کلیه کتابداران شاغل در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند (شامل کتابخانه‌های دانشگاه علوم پزشکی، بیمارستان امام رضا (ع)، بیمارستان ولیعصر (عج)، مرکزی دانشگاه بیرجند، دانشکده علوم‌تربیتی، دانشکده هنر، دانشکده کشاورزی، کتابخانه فرهنگی دانشگاه بیرجند، دانشگاه پیام‌نور، دانشگاه آزاد اسلامی و آموزشکده سپیده کاشانی) با احراز پست سازمانی کتابدار تهیه گردید که تعداد کل کتابداران در کتابخانه‌های ذکر شده، ۵۰ نفر بودند که از این تعداد، ۴۴ نفر به پرسش‌نامه پاسخ دادند. با استفاده از بسته نرم افزاری SPSS نسخه ۲۴، تجزیه و تحلیل اطلاعات در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام گرفت. در بخش آمار توصیفی، داده‌های جمعیت‌شناختی توصیف شد و در بخش آمار استنباطی، برای پاسخ به فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های تی مستقل (به منظور مقایسه دو گروه مستقل)، تحلیل واریانس (جهت مقایسه بیشتر از دو گروه مستقل) و همبستگی پیرسون (به منظوررابطه بین دو متغیر کمی) استفاده شد. برای هر یک از متغیرهای هوش معنوی و تعهدشغلی، از پرسش‌نامه‌های جداگانه‌ای استفاده شد و ارسال پرسش‌نامه‌ها به صورت حضوری بوده است.

پرسش‌نامه تعهد شغلی: برای گردآوری داده‌های مربوط به تعهدشغلی در این طرح از مقیاس خودارزیابی تعهدشغلی استفاده شد. این مقیاس یک ابزار اندازه‌گیری مربوط به سنجش تعهدشغلی می‌باشد. این پرسش‌نامه که توسط تلا (Tella, 2007) ساخته شده است، دارای ۱۵ گویه می‌باشد. امتیازات آن بین ۱ تا ۷۵ است که کسب حداقل ۳۵ امتیاز، بیان‌گرمتوسط بودن این وضعیت می‌باشد. در واقع، کسب امتیاز بالاتر در این پرسش‌نامه، بیان‌گر تعهدشغلی بیشتر است که براساس مقیاس لیکرت در پنج طیف (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، موافق نیستم و اصلاً موافق نیستم) مورد سنجش قرار گرفته است. در تحقیقی که توسط پوپولا (Popoola, 2007) با عنوان تعهدشغلی در میان سوابق کارکنان مدیریت در خدمات دولتی نیجریه انجام داد، از این پرسش‌نامه استفاده نمود. در این پژوهش پایایی آن ۰/۸۸سنجیده شده است.

پرسشنامه هوش معنوی: برای گردآوری داده‌های مربوط به هوش معنوی از مقیاس خود ارزیابی هوش معنوی(SISRI, 24-)[1] کینگ (King, 2008) استفاده خواهد شد که ابزار اندازه‌گیری مربوط به سنجش هوش‌معنوی با چهار زیر مقیاس شامل (تفکر وجودی، تولید معنای شخصی، بسط هوشیاری و آگاهی متعالی) و هم‌چنین شامل ۲۴ گویه است. نمره این مقیاس می‌تواند بین صفر تا ۹۶ باشد که نمره بالا نشان‌دهنده میزان بالای هوش‌معنوی در افراد است که بر اساس مقیاس لیکرت در پنج طیف (اصلاً در مورد من درست نیست، موافقم، موافق نیستم، اصلاً موافق نیستم و نظری ندارم)، مورد سنجش قرار می‌گیرد. کینگ به منظور سنجش روایی، این مقیاس را با چندین پرسش‌نامه معتبر، از جمله مقیاس خود تفسیری فراشخصی[2]، مقیاس عرفان[3] و مقیاس دین‌داری[4] درونی و بیرونی مورد مقایسه قرار داده است و ضریب همبستگی آنها را به ترتیب ۵۸٪، ۶۳٪ و ۶۷٪ به‌دست آورده است. پایایی این مقیاس نیز در مطالعات کینگ بر روی ۶۱۹ نفر از دانشجویان دانشگاه ترنت[5] کانادا در سال ۲۰۰۷ بر اساس ضریب آلفا،

1. The Spritual Intelligence Self-Report Inventory
2. Metapersonal Self-Construl Scale
3. Mysticism Scale- Research Form D
4. Religiosity scale
5. Trent

۰/۹۵ گزارش شده است و آلفای زیر مقیاس‌های آن، از جمله تفکر وجودی ۰/۸۸، تولید معنای شخصی ۰/۸۷، آگاهی متعالی ۰/۸۹ و بسط هوشیاری ۰/۹۴ بیان شده است. در بعد تفکر وجودی، نمره کل می‌تواند بین صفر تا ۲۸، در بعد تولید معنای شخصی بین صفر تا ۲۰، در بعد بسط هوشیاری بین صفر تا ۲۸ و در بعد آگاهی متعالی بین صفر تا ۲۰ باشد. از پرسش‌نامه هوش‌معنوی کینگ در تحقیقاتی که به اختصار بیان کردیم، استفاده شده است. رقیبی، بخشائی و معلمی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه شادکامی با هوش‌معنوی و افکار ناکار آمد در دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان" از پرسش‌نامه مذکور استفاده کرده و ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه ۸۹٪ و هم‌چنین ضریب اعتبار پرسش‌نامه هوش‌معنوی از طریق بازآزمایی در یک نمونه ۷۰ نفری به فاصله زمانی متوسط ۲ هفته، ۶۷٪ محاسبه شد. در پژوهش حاضر، روایی این پرسش‌نامه بر اساس نظرات اساتید سنجیده شده و ضریب آلفای آن برابر ۰/۸۳ به‌دست آمده‌که ضریب بالا و قابل قبولی است.

یافته‌های پژوهش

بررسی نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که در بررسی متغیر جمعیت‌شناختی (سن)، بین بیشترین کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند در رده سنی ۴۰ ساله و بالاتر با ۵۶/۸٪ و کمترین کتابداران در رده‌ی سنی کمتر از ۳۰ سال با ۹/۱٪ (در سطح اطمینان ۹۵٪)، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (P-Value=۰/۰۷۶). در مورد متغیر جنسیت بیشترین کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند را زنان با ۶۸/۲٪ تشکیل می‌دهند و مردان ۲۹/۵٪ که این خود نشان‌دهنده برتری تعداد زنان بر مردان در کتابخانه‌های مورد بررسی می‌باشد. نتایج آزمون تی مستقل بیانگر این است که بین هوش معنوی کتابداران زن و مرد در سطح اطمینان ۹۵٪، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (P-Value=۰/۵۴۸). نتایج به‌دست آمده از متغیر سطح تحصیلات نشان می‌دهد که بیشترین افراد، مدرک تحصیلی کارشناسی (۵۹/۱٪) که بیش از نیمی از افراد را تشکیل می‌دهند و کمترین افراد را دارندگان مدرک دیپلم

(۶/۸٪) تشکیل می‌دهند. دارندگان مدرک کارشناسی ارشد با ۲۰/۵٪ و فوق دیپلم با ۱۳/۶٪ می‌باشند که چنان‌چه این تعداد نیز به دارندگان مدرک کارشناسی اضافه شوند، تعداد دانش‌آموختگان کتابداری را ۹۳٪ از کتابداران مورد نظر در این پژوهش را تشکیل می‌دهند. نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۵٪، تفاوت معنی‌داری بین میانگین هوش معنوی کتابداران در چهار مقطع تحصیلی مذکور وجود ندارد (P-Value=۰/۶۹۷). با توجه به جدول۱، متغیر رشته تحصیلی تعداد ۶۸/۲٪ کتابداران در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی بوده است و بقیه افراد را که ۲۹/۵٪ از جامعه پژوهش را تشکیل می‌دهند، غیرکتابداران هستند. نتایج آزمون تی مستقل نشان می‌دهد بین میانگین هوش معنوی در دو رشته کتابداری و غیرکتابداری (در سطح اطمینان ۹۵٪)، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (P-Value=۰/۴۹۲).

جدول۱) توزیع فراوانی، درصد فراوانی و نتایج آزمون فرض بر حسب ویژگی‌های فردی

متغیرهای جمعیت‌شناختی

ردیف	گزینه‌های مرتبط با ویژگی‌های فردی						
۱	سن	کمتر از ۳۰	۳۰-۳۹	۴۰ و بالاتر	موارد بدون پاسخ		F= ۲/۷۵۶
		۴ (۹/۱)	۱۲(۲۷/۳)	۲۵(۵۶/۸)	۳(۶/۸)		p value = ۰/۰۷۶
۲	جنسیت	زن		مرد	موارد بدون پاسخ		t=۰/۶۰۶
		۳۰ (۶۸/۲)		۱۳ (۲۹/۵)	۱ (۲/۳)		P value = ۰/۵۴۸
۳	سطح تحصیلات	دیپلم	فوق دیپلم	کارشناسی	کارشناسی ارشد		F = ۰/۴۸۱
		۳(۶/۸)	۶(۱۳/۶)	۲۶(۵۹/۱)	۹(۲۰/۵)		۰= P value/۶۹۷
۴	رشته تحصیلی	کتابداری		غیرکتابداری	موارد بدون پاسخ		t= ۰/۶۹۴
		۳(۶۸/۲)		۱۳(۲۹/۵)	۱(۲/۳)		P value = ۰/۴۹۲

یافته‌های مربوط به وضعیت هوش معنوی و ابعاد آن که در جدول ۲ آمده، نتایج نشان می‌دهد که تفکر وجودی با میانگین ۱۸/۹۱ اختلاف کمی با میانگین بعد آگاهی متعالی

(۱۸/۰۴) دارد. هم‌چنین دو بعد تولید معنای شخصی و بسط هوشیاری به ترتیب با میانگین‌های ۱۲/۷۷ و ۱۳/۰۷ دارای تفاوت کمی با هم هستند. با در نظر گرفتن حداکثر میانگین‌های ممکن در هر یک از ابعاد که به ترتیب برابر ۲۸، ۲۰، ۲۸ و ۲۰ می‌باشد، می‌توان گفت تمامی ابعاد هوش معنوی بالاتر از سطح متوسط هستند. به‌طور کلی، هوش معنوی کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند با میانگین ۶۲/۷۹، بالاتر از سطح متوسط قرار دارد.

جدول۲) میانگین و انحراف معیار هوش معنوی و ابعاد آن در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند

ابعاد	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
تفکر وجودی	۱۸/۹۱	۴/۱۴	۱۲	۲۸
تولید معنای شخصی	۱۲/۷۷	۲/۶۴	۸	۱۹
آگاهی متعالی	۱۸/۰۴	۳/۴۳	۱۲	۲۷
بسط هوشیاری	۱۳/۰۷	۲/۶۷	۹	۱۹
هوش معنوی	۶۲/۷۹	۱۱/۱۰	۴۳	۹۰

وضعیت تعهدشغلی کتابداران که در جدول ۳ آمده، نتایج نشان می‌دهد که میانگین و انحراف معیار تعهد شغلی کتابداران مورد پژوهش به ترتیب برابر ۵۴/۸۲ و ۸/۲۵ می‌باشد. بر اساس این نتایج، می‌توان گفت که کتابداران پژوهش حاضر تقریباً ۷۳٪ امتیاز مربوط به تعهد شغلی را کسب کرده‌اند. لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که تعهد شغلی کتابداران در سطح خوبی ارزیابی می‌شود.

جدول ۳) شاخص‌های آماری تعهدشغلی کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند

تعهد شغلی	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	دامنه تغییرات
	۵۴/۸۲	۸/۲۵	۴۰	۷۰	۱۵-۷۵

پنج فرضیه پژوهش مبنی بر رابطه هوش‌معنوی و تعهدشغلی با استفاده از آزمون‌های جداگانه همبستگی پیرسون مورد آزمون قرار گرفت و نتایج آزمون‌ها در جدول‌های زیر نشان داده شده است.

فرضیه اول: بین هوش‌معنوی و تعهدشغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول۴) نتایج آزمون‌های همبستگی بین هوش معنوی و تعهد شغلی کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند

هوش معنوی	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
تعهد شغلی	r=۰/۴۰۴	P-Value=۰/۰۰۷

همان‌گونه که از جدول ۴ استنباط می‌گردد، سطح معنی‌داری به‌دست آمده (P-Value=۰/۰۰۷) کمتر از آلفای تصمیم‌گیری محقق (۰/۰۵) می‌باشد، لذا فرضیه صفر رد شده و فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه "بین هوش‌معنوی و تعهدشغلی‌در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند رابطه معنی‌داری وجود دارد"، تأیید می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، این رابطه مستقیم است. بنابراین انتظار داریم هرچه میزان هوش‌معنوی کتابداران بیشتر باشد، تعهدشغلی آنها نیز بیشتر شود.

فرضیه دوم: بین تفکر وجودی و تعهدشغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول۵) نتایج آزمون ضریب همبستگی بین تفکر وجودی و تعهدشغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند

تفکر وجودی	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
تعهد شغلی	r=۰/۲۶۵	P-Value=۰/۰۸۲

بر اساس نتایج جدول۵، چون سطح معنی‌داری به‌دست آمده (P-Value=۰/۰۸۲) بیشتر از آلفای تصمیم‌گیری محقق (۰/۰۵) می‌باشد، لذا دلایل کافی برای رد فرضیه صفر، مبنی بر عدم رابطه معنی‌دار بین تفکر وجودی و تعهدشغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند، وجود ندارد.

فرضیه سوم: بین تولید معنای شخصی و تعهد شغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول۶) نتایج همبستگی تولید معنای شخصی و تعهد شغلی در نمونه پژوهش

تولید معنای شخصی	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
تعهد شغلی	r=۰/۵۶۹	P-Value=۰/۰۰۱

همان‌گونه که نتایج جدول۶ نشان می‌دهد، سطح معنی‌داری به‌دست آمده (P-Value=۰/۰۰۱) کمتر از آلفای تصمیم‌گیری محقق (۰/۰۵) می‌باشد، لذا فرضیه صفر رد شده و فرضیه پژوهش مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار بین تولید معنای شخصی و تعهدشغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند، تأیید می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، این رابطه مستقیم است. لذا هرچه میزان تولید معنای شخصی کتابداران بیشتر باشد، تعهد شغلی آنها نیز بیشتر شود.

فرضیه چهارم: بین بسط هوشیاری و تعهد شغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول۷) نتایج آزمون ضریب همبستگی بین بسط هوشیاری و تعهد شغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند

بسط هوشیاری	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
تعهد شغلی	r=۰/۳۹۲	P-Value=۰/۰۰۹

همان‌گونه که از جدول ۷ استنباط می‌گردد، چون سطح معنی‌داری به‌دست آمده (P-Value=۰/۰۰۹) کمتر از آلفای تصمیم‌گیری محقق (۰/۰۵) است، لذا فرضیه صفر رد شده و فرضیه پژوهش مبنی بر این‌که "بین بسط هوشیاری و تعهد شغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند رابطه معنی‌داری وجود دارد"، تأیید می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، این رابطه مستقیم است. بنابراین انتظار داریم هرچه میزان بسط هوشیاری کتابداران بیشتر باشد، تعهد شغلی آنها نیز بیشتر شود.

فرضیه پنجم: بین آگاهی متعالی و تعهد شغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول۸) نتایج آزمون ضریب همبستگی بین آگاهی متعالی و تعهد شغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند

آگاهی متعالی	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
تعهد شغلی	r=۰/۲۴۴	P-Value=۰/۱۱۰

بر اساس نتایج جدول ۸، چون سطح معنی‌داری به‌دست آمده (P-Value=۰/۱۱۰) بیشتر از آلفای تصمیم‌گیری محقق (۰/۰۵) می‌باشد، بنابراین دلایل کافی برای رد فرضیه صفر، مبنی بر عدم رابطه معنی‌دار بین آگاهی متعالی و تعهدشغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند، وجود ندارد.

تحلیل یافته‌ها

یافته‌های مربوط به بررسی وجود ارتباط معنادار میان هوش معنوی و تعهد شغلی در کتابداران شاغل در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند، با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آنان نشان داد که میان متغیرهای جمعیت‌شناختی با هوش معنوی، رابطه معناداری وجود ندارد. به نظر می‌رسد هوش معنوی با عوامل دیگری فراتر از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، در ارتباط باشد.

بر اساس یافته‌های پژوهش مبنی بر وضعیت هوش معنوی، به‌طورکلی می‌توان گفت هوش معنوی کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند با میانگین (۶۲/۷۹) در مقایسه با بالاترین میزان ممکن در پرسش‌نامه پژوهش حاضر (۱۳۹۶) در بالاتر از سطح متوسط قرار دارد. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات رقیب، احمدی و سیادت (۱۳۸۷)؛ شعبانی، فدایی و بشارت (۱۳۸۸)؛ دهقانی و فضل‌اللهی قمشی (۱۳۹۴) همخوان است و با نتایج پژوهش حریری و زرین‌آبادی (۱۳۹۱) همخوانی ندارد. البته برای جامعه ما که جامعه‌ای مذهبی و متمایل به ارزش‌های انسانی است، چنین نتایجی بعید و دور از انتظار نیست.

میانگین بعد تفکر وجودی (۱۸/۹۱) نسبت به حداکثر میانگین ممکن در این بعد (۲۸)، در بین کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند در سطح بالاتر از سطح متوسط

قرار دارد. این نتایج با تحقیقات شعبانی، فدایی و بشارت (۱۳۸۸)؛ حریری و زرین‌آبادی ۱۳۹۱)؛ دهقانی و فضل‌الهی قمشی (۱۳۹۴) همخوانی دارد. داشتن اعتقاد به قدرتی مافوق باعث ایجاد آرامش و حس اطمینان می‌شود و در عین حال، تفکر در مورد انسان و مبدأ و مقصد حیات بشری، موجب رشد معنویت و در نتیجه، بهبود فعالیت کاری و ایجاد تعهد در مسائل شغلی خواهد شد.

میانگین بعد تولید معنای شخصی (۱۲/۷۷) نسبت به حداکثر میانگین ممکن در این بعد (۲۰)، در بین کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند در سطح بالاتر از سطح متوسط قرار دارد. یافته‌های پژوهش شعبانی، فدایی و بشارت (۱۳۸۸)؛ حریری و زرین‌آبادی (۱۳۹۱)؛ دهقانی و فضل‌اللهی قمشی (۱۳۹۴) و رانی، عبدالغنی و شمس‌الدین (Rani, Abdulghani & Shamsuddin, 2013). این نتایج را تأیید می‌کند. افزایش معنایابی در زندگی باعث اعتقاد به یک نیروی برتر که ناظر بر اعمال بوده و این موضوع در نگرش مثبت و ایجاد انگیزه نسبت به آینده و تلاش برای بهبود زندگی و شغلی مفید بوده، عاملی جهت ارتقای سطح تعهد در امور محوله می‌باشد.

میانگین بعد بسط هوشیاری (۱۳/۰۷) نسبت به حداکثر میانگین ممکن در این بعد (۲۰)، در مقیاس لیکرت در بین کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند در سطح بالاتر از سطح متوسط قرار دارد. نتایج به‌دست آمده در این زمینه با یافته‌های پژوهش شعبانی، فدایی و بشارت (۱۳۸۸)؛ حریری و زرین‌آبادی (۱۳۹۱)؛ دهقانی و فضل‌اللهی قمشی (۱۳۹۴) و رانی، عبدالغنی و شمس‌الدین (Rani, Abdulghani & Shamsuddin, 2013) همخوانی دارد. هوشیاری با افزایش دادن قدرت انسان در برابر مشکلات و ایجاد آرامش، افراد را قادر می‌سازد در محیط اداری بر فعالیت‌های شغلی خود تمرکز داشته و با تعهد بیشتر به انجام امور محوله خود بپردازند.

میانگین بعد آگاهی متعالی (۱۸/۰۴) نسبت به حداکثر میانگین ممکن در این بعد (۲۸)، در مقیاس لیکرت در بین کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند در سطح بالاتر از سطح متوسط قرار دارد. این نتایج با تحقیقات شعبانی، فدایی و بشارت (۱۳۸۸)؛

حریری و زرین‌آبادی (۱۳۹۱)؛ دهقانی و فضل‌اللهی قمشی (۱۳۹۴) و رانی، عبدالغنی و شمس‌الدین (Rani, Abdulghani & Shamsuddin, 2013) همخوانی دارد. از این‌رو، با خودآگاهی عمیق که در آن فرد بیشتر با ابعاد خویشتن آگاه می‌شود و علاوه بر بدن، ذهن و روح خود را تقویت می‌کند، می‌تواند فعالیت‌ها و زندگی خود را در مسیری هدایت کند که بالاترین بهره‌وری را داشته باشد.

طبق نتایج میانگین و انحراف معیار تعهد شغلی کتابداران مورد نظر که به ترتیب برابر ۵۴/۸۲ و ۸/۲۵ می‌باشد که براساس این نتایج، می‌توان گفت کتابداران پژوهش حاضر، تقریباً ۷۳٪ امتیاز مربوط به تعهد شغلی را کسب کرده‌اند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که تعهد شغلی کتابداران در سطح خوبی ارزیابی می‌شود. نتایج تحقیقات پاک‌نیت و جاویدی (۱۳۹۵)؛ دهقانی و فضل‌اللهی قمشی (۱۳۹۴)؛ حریری و زرین‌آبادی (۱۳۹۱)؛ رحیمی اول، صفری و ستاری (۱۳۹۴) و رانی، عبدالغنی و شمس‌الدین (Rani, Abdulghani & Shamsuddin, 2013) حاکی از آن است که تعهد سازمانی در دو تحقیق اول و تعهد شغلی در تحقیقات دیگر، در سطح خوبی قرار دارد. در نتیجه، پژوهش حاضر با پژوهش‌های انجام گرفته، همخوانی دارد.

آزمون فرضیه اول پژوهش مبنی بر این‌که "بین هوش معنوی و تعهد شغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند رابطه معنی‌داری وجود دارد"، تأیید می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، این رابطه مستقیم است. بنابراین انتظار داریم هر چه میزان هوش معنوی کتابداران بیشتر باشد، تعهد شغلی آنها نیز بیشتر شود که این امر برای بهبود کیفیت در سازمان‌ها مهم است. این نتایج با پژوهش جورج (George, 2006)، حریری و زرین‌آبادی (۱۳۹۱) در تعهد شغلی و هم‌چنین دهقانی و فضل‌اللهی قمشی (۱۳۹۴) در تعهد سازمانی مطابقت دارد. بنابراین وجود حداقلی از هوش معنوی برای احراز پست‌های سازمانی ضروری است، زیرا می‌تواند باعث ایجاد تعهد شغلی در افراد شده و این امر در بهبود کیفیت در سازمان حائز اهمیت است.

در آزمون فرضیه دوم، دلایل کافی برای رد فرضیه صفر مبنی بر عدم رابطه معنی‌دار بین تفکر وجودی و تعهد شغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند وجود

ندارد. نتایج به‌دست آمده با نتایج پاک‌نیت و جاویدی (۱۳۹۵) مطابقت دارد و با نتایج حریری و زرین‌آبادی (۱۳۹۱)، دهقانی و فضل‌اللهی قمشی (۱۳۹۴) همخوانی ندارد.

در آزمون فرضیه سوم پژوهش، وجود رابطه معنی‌دار بین تولید معنای شخصی و تعهد شغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند تأیید می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، این رابطه مستقیم است. لذا انتظار داریم هر چه میزان تولید معنای شخصی کتابداران بیشتر باشد، تعهد شغلی آنها نیز بیشتر شود. البته دهقانی و فضل‌اللهی قمشی (۱۳۹۴) در نتایج خود بیان کردند که بعد تولید معنای شخصی، رابطه معناداری با تعهد سازمانی ندارد، ولی نتایج حریری و زرین‌آبادی (۱۳۹۱) و پاک‌نیت و جاویدی (۱۳۹۵) با این نتایج مشابهت دارد. سطح مطلوب تولید معنای شخصی در کتابداران، زمینه‌ای برای نگرش مثبت و امیدواری به آینده و تلاش برای بهبود فرایند زندگی و فعالیت‌های حرفه‌ای است.

آزمون فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر این‌که "بین بسط هوشیاری و تعهد شغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند رابطه معنی‌داری وجود دارد" تأیید می‌شود. این نتایج با نتایج حریری و زرین‌آبادی (۱۳۹۱) و پاک‌نیت و جاویدی (۱۳۹۵) همخوانی دارد، ولی با نتایج دهقانی و فضل‌اللهی قمشی (۱۳۹۴) مطابقت ندارد. با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، این رابطه مستقیم است. بنابراین انتظار داریم هر چه میزان بسط هوشیاری کتابداران بیشتر باشد، تعهد شغلی آنها نیز بیشتر شود.

در آزمون فرضیه پنجم، دلایل کافی برای رد فرضیه صفر مبنی بر عدم رابطه معنی‌دار بین آگاهی متعالی و تعهد شغلی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند، وجود ندارد. لذا فرضیه پنجم رد می‌شود و با نتایج دهقانی و فضل‌اللهی قمشی (۱۳۹۴) مشابه است، ولی با نتایج حریری و زرین‌آبادی (۱۳۹۱) و پاک‌نیت و جاویدی (۱۳۹۵) همخوانی ندارد. البته بالا بودن میانگین آگاهی متعالی در کتابداران یافته نویدبخشی است که می‌تواند آثار خوبی در محیط کتابخانه‌ها، بویژه در زمینه رفتار کتابداران با مراجعان در پی داشته باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

امروزه اعتقاد کلی بر این است که کارکنان متعهد، کارکنان ارزشمندتری نسبت به سایر کارکنان هستند. معنویت در محیط کار موجب مشروعیت اقدامات فردی و جمعی شده، انسجام و تعادل فرهنگ سازمانی را تقویت می‌کند. وضعیت هوش معنوی در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند با میانگین ۶۲/۷۹ در بالاتر از سطح متوسط ارزیابی شده و تعهد شغلی هم با میانگین ۵۴/۸۲، در سطح خوبی قرار دارد. نتایج به‌دست آمده با نتایج شعبانی، فدایی و بشارت (۱۳۸۸)؛ حریری و زرین‌آبادی (۱۳۹۱)، دهقانی و فضل‌اللهی قمشی (۱۳۹۴) و رانی، عبدالغنی و شمس‌الدین Rani, (Abdulghani & Shamsuddin, 2013) تا حدود زیادی مطابقت دارد. از بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، رابطه معنی‌داری بین سن، جنسیت، رشته تحصیلی و مقطع تحصیلی با میزان هوش معنوی به‌دست نیامد. یافته‌ها هم‌چنین بیان‌گر رابطه معنی‌داری بین دو مؤلفه هوش معنوی (تولید معنای شخصی و بسط هوشیاری) با تعهد شغلی بود که با نتایج حریری و زرین‌آبادی (۱۳۹۱) مشابه و با نتایج پاک‌نیت و جاویدی (۱۳۹۵) در بعد معنای شخصی با سلامت سازمانی، مطابقت دارد، ولی با نتایج دهقانی و فضل‌اللهی قمشی (۱۳۹۴) همخوانی ندارد و از طرفی، بین دو مؤلفه دیگر هوش معنوی (آگاهی متعالی و تفکر وجودی) با تعهد شغلی رابطه معناداری وجود ندارد. البته در مورد بعد آگاهی متعالی، با نتایج دهقانی و فضل‌اللهی قمشی (۱۳۹۴) و در مورد بعد تفکر وجودی با سلامت سازمانی، با نتایج پاک‌نیت و جاویدی (۱۳۹۵) همخوانی دارد، ولی با نتایج حریری و زرین‌آبادی (۱۳۹۱) مطابقت ندارد. هم‌چنین در بعد آگاهی متعالی با سلامت سازمانی، با نتایج پاک‌نیت و جاویدی (۱۳۹۵) تفاوت دارد. با توجه به رابطه معنی‌داری و مثبت بین هوش معنوی و تعهد شغلی به نظر می‌رسد تقویت هوش معنوی و تشویق معنویت در محیط کار، منجر به افزایش خلاقیت، صداقت و اعتماد، تعهد سازمانی، اخلاق و وجدان کاری و بهره‌وری بالاتری شود. میزان هوش معنوی در میان کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند بالاتر از سطح متوسط و به این معناست که بر اساس نتایج، میانگین هوش معنوی در کتابداران ۶۲/۷۹ می‌باشد، اما

به‌دلیل آن‌که هوش معنوی مفهومی سیال است و ممکن است در طی زمان بنا به‌دلایلی حتی کاهش یابد، لذا پیشنهاد می‌شود:

۱. دانشگاه‌ها در خصوص حفظ این میزان هوش معنوی و بهبود آن همواره تلاش نموده و برنامه‌های مدونی را ترتیب دهند. دانشگاه‌های شهر بیرجند در برنامه‌های آتی خود و با توجه به نیازسنجی آموزشی، اقدام به ارتقاء هوش معنوی از طریق تهیه بروشورها و کتابچه‌های کم‌حجم و ساده‌ای برای کارکنان و کلاس‌های آموزشی اخلاق حرفه‌ای و معنوی نمایند.

۲. با توجه به طیف گسترده دانش‌آموختگان رشته کتابداری که هر سال آماده اشتغال در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی هستند، پیشنهاد می‌شود از این پس هوش معنوی به‌عنوان یکی از معیارهای استخدام کتابداران مورد توجه قرار گیرد تا بدین‌وسیله افراد مستعدتری وارد این مراکز شوند.

منابع

- پاک‌نیت، میترا؛ جاویدی، حجت‌الله (۱۳۹۵). "رابطه بین ابعاد هوش معنوی و سلامت سازمانی با نقش واسطه‌ای رفتار شهروندی سازمانی". *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، سال هفتم، ش۲۳ (بهار): ۱۹-۳۷.
- حریری، نجلا؛ زرین‌آبادی، زرین (۱۳۹۱). "سنجش رابطه هوش معنوی و تعهد شغلی در کتابداران دانشگاه‌های دولتی شهر اصفهان". *مطالعات کتابداری و علم اطلاعات*، دوره نوزدهم، ش۱۰ (پاییز و زمستان): ۷۹- ۹۶.
- دهقانی، مهری؛ فضل‌اللهی قمشی، سیف‌الله (۱۳۹۴). "بررسی رابطه هوش معنوی و تعهد سازمانی دبیران". *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال نهم، ش۱۷ (پاییز و زمستان): ۱۰۵-۱۳۲.
- رجایی‌پور، سعید؛ بهرامی، سوسن (۱۳۸۷). "رابطه شفافیت نقش و تعهد شغلی کارکنان دانشکده‌های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ". *مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد*، سال دوم، ش۲ (تابستان): ۳۰-۳۶.

- رحیمی اول، قاسم؛ صفری، بهنام؛ ستاری، صدرالدین (۱۳۹۴). "بررسی رابطه هوش معنوی با تعهدمندی، رضایت و عملکرد شغلی در بین معلمان مقطع متوسطه شهرستان مشکین‌شهر". در: اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت اقتصاد، حسابداری و علوم‌تربیتی. ساری: شرکت علمی - پژوهشی و مشاوره‌ای آینده‌سازان: ۱-۱۴.
- رقیب، مائده‌سادات؛ احمدی، جعفر؛ سیادت، علی (۱۳۸۷). "تحلیل میزان هوش معنوی دانشجویان دانشگاه اصفهان و ارتباط آن با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی". *مطالعات روانشناسی تربیتی*، دوره پنجم، ش ۸ (زمستان): ۳۹-۵۶.
- رقیبی، مهوش؛ بخشائی، نورمحمد؛ معلمی، صدیقه (۱۳۸۹). "بررسی رابطه شادکامی با هوش معنوی و افکار ناکارآمد در دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- شعبانی، علی؛ فدایی، غلامرضا؛ بشارت، محمدعلی (۱۳۸۸). "بررسی رابطه هوش هیجانی و کیفیت ارائه خدمات کتابداران کتابخانه‌های دانشکده‌ای دانشگاه تهران". *فصلنامه اطلاع‌شناسی*، سال دوازدهم، ش ۲۵ (پاییز): ۵۹-۷۰.
- فرنچ، درک؛ ساوارد، هیثر (۱۳۷۵). *فرهنگ مدیریت*. ترجمه احمد صائبی. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- Adio, G.; Popoola, S. O. (2010). "Job Satisfaction and Career Commitment of Librarians in federal university libraries in Nigeria". *Library Review*, Vol. 59, No. 3: 175-183.
- Amram, jeseph yosi (2009). "The contribution of emotional & spiritual intelligence to effective business leadership". Doctoral of Philosophy in Clinical Psychology, Institute of Transpersonal Psychology Palo Alto, California university.
- George, M. (2006). "How intelligent are you ... really? From IQ to EQ to SQ, With a little intuition along theway". *Training & management development methods*, Vol. 20, No. 4: 425-436.

- Hildebrant, Linda S. (2011). "Spiritual intelligence: Is it related to a leader's level ofthicaldevelopment?" Doctoral dissertation of Philosophy, School of Business and Technology, Capella University.
- King, D. B. (2008). "Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, modelandmeasure". Master of Science dissertation of Psychology, trent university, canada.
- Lee, Young Shik (1981). "An explorartory study on the relationship between Job commitment and personal values of academic librarians". Doctoral Psychology, The University of Southern Mississippi.
- Mascaro, N.; Rosen, D. H. (2005). "Existential meaning's role in the enhancement of hope andprevention of depressive symptoms". *Journal of Personality*, Vol. 73, No. 4: 985-1014.
- Popoola, SO (2007). "Career commitment among records management personnel in a state civil service in Negria". *Records Management Journal*. Vol. 17, No. 2: 107-116.
- Rani, A. A.; Abdulghani, A.; Shamsuddin, A. (2013). "The impact of spiritual ntelligence in Reducing job stress: Case studies in Malaysia Hospital ofEast coast of Malaysia". *The Macrotheme view*, Vol. 2, No. 4: 183-192.
- Zohar, Danah; Marshall, Ian (2000). *SQ: Spirit all intelligence the Ultimate intelligence*. London: Bloombury.

بررسی سیر تحول ایوان در خانه‌های نهبندان از قاجار تا پهلوی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۴
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۷

زهرا روشندل[۱]
حسن هاشمی زرج‌آباد[۲]
حمیدرضا قربانی[۳]

چکیده

خانه‌های سنتی نهبندان بیشترین سازگاری را با طبیعت و اقلیم دارند. معماران با طراحی صحیح و توجه به آسایش استفاده‌کنندگان توانسته‌اند در عین سادگی، پاسخگوی نیاز ساکنین خانه‌ها باشند. یکی از این فضاها، ایوان می‌باشد که در معماری مسکونی به شکل فضایی نیمه‌باز، جلوی اتاق‌ها قرار گرفته و با کاربری‌های متفاوت، دسترسی به فضاهای داخلی را ممکن می‌سازد. عنصر ایوان از ویژگی‌های بارز و به‌عنوان مهمترین بخش در ساختار فضایی خانه‌های تاریخی نهبندان در استان خراسان جنوبی به‌شمار می‌رود که به لحاظ قدمت، دوره قاجار تا پهلوی را در برمی‌گیرند. از این رهگذر ابتدا به مفهوم و تاریخچه ایوان در ادوار گذشته پرداخته می‌شود، سپس به مطالعه و بررسی گونه‌شناسی ایوان و چگونگی سیر تحول ایوان بر پایه خانه‌های منتخب می‌پردازد. گردآوری اطلاعات بر مبنای پژوهش‌های میدانی و کتابخانه‌ای نگارندگان می‌باشد. ایوان در خانه‌های تاریخی نهبندان با شاخصه‌هایی چون قوس‌های جناغی و بیضی‌شکل، پوشش‌های طاق و تویزه، گهواره‌ای و گوشه‌سازی اسکنج نمود می‌یابد. ایوان‌های مرتفع‌تر اکثراً در ضلع شمالی و جنوبی خانه‌ها قرار گرفته‌اند. این خانه‌ها ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای جوی و اقلیمی، رابطه مستقیمی با اصالت‌های فرهنگی، مذهبی و سنتی مردم دارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد ایوان در خانه‌های مورد مطالعه متأثر از آثار گذشته ایرانی- اسلامی بوده و به انواع شکل‌های چند ایوانی و تک ایوانی با

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند zroshandel34@yahoo.com
۲. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند hhashemi@birjand.ac.ir
۳. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند ghorbani.hr@birjand.ac.ir

طرح‌های تزئینی ساده نمود پیدا می‌کند. بدین ترتیب، بررسی نحوه تحول و تغییر در شکل و ساختار ایوان در خانه‌ها و ازمنه مورد نظر از اهداف پژوهش می‌باشد.

واژگان کلیدی: خانه‌های تاریخی، معماری، ایوان، نهبندان، قاجار، پهلوی

مقدمه

معماری مسکونی بدون شک از قدیمی‌ترین معماری‌های ساخته شده به‌دست بشر است و از همان زمانی که انسان در گستره گیتی به‌دنبال سرپناهی می‌گشت، آنگاه که توان ساخت سرپناهی را کسب کرد و از غارها بیرون آمد و با مصالحی از خشت و برگ درختان گرفته تا خاک و سنگ و آنچه که در دسترس بود، اقدام به ساخت اتاق‌هایی کرد که بعداً خانه نام گرفت. خانه در هر جایی و مکانی بنا به دلایل اقلیمی و مصالح بوم‌آورد به سبک و سیاقی خاص ساخته می‌شد و این سبک و سیاق، به‌تدریج معماری بومی نام گرفت. تا سال‌ها این معماری بومی بود که در عرصه معماری حکم‌فرمایی می‌کرد، اما رفته‌رفته از آغاز معماری جدید، به‌دست فراموشی سپرده شد و جای خود را به سبک‌های فراگیر و جهانی داد (شاطریان، ۱۳۹۰: ۱۰۱).

از معماری دوره قاجار آنچه که امروزه بیشتر به‌جا مانده، خانه‌های متعدد و فراوانی است که در سرتاسر ایران ساخته شده و چون بیشترین ساخت‌وسازها در این دوره به‌دلیل افزایش جمعیت شهرنشینی به خانه‌ها اختصاص داشت، معماری قاجار را معماری خانه‌های مسکونی نیز می‌گویند (دشتی هشجین، ۱۳۸۹: ۱). بناهای مسکونی این دوره با طراحی شامل ورودی، هشتی، اتاق مرکزی، ایوان و اتاق‌های کوچک‌تر واقع در اطراف اتاق مرکزی به‌صورت‌های ساده یا دارای تزئینات، همه به شیوه معماری اصیل ایران در ادوار قدیم بوده که در این دوره با ابتکارهای جدیدتر و نفوذ عناصر معماری غربی در جزئیات و ساخت‌وسازها، به‌صورت دل‌چسب‌تر تکمیل گردیده‌اند. ایجاد سرسراهای ورودی[۱]، ایجاد پنجره به سمت خیابان با نرده‌های تزئینی روی آن

۱. پلکان‌هایی که از وسط سرسرا شروع می‌شوند، در قسمت پاگرد به دو شاخه در جهت مقابل یکدیگر تا بالا ادامه می‌یابند. این عنصر تأثیر معماری کشور روسیه است (ساریخانی، ۱۳۸۲: ۵۷).

۲. قسمت مجلل بنا، بخشی از تالار که بلندتر از سایر قسمت‌هاست، تورفتگی داخل پنج‌دری‌ها که کمی از سطح

و سقف‌های شیب‌دار (شیروانی) در معماری رواج می‌یابد (ساریخانی، ۱۳۸۲: ۵۷). احداث زیرزمین‌های خوش‌طرح با پوشش‌های ضربی آجری معروف به خوانچه‌ای و ایجاد حوضخانه‌های سرپوشیده و متداول شدن بادگیرها و ترتیب تالارهای بزرگ با شاه‌نشین‌ها و گوشواره‌ها و غرفه‌ها، صفه‌ها و ایوان‌ها و دیگر عناصر معماری ایرانی با اندک تغییر و تصرف به تناسب وضع زمین و سلیقه و روحیات و شرایط مالی صاحبان کار و نیز درجه مهارت استادان معمار، کم و بیش شبیه و همانند هم به‌وجود آمدند (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰: ۳۰۱).

در گذشته ایوان‌ها از عناصر مهم خانه‌های ایرانی بوده است. این فضاها هم در سازماندهی کلی بنا در کنار دو فضای باز و بسته، نقش ایفاء می‌کرده‌اند و هم خود به‌عنوان فضایی مستقل با عملکردهای متفاوت، مطرح بوده‌اند. ایوان فضایی نیمه‌باز در حد فاصل فضاهای کاملاً داخلی و کاملاً خارجی در جبهه اصلی بنا، جای مسقفی است که جلوی آن باز و مشرف به حیاط می‌باشد. ایوان در خانه‌های نهبندان نقطه اتصال اتاق‌ها و حیاط می‌باشد و به‌عنوان فضایی دل‌پذیر در تابستان مورد استفاده تمام فعالیت‌های ساکنان خانه بوده و نیز باعث تعدیل هوای اتاق‌های اطراف خود می‌شود. این فضا به لحاظ اقلیمی از ارزش زیادی برخوردار است چرا که در دو جبهه مقابل، خانه‌های تابستان‌نشین و زمستان‌نشین هستند. ایوان در این خانه‌ها تزئینات محدود و ساده‌ای را به‌خود اختصاص داده است. این فضا از وحدتی خاص برخوردار است که شرایط محیطی و فرهنگ مردم منطقه با انطباق بر نیازهای فردی در تعداد، شکل و تزئینات ایوان‌ها بسیار مؤثر است.

پرسش از چگونگی و ماهیت ایوان در ابنیه مسکونی نهبندان در این دوره، پرسشی است که ساختار این تحقیق را شکل می‌دهد. بر این اساس این سؤال مطرح می‌شود که نقش و حضور عنصر ایوان در معماری این دوره چگونه است؟ فرایند تنوع و تحول ایوان در بازه زمانی قاجار تا پهلوی در این خانه‌ها چگونه رخ داده است؟ فرضیه این است که ایوان در خانه‌های تاریخی مورد بررسی متأثر از آثار گذشته ایرانی- اسلامی

زمین بالاتر بوده و معمولاً بزرگ خانواده یا مهمان در آن می‌نشیند (فلاح فر، ۱۳۷۹: ۱۳۵).
۳. سازه‌ای جهت تبدیل مربع به هشت‌ضلعی برای اجرای گنبد.

بوده و در فرایند تحول و تنوع ایوان در گذار از قاجار به پهلوی، از نقش و اهمیت ایوان کاسته شده است.

با توجه به فراوانی و اهمیت خانه‌های تاریخی باقی مانده قاجار در سراسر ایران، می‌توان گفت مقالات و کتب متعددی درباره معماری مسکونی قاجار و پهلوی و تزئینات وابسته به معماری این دوره به رشته تحریر درآمده است و لیکن در خصوص پیشینه بحث حاضر (ایوان)، می‌توان به مقاله "بازنگری اهمیت ایوان در خانه‌های سنتی (با نگاه ویژه به بم)" (محمودی، ۱۳۸۴) و مقاله‌ای همایشی با عنوان "تأثیر ایوان بر تعادل آب و هوایی خانه‌های سنتی" (با نگاهی تحلیلی به خانه های منطقی نژاد، محتشم و فروغ الملک در شیراز) (تصوری، علایی و تقی‌پور، ۱۳۹۲) اشاره کرد. تنها اثر پژوهشی درباره خانه‌های تاریخی نهبندان در استان خراسان جنوبی پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بازشناسی تاریخ معماری نهبندان در دوره قاجار با تکیه بر پژوهش باستان‌شناختی خانه‌های تاریخی» (روشندل، ۱۳۹۴) می‌باشد. تاکنون اثر مستقلی به‌طور تخصصی به بحث ایوان در این خانه‌ها نپرداخته است. از این‌رو، پژوهش حاضر به‌طور مشخص به این امر می‌پردازد.

روش پژوهش

روش پژوهش این نوشتار، توصیفی - تحلیلی و ترکیبی بوده و راهبرد، نمونه‌های انتخابی است. نوع تحقیق بنیادی است. ابزار گردآوری اطلاعات به‌صورت پژوهش میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد. در این راستا، بازدیدهای علمی از بافت تاریخی و خانه‌های تاریخی مختلف انجام شد. انتخاب نمونه‌ها به‌صورت متجانس و زنجیره‌ای صورت گرفت که به علت عدم ثبت و شناخت کامل، تمام نمونه‌ها توسط سازمان‌های ذی‌ربط با حضور در محله‌های تاریخی، شناخت تعدادی از خانه‌ها انجام گرفت. دو یا سه محله شهر به خانه‌های تاریخی اختصاص یافته است و لیکن به‌دلیل روند رو به رشد تخریب ابنیه قدیمی، امروزه تعداد اندکی باقی مانده است. از این میان، پنج بنا شامل خانه همایونی، نعمت‌الله تقوی، شهابی، هاشم‌پور و باقر تقوی در نهبندان انتخاب و مورد

تحقیق قرار گرفت که شرح این آثار در ذیل خواهد آمد. علاوه بر این، تعدادی دیگر از خانه‌های مورد مطالعه، طبق یک جدول مورد ارزیابی قرار می‌گیرند تا سؤال‌های پژوهش به پاسخی مدون و روشن منتج گردد. در جدول مندرج در انتهای مقاله (جدول ۱)، مشخصات تعدادی از خانه‌ها آمده است.

مفهوم و تاریخچه ایوان

در لغت‌نامه دهخدا (ذیل "ایوان") ایوان به معنای صفه، طاق، نشست‌گاه بلند که به آن سقف باشد، هم‌چنین به معنی پیش‌گشاده و درگاه آمده است. در فرهنگ فارسی به معنای صفه، پیشگاه، اتاق، بخشی مسقف از ساختمان که جلوی آن باز است و در و پنجره ندارد و مشرف به حیاط است (معین، ذیل "ایوان")، ذکر شده است. اصل این کلمه فارسی است. ایوان از مهم‌ترین فضاهای معماری ایرانی است و در بیشتر خانه‌های ایرانی به چشم می‌خورد و عملکردهای زیادی دارد. ایوان نمایشگر امکانات تعیّن و تحدید فضاست و همانا "طریقت" یا فضای انتقالی بین عوالم زمینی و زمانی است. از دیدگاه مابعدالطبیعی ایوان خود، مقام نفس می‌تواند به‌شمار آید که میان باغ یا حیاط مانند روح و جسم آدمی سیر می‌کند (اردلان و بختیار، ۱۳۸۲: ۲۳). ایوان با شکل چهارگوش و مرکز آن (حوض و آب) نمادی است از کمال. پس در کامل‌ترین حیاط که حیاط چهارایوانه است، نمادی است از عالم که بی‌جهت است و ایستا. اما چهارایوان از چهارسو در حکم چهار جهت عالمند که به مرکز این جهان کوچک احاطه دارند (محمودی، ۱۳۸۴: ۵۵).

ایوان در فصول گرم بسیار کاربرد دارد و عملکردهای فراوانی از جمله غذا خوردن و خوابیدن در آن اتفاق می افتد. هم‌چنین باعث تعدیل هوای اتاق‌های اطراف خود می‌شود و به لحاظ اقلیمی ارزشمند است. ایوان به‌عنوان فضایی نیمه‌باز، ارتباط دهنده دو فضای باز و بسته به یکدیگر است.

پیدایش ایوان از زمان هخامنشی در کاخ آپادانا، خانه‌های برزن جنوبی تخت جمشید، کاخ بار چهارایوانی در پاسارگاد و بقایای خانه‌های پارسوماش (مسجد سلیمان) شروع

شد. ایوان و رواق در اکثر بناهای ایران به‌کار رفته‌اند. به گفته مالکوم کالج[1] ایوان بیش از همه در دوره پارتیان شکل گرفت. در دوره اشکانی می‌توان به خانه‌های شهر نساء ترکمنستان، شهر اشکانی هترا، کوه خواجه و دهانه غلامان اشاره کرد. هنر اشکانی در طاق‌زنی و ایوان‌سازی در کاخ آشور، به اوج خود رسیده است (جوادی، ۱۳۶۳: ۲۱). در دوره ساسانی، ایوان شاخص اصلی بنا گردید. ایوان شاه‌نشین گشوده شده به فضای باز و فضای مهم پشت آن (تالار)، از مشخصه‌های مهم دوره ساسانی است که می‌توان به کاخ سروستان، قلعه دختر، ایوان مدائن و کاخ خسرو اشاره کرد. از میان فرضیه‌هایی که در مورد پیدایش ایوان ذکر شده است، تصور برخی که ایوان را همان چادر سنگی دانسته‌اند، قابل توجه است. از نظر این گروه، مردم بیابانگرد چون سکونت در آبادی را برگزیدند، برای حفظ ارتباط با طبیعت، استفاده از اتاق سه‌دیواره را معمول داشتند. با وجود ابهام در چگونگی پیدایش ایوان، دانشمندانی که در تاریخ ایران مطالعه کرده‌اند، آن را پدیده‌ای شاخص از معماری ایران می‌دانند (تقوی، ۱۳۶۳: ۹۱-۹۲). از دوره صفویه و قاجاریه خانه‌های زیادی باقی مانده که در بیشتر آنها در یک یا چند جبهه‌نما، ایوان وجود دارد و ایوان از عناصر اصلی نما به‌شمار می‌رود.

ایوان در خانه‌های تاریخی نهبندان

خانه‌های تاریخی نهبندان دارای شکل‌های متفاوتی از حیاط مرکزی تا خانه باغ هستند، ولی کمتر خانه‌ای است که در آن ایوان یافت نشود. بخش زیادی از این خانه‌ها با گذشت زمان تخریب شده و امروزه بافت تاریخی شهر با آسیب‌های جدی روبه‌رو می‌باشد. ایوان‌های مرتفع‌تر در این خانه‌ها اکثراً در دو جبهه شمالی و جنوبی و گاهاً دو ایوان با ارتفاع کمتر در اضلاع شرق و غرب ساخته شده که این ایوان‌ها رو به حیاط مرکزی هستند و فضایی پشت آنها وجود ندارد، بلکه از دو طرف به اتاق‌هایی راه دارند. از این‌رو، می‌توان گفت در خانه‌های مختلف از قاجار تا پهلوی شاهد ساخت ایوان به سبک‌های مختلف چندایوانی با قوس و طرح‌های متفاوت بوده‌ایم که در بناهای مورد اشاره، به این

1. Malcolm College

موارد پرداخته می‌شود. به نظر می‌رسد در گذار از دوره قاجار به پهلوی و دوره معاصر، خانه‌های سنتی و ایوان‌دار دوره قاجار به خانه‌هایی تک‌ایوانی و برون‌گرا تبدیل شده و تزئینات آن نیز کم یا محو شده است. دلایل این تغییرات را می‌توان همگام شدن با پیشرفت‌ها، الگوهای جدید معماری و مصالح دانست و این‌که هر بازه زمانی تاریخی، الگوی معماری و تزئینات خاص زمان خود را داشته است.

معماری و شهرسازی با فضاهایی هم‌چون ایوان سروکار دارند که انواع فعالیت‌ها در چارچوب‌های متفاوت در آنها اتفاق می‌افتد و در حقیقت، به این فضاها معنی و مفهوم می‌دهند. این فعالیت‌ها، تابع خصوصیات فرهنگی جامعه‌ای است که صاحبان این فعالیت‌ها به آنها تعلق دارند. خانه‌های سنتی نهبندان بر اساس شرایط زیستی و نیازهای بشری، دارای ایوان، حیاط، اتاق نشیمن، مهمان، آشپزخانه، تنور و هیزم‌دان بوده است. خانه‌ها به شکل خانه‌باغ و بسیار ساده و متأثر از فرهنگ و اقتصاد ساخته شده و فضای باغ، باعث تعدیل هوای خانه‌های این منطقه کویری می‌شده است. اقلیم نیز از عوامل مهم جغرافیایی است که بر طرح، شکل و نوع مصالح مورد استفاده در ساخت مسکن در دوره‌های مختلف زمانی تأثیر تعیین کننده‌ای دارد. در مناطق کویری، خانه‌ها در اصول، چهارفصلی ساخته می‌شود، یعنی در چهار و یا در دو طرف ساخت بنا، این اصول مورد نظر است که انتخاب جهت ساختمان، برای تابستان‌نشین و زمستان‌نشین مورد توجه است.

خانه‌های چهارایوانی

خانه نعمت‌الله تقوی

این خانه متعلق به دوره قاجار بوده و به سبک چهارایوانی ساخته شده است (طرح۱). بنا دارای حیاط مرکزی و باغی در پشت ایوان شمالی می‌باشد. از خصوصیات بارز بنا دو ایوان شمالی و جنوبی آن است که با قوس جناغی و با اندود گچ اجرا شده است (تصاویر۱تا ۳). معماری قدیم ایران را با طاق‌های نیم‌دایره، طاق‌های جناغی و طاق‌های بیضی شکل شناخته‌اند.

ایوان شمالی و جنوبی دارای پوشش طاق و تویزه و قالب گچی است که در آن گوشه‌سازی به شیوه اسکنج[۱] دیده می‌شود (تصویر۴و طرح۲). این دو ایوان قرینه هم هستند و ارتفاع آن‌ها از اضلاع شرقی و غربی حدود یک متر بیشتر است. دو ایوان در اضلاع شرقی و غربی قرار گرفته‌اند که دارای قوس بیز و پوشش گهواره‌ای هستند و نسبت به ایوان شمالی و جنوبی بسیار ساده و دارای اندود گِل می‌باشند (تصویر۵).



طرح۱) پلان‌کلی خانه نعمت‌الله تقوی (زعفرانلو و دیگران، ۱۳۸۲)

۱. پوشانیدن گوشه‌ها با دو لچکی خمیده در کنار هم روی دیوارهای گوشه گنبدخانه را گویند که در تقاطع دو طاق به‌وجود آمده و از ابداعات دوره ساسانی است.



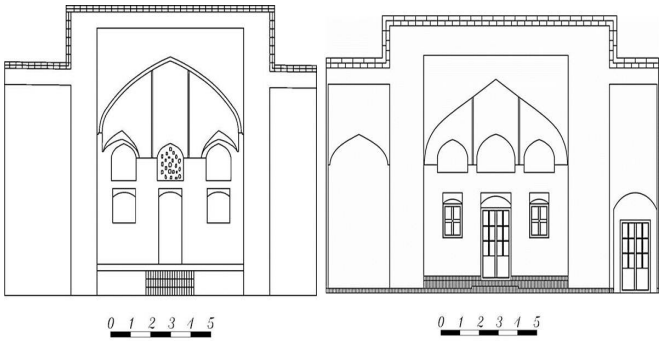
تصویر۱) حیاط مرکزی و ایوان های شمالی، شرقی و غربی بنا (نگارندگان، ۱۳۹۴)



تصویر۲) ایوان جنوبی‌خانه (نگارندگان، ۱۳۹۴)



تصویر۳) ایوان شمالی خانه (نگارندگان، ۱۳۹۴)



طرح۲) نمای دو ایوان جنوبی و شمالی (نگارندگان، ۱۳۹۴)



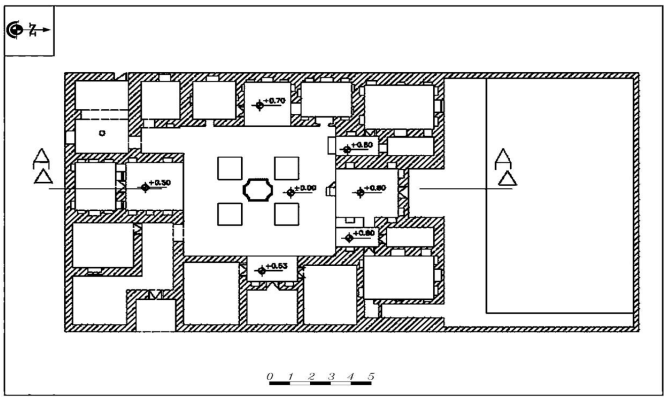
تصویر۴) پوشش طاق و تویزه ایوان شمالی و جنوبی (نگارندگان، ۱۳۹۴)



تصویر۵) ایوان شرقی بنا (نگارندگان، ۱۳۹۴)

خانه همایونی

این بنا دارای چهار ایوان و با توجه به شواهد معماری، مربوط به دوره قاجار است (طرح۳). ایوان‌ها و اتاق‌ها در اطراف حیاط مرکزی شکل گرفته‌اند و بنا دارای باغی در پشت ایوان شمالی بوده که از بین رفته است. ایوان‌های اصلی با ارتفاع چند پله در اضلاع شمالی و جنوبی قرار دارند و دارای شکل بیز (تخم‌مرغی شکل) با طاق‌نماهای خشتی و طاق و تویزه هستند (تصاویر ۶ تا ۸ و طرح۴). در دو سمت ایوان شمالی یک ایوانچه قرار دارد که دارای پوشش گهواره‌ای هستند. دو ایوان واقع در اضلاع شرقی و غربی ارتفاع کمتری داشته و دارای قوس جناغی و قرینه یکدیگر هستند. کف این قسمت‌ها نیز حدود یک متر از کف حیاط بلندتر است (تصویر۹).

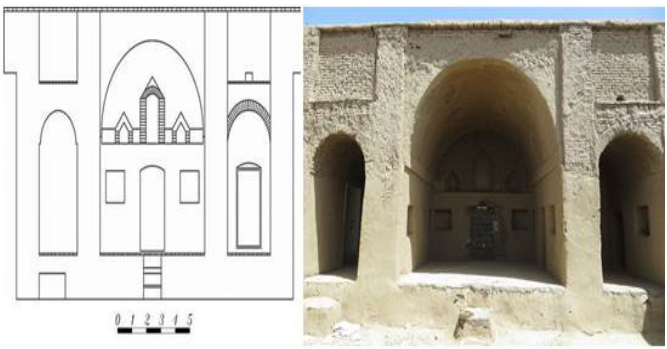


طرح۳) پلان خانه همایونی (زعفرانلو و دیگران، ۱۳۸۲)



تصویر۶) ایوان شمالی خانه همایونی (نگارندگان، ۱۳۹۴)

یکی از راه‌های جلوگیری از تابش خورشید به بدنه اتاق‌ها، درها و پنجره‌ها، ایجاد نقاب بر بالای آنهاست که ایوان شکل تکامل یافته آن است. ایوان علاوه بر این‌که چندمنظوره است و فعالیت‌های گوناگونی در آن انجام می‌شود، با ایجاد سایه در خنک نگه داشتن فضا، نقش مهمی دارد. معجزه ایوان این است که در تابستان آفتاب نیمروز، عمودی می‌تابد، سایه مطلوبی در جلوی اتاق‌ها ایجاد می‌کند، در حالی‌که در زمستان، که آفتاب مایل و افقی است، مانع ریزش برف و باران به صحن مقابل اتاق‌ها می‌شود و امکان می‌دهد که در نیمروز، تابش آفتاب از زیر آن گذر کرده، تا عمق اتاق‌ها نفوذ کند و گرمای مطلوب را به اتاق برساند (زرگر، ۱۳۹۰: ۷۶-۷۷).



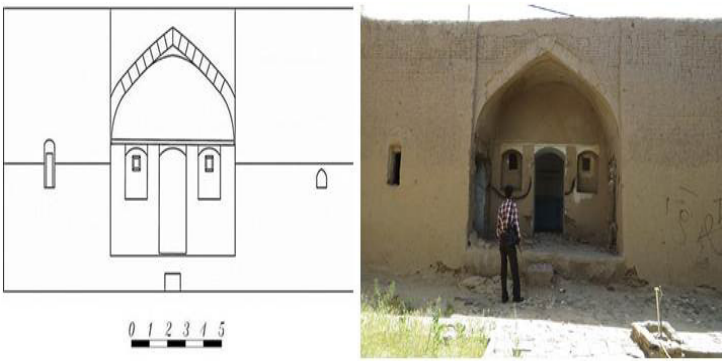
طرح۴) نمای ایوان شمالی خانه همایونی (نگارندگان، ۱۳۹۴)



تصویر۷) نمای ایوان جنوبی خانه همایونی (نگارندگان، ۱۳۹۴)



تصویر۸) ایوان جنوبی بنا و پوشش آن (نگارندگان، ۱۳۹۴)

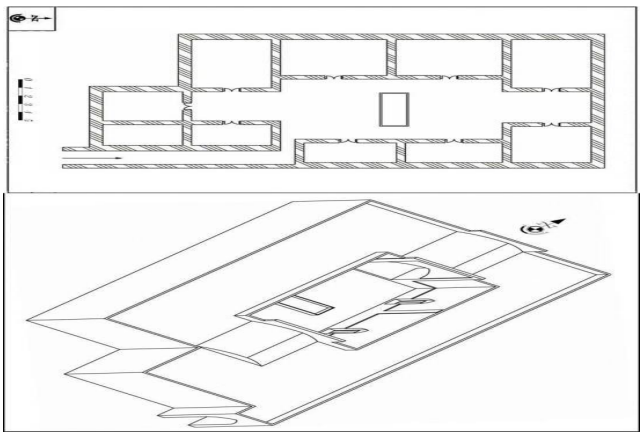


تصویر۹) ایوان شرقی بنا (نگارندگان، ۱۳۹۴)

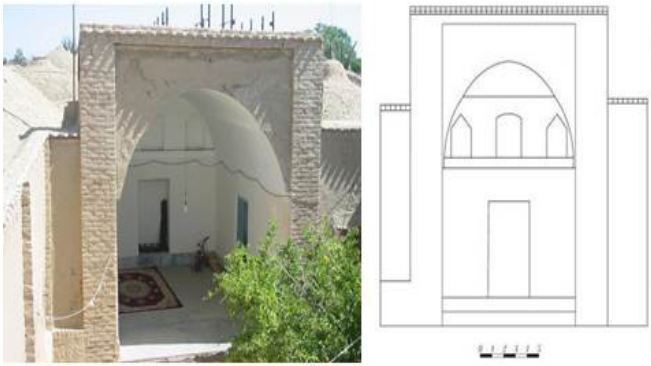
خانه‌های دو ایوانی

خانه هاشم‌پور

این خانه مربوط به دوره قاجار و به سبک دو ایوانی ساخته شده (طرح ۵) و اتاق‌ها در چهار جهت حیاط، بنا شده‌اند. کف حیاط مرکزی دارای آجر فرش و باغچه‌ای در وسط قرار دارد. در قسمتی از ازاره دیوارهای حیاط، آجرهای خفته راسته به‌کار رفته است. ایوان‌ها در دو جهت شمال و جنوب (تابستان‌نشین و زمستان‌نشین) مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند (تصاویر ۱۰ و ۱۱). ایوان شمالی و جنوبی با قوس بیز (تخم‌مرغی شکل) بنا شده که در دوره‌های بعد گچ‌اندود شده‌اند. در ایوان شمالی، طاق‌نماهایی وجود دارد و در دو طرف این ایوان، اتاق‌هایی با پوشش گنبدی قرار دارد که به داخل ایوان باز می‌شوند. بنا از نظر تزئینات بسیار ساده است و از دو ایوان آن، تنها در انتهای ایوان شمالی است که طاق‌نماهای ساده‌ای مشاهده می‌شود.



طرح۵) پلان خانه هاشم‌پور (نگارندگان، ۱۳۹۴)



تصویر۱۰) ایوان شمالی بنا (نگارندگان، ۱۳۹۴)



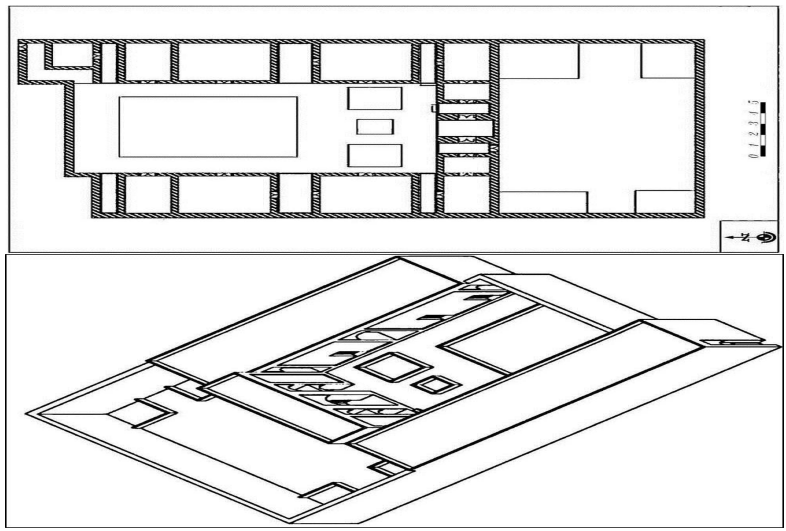
تصویر۱۱) نمای ایوان جنوبی (نگارندگان، ۱۳۹۴)

خانه‌های تک‌ایوانی

خانه شهابی

این خانه در دوره قاجار به سبک تک‌ایوانی ساخته شده و اتاق‌ها در سه جهت بنا، در اطراف حیاط مرکزی قرار گرفته‌اند (طرح ۶). در وسط میان‌سرا، یک حوض و در دو طرف آن باغچه‌هایی قرار دارد. در باغ‌سازی و معماری ایرانی بر خلاف باغ‌سازی اروپایی، محور وسط را راهی نمی‌گذارند، یا باغچه است و یا آب. علت این است که در مناطق

ایران و اغلب نقاط خشک، با بی‌آبی یا کم‌آبی مواجه است. در جایی مثل شرق ایران، آب را به سختی از زمین به وسیله قنات بیرون می‌آورند. لذا آب را در وسط حیاط، درست روی محور و باغچه را نیز در کنار محور، قرار می‌دهند. در میان‌سرا هم همیشه در محور وسط، آب و حوض آب وجود دارد (عمرانی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۴۲). از حیاط در خانه‌های ایرانی، به شکل‌های مختلف استفاده شده است. بعضی از این موارد عبارتند از: ۱- به‌عنوان نشانه حریم تملک ۲- وحدت دهنده چندعنصر خانه ۳- ارتباط دهنده چندفضا ۴- برای ایجاد محیطی سبز و بانشاط ۵- به‌عنوان یک هواکش مصنوعی برای گذر جریان بادهای مناسب ۶- عنصری مهم در جهت سازماندهی فضاهای مختلف ۷- به‌عنوان حریمی امن و آرام برای آسایش خانواده (معماریان، ۱۳۹۱: ۱۵).



طرح۶) پلان خانه شهابی (نگارندگان، ۱۳۹۴)

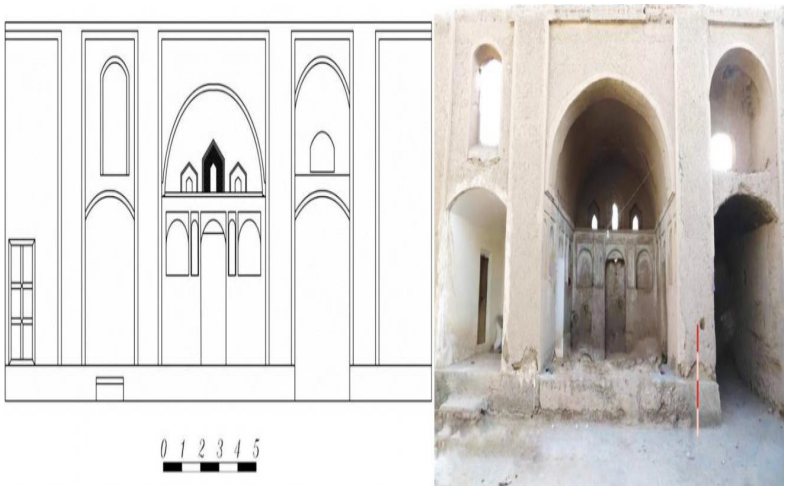


تصویر۱۲) حیاط مرکزی و ایوان جنوبی بنا (نگارندگان، ۱۳۹۴)

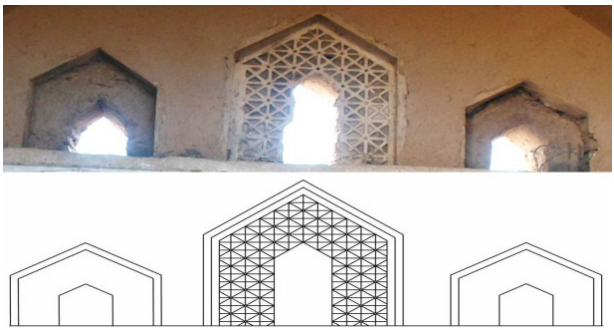
ایوان اصلی بنا در ضلع جنوبی آن واقع است که داری شکل بیز (تخم‌مرغی شکل) است که از دیگر قسمت‌ها کیفیت بیشتری دارد و به‌نوعی شاه‌نشین خانه بوده (تصویر ۱۲) و داخل ایوان، طاق‌نماها و تزئینات هندسی نیز دیده می‌شود (تصویر ۱۳و ۱۴). در مرکز طاق‌نماهای ایوان، حفره‌هایی باز جهت عبور باد قرار دارد. این ایوان، دارای طاقچه‌ها، درگاه‌ها و طاق‌نماهایی با قوس هلالی و نیم‌دایره می‌باشد (طرح ۷ و تصویر۱۴). در دو سمت ضلع جنوبی بنا، دو ایوانچه تعبیه شده که در ایوانچه شرقی، راه‌پله ارتباطی با فضای پشت‌بام و اتاق بالاخانه وجود داشته که در حال حاضر، مسدود شده و اتاق بالاخانه ایوان جنوبی نیز سقف آن فروریخته و دارای طاقچه و طاق‌نماهایی می‌باشد. این اتاقک می‌توانسته بهارخواب خانه باشد. ایوانچه غربی نیز دربی دارد که به حیاط واقع در پشت خانه راه دارد.



تصویر۱۳) ایوان جنوبی بنا (نگارندگان، ۱۳۹۴)



طرح۷) نمای ایوان جنوبی (نگارندگان، ۱۳۹۴)



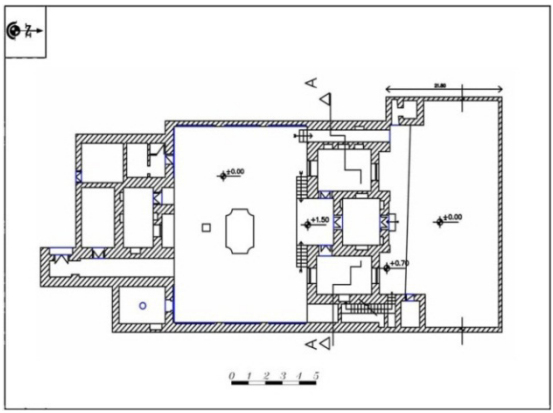
تصویر۱۴) طاق‌نماهای تزئینی و نقوش هندسی ایوان جنوبی (نگارندگان، ۱۳۹۴)

خانه باقر تقوی

این خانه با توجه به معماری بنا، مربوط به اوایل دوره پهلوی می‌باشد. در وسط حیاط مرکزی، حوضی هشت‌ضلعی و در دو طرف آن، باغچه‌هایی با درختان انار واقع شده‌اند. بنا به سبک تک‌ایوانی ساخته شده و عمارت اصلی در ضلع شمالی حیاط قرار دارد (طرح ۸). این ضلع دارای یک ایوان با قوسی نیم‌دایره و پوشش خنچه‌پوش[۱] دوگلویی با دور عدسی می‌باشد (تصویر۱۶). این عمارت نسبت به کف حیاط، حدود دو متر اختلاف سطح دارد و دسترسی به آن از طریق دو رشته پلکان که در اضلاع غربی و شرقی ایوان ساخته شده، امکان‌پذیر است که این پله‌ها اکنون، در حال تخریب است. نمای این بنا به‌طور کامل، با آجرهایی به شیوه خفته‌راسته تزئین شده است (تصویر۱۵). در گوشه شرقی و غربی ضلع شمالی، دو راهرو با سقف گهواره‌ای ساخته شده‌اند که راهرو ضلع غربی، به باغ واقع در پشت ایوان شمالی راه دارد. هم‌چنین فضای زیرین ایوان شمالی، دارای دو سردابه یا زیرزمین با سقف ضربی به‌صورت قرینه می‌باشد (طرح ۹ و ۱۰).

---

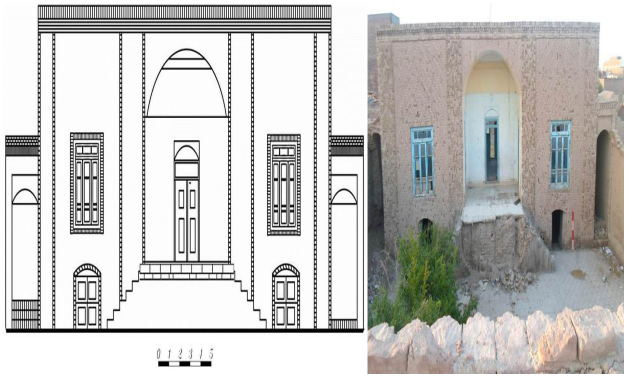
۱. زمانی که به‌جای پوشش تخت در بین دو گلویی از قوس کم‌خیزی استفاده شود، قوس خنچه‌پوش با دور عدسی به‌وجود می‌آید. مقاومت این قوس از قوس تخت بیشتر است (زمرشیدی، ۱۳۷۸: ۱۷۸). استفاده از این قوس، از دوره تیموری معمول و در دوره صفویه به‌وفور استفاده گردید. در دوره‌های بعد، در نماها، نعل درگاه‌ها، در و پنجره، پوشش دالان و راهروها به‌کار گرفته شد. این پوشش در سال‌های اخیر و خصوصاً در دوران قاجاریه با آجر به ابعاد مختلف ساخته شده است (همان: ۹۰). گلویی، قسمتی از بنا که بین طاق و دیوار قرار گرفته، می‌باشد.



طرح ۸) پلان خانه باقر تقوی (زعفرانلو و دیگران، ۱۳۸۲)



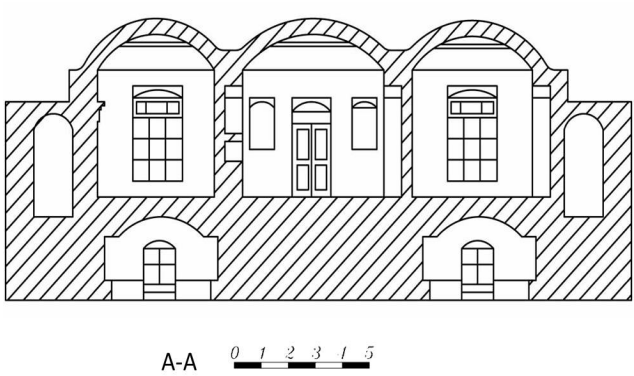
تصویر۱۵) عمارت اصلی بنا در ایوان شمالی (نگارندگان، ۱۳۹۴)



طرح ۹) نمای ایوان شمالی بنا (نگارندگان، ۱۳۹۴)



تصویر۱۶) ایوان شمالی بنا (نگارنده، ۱۳۹۴)



طرح ۱۰) برشی از ضلع شمالی بنا (نگارندگان، ۱۳۹۴

با بررسی خانه‌های مذکور می توان گفت استفاده از ایوان، به‌عنوان یکی از عناصر اساسی در کارایی و تزئین بنا، مؤلفه شاخص نمای اصلی خانه‌ها بوده و دارای عملکردهای مختلفی می‌باشد. ایوان عبارت است از فضایی نیمه‌باز که اغلب از سه طرف بسته و از یک طرف، مشرف به فضای باز می‌باشد که توجه به فضاهای نیمه‌باز و ایوان، عاملی مهم در بالا بردن کیفیت و غنای فضایی خانه است. یکی از ویژگی‌های مهم در معماری اسلامی، مسأله تقارن است. اصولاً تقارن قانونی است که همواره در چشم انسان، به جسم حالتی متکامل و آسمانی می‌بخشد و در عین ایستایی و استحکام، نقصی در آن راه ندارد

که قرینگی ایوان‌ها در این ابنیه، به این مسأله بسیار قوّت می‌بخشد.

ایوان در این خانه‌ها، رو به جهت‌های مختلف جغرافیایی مشاهده می‌شود و لیکن در بیشتر موارد، رو به شمال و جنوب است و در خانه‌باغ‌های مشاهده شده، ایوان شمالی رو به باغ باز می‌شود و این ایوان، باعث ارتباط باغ با حیاط مرکزی می‌شود. در نمای ورودی هیچ‌یک از ایوان‌ها، ستون مشاهده نمی‌شود و عناصری هم‌چون اتاق‌های سه‌دری، پنج‌دری و اُرسی[۱] در آنها کاربرد ندارد و می‌توان این‌گونه اذعان کرد که در طراحی و ساخت این ابنیه، مسائل محیطی و فرهنگی، نقش ویژه‌ای داشته است و الگوهای معماری متأثر از معماری غرب، در آنها مفهومی ندارد. نکته دیگر این‌که هیچ‌یک از این ابنیه، بادگیر ندارند و به حفره‌ها و نورگیرهایی در سقف بنا بسنده شده است.

۱. اُرسی پنجره مشبکی است که به‌جای گشتن بر روی پاشنه‌گرد، بالا می‌رود و در محفظه‌ای که روی آن قرار گرفته است، جای می‌گیرد.

جدول۱) ویژگی خانه‌ها بر مبنای ایوان (نگارندگان، ۱۳۹۴)

پلان خانه‌ها	ویژگی ها							
	خانه‌ها	نعمت‌الله تقوی	سالاری	همایونی	شهابی	هاشم‌پور	شهبازی	قدرت- تقوی	باقر تقوی	عطایی
	قدمت	قاجار	قاجار	قاجار	قاجار	قاجار	قاجار	قاجار	پهلوی	پهلوی
	چهارایوانی(دوحیاطه)	*	*	*						
	دوایوانی(دوحیاطه)							*		
	دوایوانی(یک‌حیاطه)					*				
	تک‌ایوانی(دوحیاطه)				*				*	
	تک‌ایوانی(یک‌حیاطه)						*			*
	شکل ایوان	چهارایوانی	چهارایوانی	چهارایوانی	یک‌ایوانی	دوایوانی	یک‌ایوانی	دوایوانی	یک‌ایوانی	یک‌ایوانی
	موقعیت ایوان	چهارجهت	چهارجهت	چهارجهت	جنوب	شمال - جنوب	جنوب	شمال - جنوب	شمال	شرق
	قوس ایوان	جناغی- بیز	بیز	جناغی- بیز	بیز	بیز	بیز	بیز	نیم‌دایره	نیم‌دایره
	تزئینات ایوان	*	*	*	*					

نتیجه

طبق مباحث مطرح شده پیرامون ایوان در خانه‌های مورد بررسی، می‌توان فرایند تنوع و تحول ایوان در بازه زمانی قاجار تا پهلوی را در سه مؤلفه چندایوانی بودن، نوع قوس و تزئینات این خانه‌ها تشریح کرد. بدین‌گونه که ایوان به شکل‌های مختلف چهارایوانی، دو و تک‌ایوانی در این خانه‌ها نمود می‌یابد. خانه‌های قدیمی‌تر مانند خانه نعمت‌الله تقوی و همایونی شکل تکامل یافته‌تری از ایوان (چهارایوانی) را دارا می‌باشند و خانه‌های جدیدتر مثل عطایی و باقر تقوی شکل ساده‌تری از ایوان (تک‌ایوانی) را به نمایش می‌گذارند. در پوشش ایوان‌ها، از قوس و طاق‌هایی استفاده شده است که کاربرد قوس‌های جناغی در دو ایوان اصلی (شمالی- جنوبی) خانه نعمت‌الله تقوی، آن را از دیگر خانه‌های نهبندان متمایز ساخته است، ضمن آن‌که قوس‌های بیز و پوشش گهواره‌ای در اکثر ایوان بناها، سهم بیشتری را به‌خود اختصاص داده است. این قوس‌ها در بناهای پهلوی تا حدودی به قوس نیم‌دایره با پوشش خنچه‌پوش تبدیل می‌شوند. ایوان در خانه‌های تاریخی مورد بررسی متأثر از آثار گذشته ایرانی- اسلامی بوده است. قوس و طاق‌هایی مثل گهواره‌ای، بیز (تخم‌مرغی شکل) و جناغی، قوس‌هایی هستند که قبل از اسلام در معماری کاربرد داشته و بعد اسلام نیز تداوم یافته است. کاربرد چنین عناصری، نشانگر سابقه و حفظ اصالت‌های معماری منطقه و گرایش به معماری قبل از اسلام دارد. ایوان خانه‌ها با قوس بیز (تخم‌مرغی شکل) و پوشش گهواره‌ای، تداعی‌گر معماری ایوان مدائن (طاق کسری) در دوره ساسانی می‌باشد.

فضای داخلی ایوان‌ها از لحاظ تزئینات ساده یا فاقد تزئین است. در نمای داخلی آنها طاقچه‌ها و طاق‌نماهایی وجود دارد که نمای ایوان را از حالت یکنواختی درآورده است. ابنیه قدیمی‌تر دارای پوشش‌های طاق و تویزه با گوشه‌سازی سکنج و تزئین قالب‌های گچی (خانه نعمت‌الله تقوی)، طاق‌نماهای خشتی (خانه همایونی) و طاق‌نماهایی با نقوش هندسی مشبّک (خانه شهابی) می‌باشند و خانه‌های جدیدتر (خانه باقر تقوی و خانه عطایی) بسیار ساده و بدون تزئین طراحی شده‌اند. بیشتر این خانه‌ها، دارای حیاط مرکزی و باغ هستند و فضای سبز و طبیعت در آنها نقش مهمی ایفا می‌کند. طبق

مباحث مذکور، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که در فرایند تحول و تنوع ایوان در گذار از قاجار به پهلوی، از اهمیت ایوان در این خانه‌ها کاسته شده و نقش ایوان در خانه‌های جدیدتر، کم‌رنگ‌تر شده است. از این‌رو، می‌توان گفت از بین رفتن فرهنگ زندگی‌های گروهی در یک خانه، گسترش زندگی شهرنشینی و نیز تبعیت از الگوهای جدید معماری در دوره پهلوی و معاصر، باعث شده خانه‌های سنتی و ایوان‌دار به‌دست فراموشی سپرده شود و امروزه نیز به لحاظ اقلیمی، آسیب‌های وارده ناشی از باران‌های تند کویری و بادهای شدید بر گل و خشت بناهای مسکونی و نیاز متعدد به تعمیر، بحث ساخت خانه‌های سنتی را به حاشیه رانده است. معماری ایرانی به همه جلوه‌های گوناگون زندگی انسان، پاسخی درخور و مناسب داده است. در معماری سنتی فضاهای باز، بسته و نیمه‌باز درکنار هم معنا پیدا می‌کنند. ایوان به‌عنوان عنصری هویت‌ساز و سابقه طولانی آن در معماری ایرانی، الگویی مهم و تأثیرگذار در ارزش فضایی خانه محسوب می‌شود.

طبق جدول ۱ خانه‌های مورد بررسی به چند گروه قابل تقسیم هستند:

۱- خانه‌هایی که در چهارجهت دارای ساخت و سازند و به سبک چهارایوانی و دارای دو حیاط می‌باشند؛

۲- خانه‌هایی که در چهارجهت دارای ساخت و سازند و به سبک دوایوانی و دارای دو حیاط می‌باشند؛

۳- خانه‌هایی که در چهارجهت دارای ساخت و سازند و به سبک دوایوانی و دارای یک حیاط می‌باشند؛

۴- خانه‌هایی‌که در سه و دوجهت دارای ساخت و سازند و به سبک تک‌ایوانی و دارای دو حیاط می‌باشند؛

۵- خانه‌هایی‌که در سه‌جهت دارای ساخت و سازند و به سبک تک‌ایوانی و دارای یک حیاط می‌باشند.

خانه‌های تاریخی نهبندان، معرف سبک معماری دوره قاجار و اوایل پهلوی در این شهر می‌باشند. معماری مسکونی منطقه، آمیزه‌ای از قناعت، هم‌زیستی، مردم‌داری و مبارزه

با طبیعت خشن و خشک کویر است که به‌وسیله معماران این مرز و بوم ایجاد شده است. عوامل بسیار گوناگونی از جمله مصالح و امکانات فنی، شیوه معیشت، فرهنگ، نیازها و خواسته‌های استفاده کنندگان یا سازندگان، در شکل دادن به هر فضای معماری نقش دارند. بنابراین، خانه‌های تاریخی که غالباً در تطابق با شرایط زیستی جامعه شکل گرفته‌اند، منعکس کننده برخی از روابط و الگوهای رفتاری و اجتماعی و نحوه استفاده از فضاها هستند و هر فضای معماری، نشان دهنده برخی خصوصیات فرهنگی- قومی است که برخی از افکار، عقاید، خواسته‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی را نشان می‌دهند که در مجموع این عوامل، سازنده معماری یک شهر می‌باشند.

منابع

- آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). *تاریخ هنر*. تهران: بین‌المللی الهدی.
- اردلان، نادر؛ بختیار، لاله (۱۳۸۲). *حس وحدت*. تهران: خاک.
- تصوری، محدثه؛ علایی، علی؛ تقی‌پور، ملیحه (۱۳۹۲). *"تأثیر ایوان‌ها بر تعادل آب و هوایی خانه‌های سنتی (با نگاهی تحلیلی به خانه‌های منطقی‌نژاد، محتشم و فروغ الملک در شیراز)"*. در: مجموعه مقالات دومین همایش ملی اقلیم، ساختمان و بهینه‌سازی مصرف انرژی (با رویکرد توسعه پایدار). تهران: سازمان بهره وری انرژی ایران: ۱-۱۰.
- تقوی، محمدرضا (۱۳۶۳). *معماری شهرسازی و شهرنشینی ایران در گذر زمان*. تهران: یساولی.
- جوادی، آسیه (۱۳۶۳). *معماری ایران به قلم ۳۳ پژوهشگر ایرانی*. تهران: مجدد.
- دشتی هشجین، آمنه (۱۳۸۹). *"روند تغییرات نما در دوره قاجار"*. در: مجموعه مقالات همایش همایش داخلی معماری و شهرسازی معاصر. گنبد کاووس: دانشگاه آزاد اسلامی واحد گنبد کاووس: ۱-۷.
- دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه، ج۱. ذیل "ایوان".
- روشندل، زهرا (۱۳۹۴). "بازشناسی تاریخ معماری نهبندان در دوره قاجار با

تکیه بر پژوهش باستان‌شناختی خانه‌های تاریخی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده هنر، دانشگاه بیرجند.

- زرگر، اکبر (۱۳۹۰). *درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- زعفرانلو، رقیه؛ مال‌اندوز، طاهره؛ علی‌آبادی، مهدی (۱۳۸۲). " *گزارش‌های پیشنهادی ثبتی خانه‌های تاریخی نهبندان*". بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].
- زمرشیدی، حسین (۱۳۷۸). *نقش آجر و کاشی در نمای مدارس ایران*. تهران: زمرد.
- ------ (۱۳۸۷). *طاق و قوس در معماری ایران*. تهران: شرکت عمران و بهسازی شهری ایران.
- ساریخانی، مجید (۱۳۸۲). *بررسی باستان‌شناسی، معماری و شهرسازی شهرستان ملایر در دوره قاجار*. ملایر: علم‌گستر.
- شاطریان، رضا (۱۳۹۰). *اقلیم و معماری*. تهران: سیمای دانش.
- فلاح‌فر، سعید (۱۳۷۹). *فرهنگ واژه‌های معماری سنتی ایران*. تهران: کامیاب.
- عمرانی‌پور، علی (۱۳۸۴). *هنر و معماری اسلامی ایران (یادنامه استاد دکتر لطیف ابوالقاسمی)*. تهران: سازمان عمران و بهسازی شهری ایران.
- محمودی، عبدالله (۱۳۸۴). "بازنگری اهمیت ایوان در خانه‌های سنتی (با نگاه ویژه به بم)". *فصلنامه هنرهای زیبا*، ش۲۲: ۵۳-۶۲.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۹۱). *آشنایی با معماری مسکونی ایرانی، گونه‌شناسی درون‌گرا*. تهران: سروش دانش.
- معین، محمد. *فرهنگ فارسی*، ج۱. ذیل "ایوان".

سنجش ضریب توسعه فرهنگی شهرستان‌های استان خراسان جنوبی با بهره‌گیری از روش بهینه‌سازی چندمعیاره و حل سازشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۷

یعقوب زارعی[۱]

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه تطبیقی شهرستان‌های استان خراسان جنوبی در راستای سنجش و اندازه‌گیری شکاف توسعه فرهنگی بین سکونتگاه‌های استان انجام گردید. این مطالعه به لحاظ ماهیت یک پژوهش کاربردی و از منظر روش‌شناسی در زمره تحقیقات توصیفی- تحلیلی قرار می‌گیرد که شیوه گردآوری اطلاعات، از نوع کتابخانه‌ای و ابزار جمع‌آوری با توجه به اهداف پژوهش، مبتنی بر داده‌ها و اطلاعات سالنامه آماری سال ۱۳۹۳ استان خراسان جنوبی بوده است. شایان ذکر است که جامعه آماری پژوهش ۱۱ شهرستان واقع در استان خراسان‌جنوبی است که جهت سنجش سطح توسعه فرهنگی آنها، ۲۹ مؤلفه در قالب شاخص‌های توسعه، از آمارنامه رسمی استان استخراج و با استفاده از روش بهینه‌سازی چندمعیاره و حل سازشی و ضریب آنتروپی شانون، مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل یافته‌های پژوهش ضمن تأیید وجود شکاف عمیق در توزیع و تخصیص امکانات فرهنگی بین شهرستان‌های استان خراسان جنوبی، حاکی از آن است که شهرستان فردوس با ضریب صفر، دارای بالاترین ضریب توسعه فرهنگی و شهرستان‌های سربیشه با ضریب ۱ و درمیان با ضریب ۰/۹۵، دارای پایین‌ترین ضریب توسعه به لحاظ برخورداری از شاخص‌های فرهنگی بوده‌اند. نتایج سطح‌بندی شهرستان‌ها، به لحاظ توسعه فرهنگی نیز نشان می‌دهد که قسمت اعظم این استان در جرگه مناطق محروم از توسعه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: توسعه فرهنگی، خراسان جنوبی، روش بهینه‌سازی چندمعیاره و حل سازشی، آنتروپی

---

۱. دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، ایران yaghoub.zarei@yahoo.com

مقدمه

توسعه در تمام مقوله‌ها بالاخص در ابعاد فرهنگی، یکی از ارکان بسیار مهمی است که در ادبیات برنامه‌ریزی از جایگاه بسیار ویژه‌ای برخوردار است، تا جایی که اغلب کشورها امروزه بر این باورند که توسعه، تنها در سایه تحول فرهنگی می‌تواند به بار نشیند. در این میان، برنامه‌ریزی فرهنگی که با هدف ایجاد تغییر در وضع موجود و ایجاد فرصت‌های برابر در حوزه فرهنگی مورد استفاده قرار می‌گیرد، به‌عنوان پیش‌درآمد توسعه فرهنگی در هر جامعه به‌شمار می‌آید که از درجه اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، به‌طوری که مدیریت توزیع و به‌کارگیری منابع فرهنگی که رسالت اصلی آن برنامه‌ریزی فرهنگی است، نقش انکارناپذیری در توسعه یکپارچه و موزون شهرها و مناطق ایفاء می‌نماید.

از سوی دیگر، محدودیت منابع و سیر فزاینده جمعیت، لزوم توجه به برنامه‌ریزی و علی‌الخصوص برنامه‌ریزی فضایی را در همه عرصه‌ها ایجاب نموده و حوزه فرهنگی نیز از این قاعده مستثنی نیست. از همین‌رو، با عنایت به نقش غیر قابل انکار برنامه‌ریزی در توسعه فرهنگی، باید اذعان نمود که طرح یک برنامه جامع و سیاست‌گذاری فرهنگی در سطح هر منطقه‌ای، میسر نخواهد بود مگر با تشخیص محدودیت‌ها و تعیین اولویت‌ها، که آن هم جز با سنجش دقیق نحوه توزیع و تخصیص منابع و امکانات عمومی، برای مجموعه فعالیت‌های فرهنگی- هنری فراهم نخواهد گردید.

ضرورت تحقیق

با توجه به اهمیت بنیادین فرهنگ و نقش آن در جهان امروز و تأکید صاحب‌نظران و سازمان‌های فرهنگی در دهه‌های اخیر و هم‌چنین با توجه به خلأهای اخلاقی و فرهنگی موجود، توسعه فرهنگی در دنیای کنونی ضروری و گریزناپذیر به نظر می‌رسد. این اهمیت تا بدان‌جاست که پس از آشکار شدن ابعاد منفی و مخرّب توسعه اقتصادی و شکست و ناکامی تلاش‌های نوگرایانه‌ی کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه با الگوی توسعه غربی و عدم توجّه کشورها به ساختارهای فرهنگی و اجتماعی خود، سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، توسعه فرهنگی را به‌عنوان یک

مفهوم جدید برای نخستین بار در دهه هفتاد قرن بیستم وارد ادبیات توسعه نمود (ملکی، هاشمیان و آقامحمدی، ۱۳۹۴: ۱۰) و از سوی دیگر، دهه پایانی قرن بیستم را دهه فرهنگ نامید و مقرر نمود که باید کشورهای عضو در این دهه، در پیشرفت و اعتلای فرهنگ بکوشند و چنین وظیفه‌ای را بر عهده دولت و هیأت‌های ملی یونسکو در هر کشور نهاد. از همین‌رو، امروزه رسیدن به توسعه همه جانبه و پایدار، دغدغه اصلی کشورها و دولت‌هایشان است (وثوقی، آرام و سلمانی، ۱۳۹۱: ۸۲).

ضرورت و اهمیت پژوهش از آن‌جا ناشی می‌شود که انسان موجودی فرهنگی است و زیربنای توسعه پایدار، بی‌شک در گرو دستیابی به توسعه فرهنگی است. از این‌رو، می‌توان اذعان داشت که فضاهای فرهنگی، یکی از ارکان اصلی توسعه فرهنگی محسوب می‌شوند. از طرفی، یکی از مهمترین اهداف برنامه‌ریزی فضایی با توجه به محدودیت منابع، توزیع بهینه و متعادل امکانات و خدمات بین سکونتگاه‌های مختلف است و تحقق این امر، نیازمند شناسایی سکونتگاه‌های مختلف از نظر برخورداری آنها از امکانات و خدمات گوناگون است تا از این طریق، نقاط محروم و توسعه یافته مشخص شده و برنامه‌ریزان بتوانند برای تعادل فضایی و کاهش فاصله‌ی بهره‌مندی بین مناطق اقدام کنند (محمدی و ایزدی، ۱۳۹۲: ۹۰). هم‌چنین از آن‌جا که دست‌یابی به توسعه در هر سطح و با هر هدفی نیازمند برنامه‌ریزی اصولی، کارآمد و اجرای دقیق آن است، بنابراین برای انجام برنامه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تدوین راهکارهای توسعه، موفقیت در برنامه‌ریزی و طرح‌های اجرایی، بررسی و شناخت توان‌ها، کمبودها و تعیین سطح توسعه یافتگی نواحی و سکونتگاه‌ها، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به‌نظر می‌رسد (تقوایی و نوروزی آوراگانی، ۱۳۸۶: ۶۰-۶۱). بر همین اساس، با عنایت به مغفول ماندن برخی زوایای توسعه فرهنگی (بویژه در مناطق استانی) از دید محققان و پژوهشگران و خلأهای موجود در اندک بررسی‌های صورت پذیرفته و ضرورت توجه به جایگاه ویژه مناطق مرزی و پیرامونی در ساختار کلان فرهنگی و اجتماعی کشور، پژوهش حاضر تلاش دارد تا در قالب یک مطالعه موردی و با هدف سنجش میزان توسعه فرهنگی در شهرستان‌های استان خراسان جنوبی، به ارائه سیمایی جامع از توسعه فرهنگی در این استان بپردازد.

سابقه تحقیق

تاکنون مقالات و پژوهش‌های متعددی در حوزه فرهنگ و بویژه توسعه فرهنگی نگاشته شده است که به فراخور اهداف تحقیق، به چند مورد از آنها به‌طور خلاصه پرداخته می‌شود.

به‌عنوان نمونه در مطالعات داخلی، تقوایی و قائدرحمتی (۱۳۸۵) در مقاله خود اشاره می‌کنند که توسعه فرهنگی نیز به‌دنبال توسعه اقتصادی است. بدون توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی اتفاق نمی‌افتد و بدون توسعه فرهنگی، توسعه اقتصادی به حد کمال خود نمی‌رسد. واعظی (۱۳۸۶) در پژوهش خود بر آمایش فرهنگی تأکید می‌نماید و آن را نوعی برنامه‌ریزی راهبردی تعریف می‌نماید که از آماده و مستعد کردن زمینه‌های رشد و تعالی فرهنگ آغاز می‌شود و از عوامل اصلی موفقیت چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ محسوب می‌گردد. بابایی‌فرد (۱۳۹۰) در اثر خود فرهنگ را یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق توسعه می‌داند و بر این باور است که توسعه فرهنگی یکی از پیش‌شرط‌های بنیادی تحقق توسعه و یکی از آرمان‌های بنیادی توسعه در هر جامعه به‌شمار می‌آید. وثوقی، آرام و سلمانی (۱۳۹۱) در مقاله خود چالش‌ها و راهکارها موانع ساختاری شکل‌گیری و ارتقاء توسعه فرهنگی در ایران را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده‌اند. عبدی و کاوسی (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود به طراحی و ارائه الگوی سنجش توسعه فرهنگی در کشور ایران، با استفاده از نظریه داده‌بنیاد پرداخته‌اند و منتظرالحجه، شریف‌نژاد و امیدی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با هدف ارزیابی میزان توسعه یافتگی فرهنگی شهرستان‌های استان یزد طی مقطع زمانی ۱۳۸۱ تا۱۳۹۰، به این نتیجه رسیدند که شهرستان‌های اردکان و بهاباد برخوردارترین مناطق و شهرستان‌های طبس و یزد، در زمره‌ی غیر برخوردارترین شهرستان‌ها قرار داشته‌اند. مهدوی و وکیل‌ها (۱۳۹۴) نیز به بررسی تأثیر توسعه فرهنگی زنان بر کارکردهای خانواده پرداخته‌اند و سرایی و دیگران (۱۳۹۴) در سنجش نحوه برخورداری شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد از لحاظ مؤلفه‌های فرهنگی نشان دادند که شاخص‌های فرهنگی در شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد به‌صورت متوازن توزیع نشده و اختلاف فاحشی بین شهرستان‌ها

از نظر خدمات فرهنگی ملاحظه می‌شود.

در مطالعات خارجی نیز، موماس (Mommas, 2004) در مقاله خود از رویکرد مجموعه فرهنگی و تـأثیرات اقتصـادی، فضـایی و شـرایط محیطـی بـر سیاست‌گذاری فرهنگی نام می‌برد و معتقد است این رویکرد به‌دنبال برقـراری پیونـدی پایـدار میـان ارزش‌های فرهنگی و زیرساختارهای دامنه شهری اسـت. واربانوا (Varbanova, 2007) هوشیاری و خلاقیت مردم را یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های ارزیابی شهری می‌داند که در میزان کمک افراد به طرح‌ها و فعالیت‌های فرهنگی برای کسب نتیجه و ارتقای هرچه بیشتر آنها تجلی می‌یابد. کانگ (Kong, 2007) نیز در مقاله خود به شهرهایی با انتظارات جهانی یاد می‌کند که ضمن تشخیص نیاز به انباشت سرمایه فرهنگی، اقدام به ایجاد فضاهای فرهنگی جدیدی، هم‌چون کتابخانه‌ها و تئاترهای بزرگ نموده‌اند.

مبانی نظری

تاکنون نظریه‌های مختلفی پیرامون فرهنگ و توسعه فرهنگی مطرح گردیده که بنا به اهداف و مقتضیات پژوهش به برخی از آنها اشاره می‌گردد. کارل مارکس[1] فرهنگ را ساخته و پرداخته کنش‌ها و کردارهای طبقات بالای اجتماعی می‌داند به‌طوری که اساساً در جامعه صنعتی، فرهنگ هم‌چون جهان‌بینی حاکم عمل کرده و کار ویژه اصلی آن، توجیه منافع آن طبقات و بازتاب دیدگاه‌ها و مشرعیت‌بخشی به اقتدار آنها می‌باشد. از دیدگاه مارکسیستی روشن‌فکران طبقه حاکم، طبق دیدگاه مارکسیسم، در هر عصری اندیشه‌های مسلط را تولید و عرضه می‌کنند و همین اندیشه‌ها، از ابزارهای عمده تسلط طبقه حاکم بر طبقات زیر سلطه به‌شمار می‌رود (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۸۹-۹۲).

جورج زیمل[2] به‌دلیل وجود تضادهای درونی جامعه نوین و مدرنیته به بحث فرهنگ پرداخته و از نظر او جامعه نوین به بحران، تضاد و فاجعه فرهنگی دچار خواهد شد، زیرا در آینده کالاهای فرهنگی و فرهنگ مادی و عینی بیشتر از نیاز مصرف فرهنگ یا فرهنگ ذهنی تولید خواهد شد. از نظر او، فاجعه فرهنگی همانا تضاد میان فرهنگ

1. Karol Marx
2. Georg Simmel

مادی و معنوی است که فرهنگ مادی شامل کالاهای تولید شده‌ای است که می‌تواند جدا از فرهنگ معنوی باقی مانده و بر زندگی بشر، بدون هیچ معنایی سیطره یابد (مهری، ۱۳۸۶: ۵۴).

دورکیم[1] معتقد است که فرهنگ عامل وحدت اجتماعی یا همبستگی اجتماعی است. لذا بر مبنای عقیده او، اختلاف و کشمکش یا تداوم محرومیت‌های اجتماعی را نمی‌توان به حساب نقش فرهنگ گذاشت. وی دو نوع همبستگی را با توجه به ساده و صنعتی بودن جامعه از همدیگر متمایز می‌کند و قائل است که در جامعه ساده، همبستگی مکانیکی (همبستگی ناشی از همانندی) و در جامعه صنعتی همبستگی ارگانیکی (همبستگی ناشی از تفاوت‌ها) رواج دارد. دورکیم هم‌چنین نقش پررنگی را برای فرهنگ در جهت ایجاد ثبات اجتماعی و هم‌چنین تعامل اجتماعی قائل است (اسمیت، ۱۳۸۷: ۲۶-۲۷).

پیروان نظریه نوگرایی، سهم فرهنگ را در خلق ارزش‌های جدید مؤثر می‌دانند و معتقدند که یک اجتماع، هرگز به توسعه نمی‌رسد مگر این‌که اکثریت افراد آن اجتماع ارزش‌های جدید را بپذیرند. پیروان نظریه سرمایه انسانی نیز معتقدند که توسعه ملی در توسعه انسانی نهفته است و فرهنگ، یک سرمایه‌گذاری تولیدی است (مسعودیان، ۱۳۷۲: ۳۰-۴۰).

از آن‌جا که توسعه و توسعه فرهنگی مفاهیم بسیار مهمی هستند که در دوره‌های اخیر از جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌ریزی‌های ملّی برخوردار بوده‌اند و هیچ توسعه و تکاملی بدون توسعه و تکامل فرهنگی، مطلوب و مقدور نیست (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۷۶) و از سوی دیگر، توسعه فرهنگی زمانی در جامعه‌ای تحقق می‌یابد که ذهنیت افراد آن جامعه متحول شده و همگان به امکانات فرهنگی موجود در جامعه، به شکل یکسان دسترسی داشته باشند (کریم‌نژاد، ۱۳۹۳: ۴). در همین راستا، بررسی پیش‌رو با اعتقاد به ضرورت دسترسی برابر به فرصت‌ها و امکانات فرهنگی، درصدد است تا با تبیین میزان توسعه فرهنگی در استان خراسان جنوبی، کیفیت توسعه در مناطق مختلف استان را مورد سنجش قرار دهد.

1. Emile Durkheim

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر براساس هدف، بنیادی و نوع روش به‌کار رفته در آن، توصیفی- تحلیلی است که طی آن تبیین میزان توسعه فرهنگی شهرستان‌های استان خراسان جنوبی (تعداد ۱۱ شهرستان به‌عنوان جامعه آماری) مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. جهت تحلیل میزان توسعه یافتگی استان در بخش فرهنگی، ۲۹ متغییر در قالب شاخص‌های فرهنگی از داده‌های رسمی آمارنامه سال ۱۳۹۳ استخراج (جدول ۱) و سپس جهت تحلیل از روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه[1] بهره‌گیری شد.

جدول۱) شاخص‌ها و متغیرهای مورد بررسی در پژوهش حاضر

شاخص	متغیر
فرهنگ	X۱ تعداد سینما به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت، X۲ تعداد سالن نمایش به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت، X۳ گنجایش سالن به ازای جمعیت شهرستان، X۴ تعداد تماشاگر به ازای جمعیت شهرستان، X۵ تعداد سالن تئاتر به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت، X۶ گنجایش سالن تئاتر به ازای جمعیت شهرستان، X۷ تعداد برنامه تئاتر به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت، X۸ تعداد برنامه موسیقی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت، X۹ تعداد اجرای تئاتر به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت، X۱۰ تعداد اجرای موسیقی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت، X۱۱ تعداد تماشاگر تئاتر به ازای جمعیت شهرستان، X۱۲ تعداد تماشاگر موسیقی به ازای جمعیت شهرستان، X۱۳ تعداد کتابخانه عمومی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت، X۱۴ تعداد کتابخانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت، X۱۵ تعداد کتاب کتابخانه عمومی به ازای جمعیت شهرستان، X۱۶ تعداد کتاب کتابخانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به ازای جمعیت شهرستان، X۱۷ تعداد اعضای کتابخانه عمومی به ازای جمعیت شهرستان، X۱۸ تعداد اعضای کتابخانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به ازای جمعیت شهرستان، X۱۹ تعداد چاپخانه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت
سوادآموزی	X۲۰ نرخ باسوادی مناطق روستایی، X۲۱ نرخ باسوادی مردان در مناطق روستایی، X۲۲ نرخ باسوادی زنان در مناطق روستایی، X۲۳ نرخ باسوادی مناطق شهری، X۲۴ نرخ باسوادی مردان در مناطق شهری، X۲۵ نرخ باسوادی زنان در مناطق شهری
ارتباطات	X۲۶ درصد برخورداری مناطق روستایی از دفتر پست، X۲۷ درصد برخورداری مناطق روستایی از دفتر مخابرات، X۲۸ درصد برخورداری مناطق روستایی از اینترنت عمومی، X۲۹ درصد برخورداری مناطق روستایی از روزنامه و مجله

منبع: (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان‌جنوبی، ۱۳۹۳)

1. MADAM

جهت تحلیل داده‌های پژوهش از روش ویکور[1] که به معنی «بهینه‌سازی چندمعیاره و حل سازشی[2]» (Chu, et al., 2007: 1011) به‌عنوان یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره توافقی که بر مبنای روش ال‌پی‌متریک[3] توسعه یافته است (Wei & Xiangyi, 2008: 1)، بهره گرفته شد. در این روش، تأکید بر رتبه‌بندی و انتخاب از مجموعه‌ای گزینه و تعیین راه‌حل‌های توافقی برای مسأله با معیارهای متضاد است (Chen & Wang, 2009: 235) که ماتریس تصمیم‌گیری و وزن شاخص‌ها، ورودی سیستم هستند (Xia, et al., 2006: 743) و راه‌حل‌هایی موجه است که به راه‌حل مطلوب نزدیک باشد (Rao, 2008: 1954). بهره‌گیری از این روش، مستلزم اجرای مراحلی است که در ادامه ذکر می‌گردد. این روش طی هفت گام به تحلیل موضوع پژوهش می‌پردازد که عبارت است از:

گام اول: تشکیل ماتریس داده‌ها بر اساس m گزیدار و n شاخص

تشکیل ماتریس داده‌ها به ابعاد $m \times n$، به صورتی‌که m تعداد سطرهای ماتریس و نشان‌دهنده شهرستان‌های مورد بررسی و n ستون‌های آن به تعداد شاخص‌های مورد نظر می‌باشد.

گام دوم: استاندارد کردن داده‌ها (رفع اختلاف مقیاس) و تشکیل ماتریس استاندارد

در این گام، به منظور حذف تأثیر واحدهای متفاوت و انجام عملیات جبری روی شاخص‌ها، ماتریس داده‌های تشکیل شده در مرحله قبلی استاندارد می‌شود.

1. VIKOR
2. Multi Criteria Optimization and Compromise Solution
3. LP metric

گام سوم: تعیین بهترین و بدترین مقدار برای همه توابع معیارها

صرف نظر از این‌که تابع معیار نشان دهنده سود باشد (مثبت) یا نشان دهنده هزینه باشد (منفی)، بهترین و بدترین مقادیر محاسبه می‌شوند.

گام چهارم: تعیین وزن و درجه‌ی اهمیت خصوصیات‌ها

از آن‌جائی که معمولاً شاخص‌های مورد استفاده دارای ارزش و اهمیت یکسانی نیستند، لذا برای از بین بردن این تفاوت‌ها، می‌بایست به محاسبه وزنی برای شاخص‌های مورد نظر اقدام کرد. به منظور اعمال وزن‌دهی به شاخص‌ها، می‌توان از روش‌های متفاوتی هم‌چون روش پنل متخصصین، آنتروپی شانون، برادر ویژه، فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، روش لین‌مپ[1] و غیره بهره گرفت (Malczewski, 1999).

گام پنجم: محاسبه‌ی فاصله‌ی گزینه‌ها از راه حل مطلوب و غیر مطلوب

در این مرحله، فاصله‌ی هر گزینه از راه حل مطلوب مثبت محاسبه می‌شود و سپس محاسبه تجمیع آن صورت می‌گیرد (Chang & Hsu, 2009: 3229) که در آن، فاصله هر گزینه نسبت به راه حل ایده‌آل (ترکیب بهترین) و فاصله هرگزینه تا راه حل ایده‌آل منفی (ترکیب بدترین) به‌دست می‌آید.

گام ششم: محاسبه مقدار Qi وایکور

شایان ذکر است در مقدار Qi هنگامی که مقدار v بزرگتر از ۰/۵ باشد، شاخص Qi منجر به اکثریت موافق و هنگامی که مقدار آن کمتر از ۰/۵ می‌شود، شاخص Qi بیانگر نگرش منفی اکثریت است. به‌طوری که وقتی مقدار v برابر ۰/۵ باشد، بیانگر نگرش توافقی متخصصان ارزیابی است (Chu, et al., 2007: 1016).

1. LINMAP

گام هفتم: رتبه‌بندی گزینه‌ها بر اساس مقادیر Q_i

براساس مقادیر Q_i گزینه‌ها که در مرحله ششم محاسبه شد، می‌توان به رتبه‌بندی گزینه‌ها پرداخت. مقدار Q_i بین صفر تا یک نوسان دارد و هنگامی که Q_i برابر صفر باشد، نشان دهنده بالاترین رتبه و در غیر این صورت اگر برابر با یک باشد، کمترین رتبه را نشان می‌دهد.

نکته شایان ذکر در رتبه‌بندی نهایی گزینه‌ها، این است که باید مقادیر S_j، R_j، Q_j به صورت نزولی مرتب شوند و بر این اساس، گزینه‌ای که از کم‌ترین مقدار برخوردار باشد، بهترین گزینه محسوب گردد. در این میان در رتبه‌بندی، در صورتی که دو شرط زیر برقرار باشد، به‌عنوان بهترین جواب سازشی انتخاب می‌شود:

الف) شرط مزیت قابل قبول

ب) شرط ثبات قابل قبول در تصمیم‌گیری

اگر یکی از شروط بالا برقرار نشود، آن‌گاه یک مجموعه جواب‌های سازشی به‌صورت زیر پیشنهاد می‌شود:

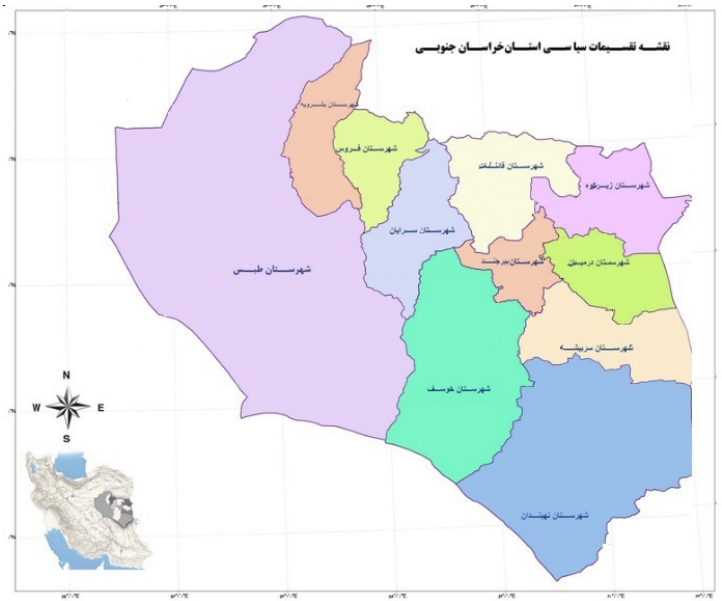
۱- اگر تنها شرط دوم برقرار نشد، گزینه‌های A_1 و A_2.

۲- اگر شرط اول برقرار نشد، گزینه‌های A_n , ... , A_1, A_2 که A_n گزینه‌ای است در موقعیت n ام که در مورد آن صادق می‌باشد (توکلی‌مقدم، نجفی و یزدانی، ۱۳۹۱: ۳۷).

معرفی منطقه

استان خراسان جنوبی با ۱۵۰۸۰۰ کیلومتر مربع، بین مدار ۳۰ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۸ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۶۰ درجه و ۵۷ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است و طبق آخرین تقسیمات کشوری، این استان دارای ۱۱ شهرستان (شکل ۱)، ۲۵ بخش، ۲۸ شهر و ۶۱ دهستان بوده است. بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن، جمعیت استان خراسان جنوبی برابر با ۷۶۸۸۹۸ نفر بوده که در مقایسه با سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، متوسط رشد سالانه جمعیت معادل ۰/۹۶٪ بوده است. طبق همین سرشماری،

تعداد ۲۲۳۹۸۴ خانوار در استان سکونت داشته‌اند که از این تعداد ۵۹/۰۲٪ خانوار در نقاط شهری و ۴۰/۹۸٪ خانوار در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند. هم‌چنین از کل جمعیت، ۴۵۳۸۲۷ نفر در مناطق شهری و ۳۱۵۰۷۰ نفر نیز در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی، ۱۳۹۶: ۱).



شکل۱) موقعیت شهرستان‌های استان خراسان جنوبی

یافته‌ها

به منظور آغاز فرایند تحلیل داده‌ها، در اولین گام، ماتریس تصمیم‌گیری (متشکل از شاخص‌ها و مناطق مورد مطالعه) تشکیل می‌گردد (جدول ۲).

جدول۲) تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری جهت انجام محاسبات

شهرستان	X۱	X۲	X۳	X۴	X۵	X۶	X۷	X۸	X۹	X۱۰	X۱۱	X۱۲	X۱۳	X۱۴	X۱۵
بیرجند	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۱۴	۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۵۶	۰/۴۸	۱/۸۷	۰/۶۱	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۶۵	۰/۲۶	۰/۸۶
خوسف	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۶۹	۰/۳۴	۳/۴۵	۰/۳۴	۰/۰۳	۰/۰۱	۱/۰۳	۰/۰۰	۰/۶۶
درمیان	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۱/۰۹	۰/۱۸	۰/۵۶
سرایان	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۱	۳/۳۹	۰/۳۱	۳/۳۹	۰/۰۱	۰/۱۰	۰/۹۲	۰/۳۱	۱/۵۰
سربیشه	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۲۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۵۱	۰/۰۰	۱۷/۴۷	۰/۰۰	۰/۰۳	۰/۷۶	۰/۲۵	۰/۷۰
قائنات	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۰۶	۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۴۵	۰/۵۴	۳/۰۵	۲/۷۸	۰/۰۴	۰/۰۸	۱/۰۸	۰/۰۹	۱/۱۱
زیرکوه	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۲۴	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۳	۰/۲۴	۰/۳۸
نهبندان	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۷	۰/۰۱	۰/۳۵	۱/۴۰	۱/۲۲	۲/۱۰	۰/۰۳	۰/۰۶	۰/۵۲	۰/۱۷	۱/۰۳
فردوس	۰/۲۴	۰/۲۴	۰/۰۱	۲/۵۵	۰/۲۴	۰/۰۰	۰/۷۲	۲/۴۰	۳/۶۰	۲۵/۴۶	۰/۰۸	۰/۷۲	۰/۴۸	۰/۲۴	۰/۹۶
بشرویه	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۸۱	۰/۰۰	۰/۸۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۸۱	۰/۸۱	۱/۱۲
طبس	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۵۱	۰/۰۱	۱/۰۱	۰/۰۰	۴/۰۴	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۸	۵/۵۶	۲/۰۲	۶/۷۴
شهرستان	X۱۶	X۱۷	X۱۸	X۱۹	X۲۰	X۲۱	X۲۲	X۲۳	X۲۴	X۲۵	X۲۶	X۲۷	X۲۸	X۲۹	
بیرجند	۰/۲۴	۰/۱۳	۰/۲۶	۰/۷۸	۰/۷۴	۰/۷۸	۰/۷۰	۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۸۹	۰/۰۹	۰/۲۰	۰/۱۰	۰/۰۲	
خوسف	۰/۰۰	۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۴	۰/۷۸	۰/۷۰	۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۸۹	۰/۰۶	۰/۱۸	۰/۰۸	۰/۰۱	
درمیان	۰/۱۴	۰/۰۵	۰/۱۲	۰/۰۰	۰/۷۶	۰/۸۱	۰/۷۲	۰/۸۶	۰/۹۰	۰/۸۳	۰/۱۲	۰/۳۴	۰/۱۷	۰/۰۱	
سرایان	۰/۱۸	۰/۰۵	۰/۲۶	۰/۶۲	۰/۷۴	۰/۸۱	۰/۶۹	۰/۸۷	۰/۹۱	۰/۸۴	۰/۱۶	۰/۴۵	۰/۲۰	۰/۱۴	
سربیشه	۰/۲۴	۰/۰۴	۰/۶۷	۰/۲۵	۰/۶۸	۰/۷۶	۰/۶۱	۰/۸۴	۰/۸۹	۰/۷۹	۰/۰۳	۰/۱۴	۰/۰۵	۰/۰۰	
قائنات	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۲۰	۰/۲۷	۰/۷۳	۰/۸۰	۰/۶۷	۰/۸۸	۰/۹۱	۰/۸۶	۰/۱۶	۰/۴۱	۰/۱۸	۰/۰۲	
زیرکوه	۰/۱۸	۰/۰۲	۱/۴۴	۰/۰۰	۰/۷۳	۰/۸۰	۰/۶۷	۰/۸۸	۰/۹۱	۰/۸۶	۰/۱۳	۰/۳۷	۰/۱۶	۰/۰۴	
نهبندان	۰/۱۹	۰/۰۵	۰/۴۲	۰/۳۵	۰/۶۹	۰/۷۵	۰/۶۳	۰/۸۸	۰/۹۱	۰/۸۵	۰/۰۵	۰/۲۱	۰/۰۷	۰/۰۰	
فردوس	۰/۲۹	۰/۰۶	۰/۷۷	۱/۶۸	۰/۷۳	۰/۸۰	۰/۶۷	۰/۹۱	۰/۹۳	۰/۸۸	۰/۳۰	۰/۴۵	۰/۳۹	۰/۰۵	
بشرویه	۰/۷۷	۰/۰۹	۰/۸۶	۰/۴۱	۰/۷۷	۰/۸۲	۰/۷۲	۰/۸۹	۰/۹۱	۰/۸۶	۰/۰۲	۰/۲۸	۰/۱۳	۰/۲۰	
طبس	۲/۰۴	۰/۴۸	۰/۳۰	۳/۵۴	۰/۸۳	۰/۸۷	۰/۷۸	۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۹۰	۰/۰۸	۰/۱۸	۰/۱۵	۰/۰۴	

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶)

پس از پالایش داده‌ها و دستیابی به ماتریس تصمیم‌گیری، جهت انجام محاسبات ماتریس، ماتریس استاندارد (جدول ۳) و سپس ماتریس بهترین و بدترین توابع تشکیل می‌گردد (جدول ۴).

جدول۳) تشکیل ماتریس نرمال جهت انجام محاسبات

شهرستان	X۱	X۲	X۳	X۴	X۵	X۶	X۷	X۸	X۹	X۱۰	X۱۱	X۱۲	X۱۳	X۱۴	X۱۵
بیرجند	۰/۳۲	۰/۳۲	۰/۴۲	۰/۰۶	۰/۱۲	۰/۱۷	۰/۳۱	۰/۱۱	۰/۲۵	۰/۰۲	۰/۳۲	۰/۰۳	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۲
خوسف	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۷	۰/۰۸	۰/۴۶	۰/۰۱	۰/۳۲	۰/۰۱	۰/۱۷	۰/۰۰	۰/۰۹
درمیان	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۸	۰/۰۸	۰/۰۸
سرایان	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۷	۰/۷۶	۰/۰۴	۰/۱۱	۰/۰۷	۰/۱۴	۰/۱۵	۰/۱۴	۰/۲۰
سربیشه	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۶	۰/۲۵	۰/۰۰	۰/۱۱	۰/۰۰	۰/۵۶	۰/۰۰	۰/۰۳	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۰۹
قائنات	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۲۸	۰/۰۲	۰/۱۳	۰/۱۶	۰/۲۴	۰/۱۲	۰/۴۱	۰/۰۹	۰/۳۷	۰/۱۱	۰/۱۸	۰/۰۴	۰/۱۵
زیرکوه	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۵	۰/۱۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۰۵
نهبندان	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۲۵	۰/۴۰	۰/۱۹	۰/۳۱	۰/۱۶	۰/۰۷	۰/۲۴	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۱۴
فردوس	۰/۸۹	۰/۸۹	۰/۸۶	۱/۰۰	۰/۳۵	۰/۳۶	۰/۳۹	۰/۵۴	۰/۴۸	۰/۸۱	۰/۷۷	۰/۹۷	۰/۰۸	۰/۱۱	۰/۱۳
بشرویه	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۴	۰/۰۰	۰/۱۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۱۳	۰/۳۶	۰/۱۵
طبس	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۳	۰/۷۵	۰/۵۵	۰/۰۰	۰/۵۴	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۱	۰/۹۰	۰/۸۹	۰/۹۲
شهرستان	X۱۶	X۱۷	X۱۸	X۱۹	X۲۰	X۲۱	X۲۲	X۲۳	X۲۴	X۲۵	X۲۶	X۲۷	X۲۸	X۲۹	
بیرجند	۰/۱۱	۰/۲۵	۰/۱۲	۰/۱۹	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۲۰	۰/۱۹	۰/۱۷	۰/۰۶	
خوسف	۰/۰۰	۰/۰۴	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۱۳	۰/۱۸	۰/۱۴	۰/۰۵	
درمیان	۰/۰۶	۰/۱۰	۰/۰۶	۰/۰۰	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۳۲	۰/۲۹	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۲۸	۰/۳۳	۰/۲۸	۰/۰۲	
سرایان	۰/۰۸	۰/۱۰	۰/۱۳	۰/۱۵	۰/۳۰	۰/۳۱	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۳۷	۰/۴۳	۰/۳۵	۰/۵۴	
سربیشه	۰/۱۱	۰/۰۷	۰/۳۲	۰/۰۶	۰/۲۸	۰/۲۹	۰/۲۷	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۲۸	۰/۰۸	۰/۱۳	۰/۰۹	۰/۰۰	
قائنات	۰/۰۵	۰/۲۰	۰/۱۰	۰/۰۷	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۶	۰/۴۰	۰/۳۱	۰/۰۹	
زیرکوه	۰/۰۸	۰/۰۴	۰/۶۹	۰/۰۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۶	۰/۲۸	۰/۱۵	
نهبندان	۰/۰۸	۰/۱۰	۰/۲۰	۰/۰۹	۰/۲۸	۰/۲۸	۰/۲۸	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۱۱	۰/۲۰	۰/۱۱	۰/۰۱	
فردوس	۰/۱۳	۰/۱۱	۰/۳۷	۰/۴۱	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۶۸	۰/۴۴	۰/۶۶	۰/۱۷	
بشرویه	۰/۳۴	۰/۱۷	۰/۴۱	۰/۱۰	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۳۲	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۰۶	۰/۲۷	۰/۲۳	۰/۷۸	
طبس	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۱۴	۰/۸۶	۰/۳۴	۰/۳۳	۰/۳۴	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۳۲	۰/۱۸	۰/۱۷	۰/۲۶	۰/۱۷	

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶)

جدول۴) تشکیل ماتریس بهترین و بدترین توابع

متغیر	X۱	X۲	X۳	X۴	X۵	X۶	X۷	X۸	X۹	X۱۰	X۱۱	X۱۲	X۱۳	X۱۴	X۱۵
F*	۰/۸۹	۰/۸۹	۰/۸۶	۱/۰۰	۰/۷۳	۰/۷۵	۰/۵۵	۰/۷۶	۰/۵۴	۰/۸۱	۰/۷۷	۰/۹۷	۰/۹۰	۰/۸۹	۰/۹۲
F-	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۸	۰/۰۰	۰/۰۵
متغیر	X۱۶	X۱۷	X۱۸	X۱۹	X۲۰	X۲۱	X۲۲	X۲۳	X۲۴	X۲۵	X۲۶	X۲۷	X۲۸	X۲۹	
F*	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۶۹	۰/۸۶	۰/۳۴	۰/۳۳	۰/۳۴	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۳۲	۰/۶۸	۰/۴۴	۰/۶۶	۰/۷۸	
F-	۰/۰۰	۰/۰۴	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۲۸	۰/۲۸	۰/۲۷	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۲۸	۰/۰۶	۰/۱۳	۰/۰۹	۰/۰۰	

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶)

از آن‌جا که شاخص‌های مورد استفاده دارای ارزش‌های متفاوتی هستند، جهت از بین بردن تفاوت‌ها، بایستی نسبت به محاسبه‌ی وزنی برای هر یک از شاخص‌های مورد نظر اقدام نمود. قابل ذکر است که برای وزن‌دهی هر معیار، روش‌های متعددی وجود

دارد که در این بررسی، جهت وزن‌دهی به شاخص‌ها از روش آنتروپی شانون استفاده گردید (جدول ۵). آنتروپی به‌عنوان یکی از معروف‌ترین روش محاسبه اوزان شاخص‌ها (Meng, Wan-Hua & Bei-Shang, 2010)، نظریه اطلاعات معیاری است. برای مقدار عدم اطمینان بیان شده توسط یک توزیع احتمال گسسته (P_i)، به‌گونه‌ای که این عدم اطمینان، در صورت بخش بودن توزیع، بیشتر از موردی است که توزیع فراوانی بلندتر باشد، لذا این عدم اطمینان، به‌صورت زیر تشریح می‌شود:

ابتدا مقدار ارزشی با نماد E با روش زیر محاسبه می شود:

$$E = -K\sum_{i}^{n}[P_i.LnP_i] \qquad (۱)$$

به‌طوری که K یک ثابت مثبت است و به منظور تأمین $1 \geq E \geq 0$، که E از توزیع احتمال P_i براساس مکانیزم آماری محاسبه شده است و مقدار آن در صورت P_iها با یکدیگر بیشترین مقدار مقدار ممکن خواهد بود.

مرحله بعد با استفاده از روش زیر انجام می شود:

$$-K\sum_{i=1}^{n} p_i.LnP_i = -K\left\{\left(n\ \frac{1}{n}\right)\left(\frac{n}{n}\right)\right\} = -KLn\frac{1}{n} \qquad (۲)$$

یک ماتریس تصمیم‌گیری از یک روش (چندشاخصه) حاوی اطلاعاتی است که آنتروپی می‌تواند به‌عنوان معیاری برای ارزیابی آن به‌کار رود. یک ماتریس تصمیم‌گیری را به‌صورت زیر در نظر می‌گیریم:

محتوای اطلاعاتی از این ماتریس ابتدا به‌صورت P_{ij} زیر می‌باشد:

$$P_{ij} = \frac{r_j}{\sum_{i=1}^{m} r_j}, \forall i, j \qquad (۳)$$

و برای E_J از مجموعه P_{ij} به ازای هر مشخصه خواهیم داشت:

$$E_j = -K\sum[P_i.LnP_i], \forall j \qquad (۴)$$

اکنون عدم اطمینان یا درجه انحراف (d_j) از اطلاعات ایجاد شده به ازای شاخص jام بدین قرار است:

$$d_j = (1 - E_j), \forall j^{\circ} \qquad (۵)$$

و سرانجام برای اوزان (W_J) از شاخص موجود خواهیم داشت:

$$W_j = \frac{d_j}{\sum_{j=1}^{n} d_j}, \forall j \qquad (۶)$$

(ملکی و مودت، ۱۳۹۵: ۶۳)

جدول۵) وزن شاخص‌های مورد استفاده با ضریب آنتروپی شانون

متغیر	X۱	X۲	X۳	X۴	X۵	X۶	X۷	X۸	X۹	X۱۰	X۱۱	X۱۲	X۱۳	X۱۴	X۱۵
وزن	۰/۷۸	۰/۷۲	۰/۶۹	۰/۷۴	۰/۷۲	۰/۷۵	۰/۷۳	۰/۷۳	۰/۷۰	۰/۶۹	۰/۷۱	۰/۷۶	۰/۷۲	۰/۷۰	۰/۷۴
متغیر	X۱۶	X۱۷	X۱۸	X۱۹	X۲۰	X۲۱	X۲۲	X۲۳	X۲۴	X۲۵	X۲۶	X۲۷	X۲۸	X۲۹	
وزن	۰/۷۱	۰/۷۲	۰/۷۰	۰/۷۳	۰/۶۹	۰/۶۹	۰/۶۹	۰/۶۹	۰/۶۹	۰/۶۹	۰/۷۱	۰/۷۱	۰/۷۲	۰/۷۳	

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶)

در نهایت پس از تعیین میزان فاصله گزینه‌ها با راه‌حل مطلوب و غیر مطلوب (جدول ۶)، ضریب وایکور (Qi) برای شهرستان‌ها محاسبه و مناطق برحسب میزان توسعه فرهنگی رتبه‌بندی می‌گردند (جدول ۷).

جدول۶) تعیین میزان فاصله گزینه‌ها با راه‌حل مطلوب و غیر مطلوب

شهرستان	X۱	X۲	X۳	X۴	X۵	X۶	X۷	X۸	X۹	X۱۰	X۱۱	X۱۲	X۱۳	X۱۴	X۱۵
بیرجند	۰/۳۲	۰/۳۲	۰/۴۲	۰/۰۶	۰/۱۲	۰/۱۷	۰/۳۱	۰/۱۱	۰/۲۵	۰/۰۲	۰/۳۲	۰/۰۳	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۲
	۰/۵۰	۰/۴۶	۰/۳۵	۰/۷۰	۰/۶۰	۰/۵۸	۰/۳۲	۰/۶۳	۰/۳۸	۰/۶۸	۰/۴۲	۰/۷۳	۰/۷۰	۰/۶۱	۰/۶۹
خوسف	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۷	۰/۰۸	۰/۴۶	۰/۰۱	۰/۳۲	۰/۰۱	۰/۱۷	۰/۰۰	۰/۰۹
	۰/۷۸	۰/۷۲	۰/۶۹	۰/۷۴	۰/۷۲	۰/۷۵	۰/۲۳	۰/۶۵	۰/۱۰	۰/۶۸	۰/۴۲	۰/۷۵	۰/۶۴	۰/۷۰	۰/۷۱
درمیان	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۸	۰/۰۸	۰/۰۸
	۰/۷۸	۰/۷۲	۰/۶۹	۰/۷۴	۰/۷۲	۰/۷۵	۰/۷۳	۰/۷۳	۰/۷۰	۰/۶۹	۰/۷۱	۰/۷۶	۰/۶۳	۰/۶۴	۰/۷۲
سرایان	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۷	۰/۷۶	۰/۰۴	۰/۱۱	۰/۰۷	۰/۱۴	۰/۱۵	۰/۱۴	۰/۲۰
	۰/۷۸	۰/۷۲	۰/۶۹	۰/۷۴	۰/۷۲	۰/۷۵	۰/۵۰	۰/۰۰	۰/۶۵	۰/۶۰	۰/۶۵	۰/۶۵	۰/۶۶	۰/۵۹	۰/۶۱
سربیشه	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۶	۰/۲۵	۰/۰۰	۰/۱۱	۰/۰۰	۰/۵۶	۰/۰۰	۰/۰۳	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۰۹
	۰/۷۸	۰/۷۲	۰/۶۹	۰/۷۴	۰/۳۶	۰/۵۰	۰/۷۳	۰/۶۲	۰/۷۰	۰/۲۲	۰/۷۱	۰/۷۳	۰/۶۸	۰/۶۱	۰/۷۰
قائنات	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۲۸	۰/۰۲	۰/۱۳	۰/۱۶	۰/۲۴	۰/۱۲	۰/۴۱	۰/۰۹	۰/۳۷	۰/۱۱	۰/۱۸	۰/۰۴	۰/۱۵
	۰/۴۹	۰/۴۵	۰/۴۷	۰/۷۲	۰/۵۹	۰/۶۰	۰/۴۰	۰/۶۱	۰/۱۷	۰/۶۲	۰/۳۷	۰/۶۷	۰/۶۴	۰/۶۷	۰/۶۶
زیرکوه	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۵	۰/۱۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۰۵
	۰/۷۸	۰/۷۲	۰/۶۹	۰/۷۴	۰/۳۷	۰/۵۷	۰/۷۳	۰/۷۳	۰/۷۰	۰/۶۹	۰/۷۱	۰/۷۶	۰/۶۸	۰/۶۲	۰/۷۴
نهبندان	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۲۵	۰/۴۰	۰/۱۹	۰/۳۱	۰/۱۶	۰/۰۷	۰/۲۴	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۱۴
	۰/۷۸	۰/۷۲	۰/۶۹	۰/۷۴	۰/۴۷	۰/۳۶	۰/۴۷	۰/۴۳	۰/۴۹	۰/۶۳	۰/۴۹	۰/۶۹	۰/۷۱	۰/۶۴	۰/۶۷
فردوس	۰/۸۹	۰/۸۹	۰/۸۶	۱/۰۰	۰/۳۵	۰/۳۶	۰/۳۹	۰/۵۴	۰/۴۸	۰/۸۱	۰/۷۷	۰/۹۷	۰/۰۸	۰/۱۱	۰/۱۳
	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۸	۰/۳۹	۰/۲۱	۰/۲۱	۰/۰۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۲	۰/۶۲	۰/۶۷
بشرویه	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۴	۰/۰۰	۰/۱۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۱۳	۰/۳۶	۰/۱۵
	۰/۷۸	۰/۷۲	۰/۶۹	۰/۷۴	۰/۷۲	۰/۷۵	۰/۱۴	۰/۷۳	۰/۵۶	۰/۶۹	۰/۷۱	۰/۷۵	۰/۶۷	۰/۴۲	۰/۶۶
طبس	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۳	۰/۷۵	۰/۵۵	۰/۰۰	۰/۵۴	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۱	۰/۹۰	۰/۸۹	۰/۹۲
	۰/۷۸	۰/۷۲	۰/۶۹	۰/۷۴	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۳	۰/۰۰	۰/۶۹	۰/۷۱	۰/۶۷	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰

شهرستان	X۱۶	X۱۷	X۱۸	X۱۹	X۲۰	X۲۱	X۲۲	X۲۳	X۲۴	X۲۵	X۲۶	X۲۷	X۲۸	X۲۹	
بیرجند	۰/۱۱	۰/۲۵	۰/۱۲	۰/۱۹	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۲۰	۰/۱۹	۰/۱۷	۰/۰۶	
	۰/۶۳	۰/۵۵	۰/۵۷	۰/۵۶	۰/۴۱	۰/۵۲	۰/۳۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۶	۰/۵۵	۰/۵۶	۰/۶۲	۰/۶۷	
خوسف	۰/۰۰	۰/۰۴	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۱۳	۰/۱۸	۰/۱۴	۰/۰۵	
	۰/۷۱	۰/۷۲	۰/۷۰	۰/۷۳	۰/۴۱	۰/۵۲	۰/۳۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۶	۰/۶۳	۰/۶۰	۰/۶۵	۰/۶۸	
درمیان	۰/۰۶	۰/۱۰	۰/۰۶	۰/۰۰	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۳۲	۰/۲۹	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۲۸	۰/۳۳	۰/۲۸	۰/۰۲	
	۰/۶۶	۰/۶۷	۰/۶۴	۰/۷۳	۰/۳۲	۰/۳۴	۰/۲۴	۰/۵۲	۰/۵۵	۰/۴۴	۰/۴۶	۰/۲۶	۰/۴۸	۰/۷۰	
سرایان	۰/۰۸	۰/۱۰	۰/۱۳	۰/۱۵	۰/۳۰	۰/۳۱	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۳۷	۰/۴۳	۰/۳۵	۰/۵۴	
	۰/۶۴	۰/۶۷	۰/۵۷	۰/۶۰	۰/۴۱	۰/۳۴	۰/۳۶	۰/۴۳	۰/۴۱	۰/۳۸	۰/۳۵	۰/۰۱	۰/۳۹	۰/۲۲	
سربیشه	۰/۱۱	۰/۰۷	۰/۳۲	۰/۰۶	۰/۲۸	۰/۲۹	۰/۲۷	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۲۸	۰/۰۸	۰/۱۳	۰/۰۹	۰/۰۰	
	۰/۶۲	۰/۶۹	۰/۳۷	۰/۶۷	۰/۶۹	۰/۶۳	۰/۶۹	۰/۶۹	۰/۶۹	۰/۶۹	۰/۶۹	۰/۷۱	۰/۷۲	۰/۷۳	
قائنات	۰/۰۵	۰/۲۰	۰/۱۰	۰/۰۷	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۶	۰/۴۰	۰/۳۱	۰/۰۹	
	۰/۶۷	۰/۵۹	۰/۶۰	۰/۶۷	۰/۴۶	۰/۴۰	۰/۴۵	۰/۳۴	۰/۴۱	۰/۲۵	۰/۳۶	۰/۱۰	۰/۴۴	۰/۶۴	
زیرکوه	۰/۰۸	۰/۰۴	۰/۶۹	۰/۰۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۶	۰/۲۸	۰/۱۵	
	۰/۶۴	۰/۷۲	۰/۰۰	۰/۷۳	۰/۴۶	۰/۴۰	۰/۴۵	۰/۳۴	۰/۴۱	۰/۲۵	۰/۴۳	۰/۱۸	۰/۴۸	۰/۵۸	
نهبندان	۰/۰۸	۰/۱۰	۰/۲۰	۰/۰۹	۰/۲۸	۰/۲۸	۰/۲۸	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۱۱	۰/۲۰	۰/۱۱	۰/۰۱	
	۰/۶۴	۰/۶۷	۰/۴۹	۰/۶۵	۰/۶۴	۰/۶۹	۰/۶۱	۰/۳۴	۰/۴۱	۰/۳۲	۰/۶۵	۰/۵۴	۰/۶۹	۰/۷۱	
فردوس	۰/۱۳	۰/۱۱	۰/۳۷	۰/۴۱	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۶۸	۰/۴۴	۰/۶۶	۰/۱۷	
	۰/۶۱	۰/۶۶	۰/۳۲	۰/۳۸	۰/۴۶	۰/۴۰	۰/۴۵	۰/۰۹	۰/۱۴	۰/۱۳	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۵۷	
بشرویه	۰/۳۴	۰/۱۷	۰/۴۱	۰/۱۰	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۳۲	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۰۶	۰/۲۷	۰/۲۳	۰/۷۸	
	۰/۴۴	۰/۶۱	۰/۲۸	۰/۶۴	۰/۲۸	۰/۲۹	۰/۲۴	۰/۲۶	۰/۴۱	۰/۲۵	۰/۷۱	۰/۳۹	۰/۵۵	۰/۰۰	
طبس	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۱۴	۰/۸۶	۰/۳۴	۰/۳۳	۰/۳۴	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۳۲	۰/۱۸	۰/۱۷	۰/۲۶	۰/۱۷	
	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۵۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۵۷	۰/۶۱	۰/۵۱	۰/۵۷	

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶)

جدول۷) رتبه‌بندی شهرستان‌های استان خراسان جنوبی بر اساس میزان توسعه یافتگی

رتبه	شهرستان	Si	R	Qi
۱	فردوس	۷/۴۷	۰/۷۲	۰/۰۰
۲	قائنات	۱۴/۵۱	۰/۷۲	۰/۳۱
۳	بیرجند	۱۴/۳۵	۰/۷۳	۰/۳۹
۴	طبس	۸/۵۵	۰/۷۸	۰/۵۵
۵	بشرویه	۱۵/۰۹	۰/۷۸	۰/۸۴
۶	سرایان	۱۵/۱۲	۰/۷۸	۰/۸۴
۷	خوسف	۱۶/۰۲	۰/۷۸	۰/۸۸
۸	زیرکوه	۱۶/۳۱	۰/۷۸	۰/۸۹
۹	نهبندان	۱۷/۰۶	۰/۷۸	۰/۹۲
۱۰	درمیان	۱۷/۷۱	۰/۷۸	۰/۹۵
۱۱	سربیشه	۱۸/۷۶	۰/۷۸	۱/۰۰

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اگر چه پس از تأکید ویژه سازمان ملل متحد بر اهمیت نقش فرهنگ در توسعه (با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی به‌عنوان بنیان توسعه طی دهه ۱۹۸۶- ۱۹۹۶ میلادی و نام‌گذاری این دهه به‌عنوان دهه جهانی توسعه فرهنگی)، در کشور ما نیز نگاه‌ها به سمت مؤلفه‌های فرهنگی و اولویت دادن به توسعه فرهنگی معطوف گردید. اما چه سود که سیاست‌ها و عملکردهای تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران، نه تنها یک توسعه همگون فرهنگی در سطح کشور پدید نیاورد، بلکه منجر به خلق مناطق محروم و عدم تعادل در توسعه فرهنگی کشور گردید، تا جایی که هم‌چنان این شکاف رو به افزایش است و مادامی که برخی مناطق تحت شرایط خاصی هم‌چنان در حال رشد و ترقی به‌سر می‌برند، برخی دیگر با محرومیت دست به گریبان هستند. به‌عنوان نمونه استان‌هایی هم‌چون تهران، خراسان‌رضوی و اصفهان، به لحاظ بهره‌مندی از زیرساخت‌های خاص

سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و طبیعی در مقایسه با سایر استان‌ها، از نظر توسعه فرهنگی در حال رشد و در نقطه مقابل استان‌هایی هم‌چون کردستان، کرمانشاه، ایلام، هرمزگان، سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی به‌دلیل فاصله با مرکز و انزوای جغرافیایی از توسعه فرهنگی مطلوب به دور مانده‌اند. اگر چه علت این مسأله را باید در الگوهای رایج حاکم بر نظام برنامه‌ریزی کشور و به‌کارگیری الگوهای ناصحیح عاریتی و غیربومی جست‌وجو نمود، اما نکته قابل تأمل و حائز اهمیت، رسوخ این ناهمگونی و عدم توازن به داخل استان‌هاست که منجر به برهم خوردن تعادل در سطح استان و محرومیت برخی شهرستان‌ها گردیده است. در همین راستا، نتایج حاصل از بررسی مؤلفه‌های فرهنگی توسعه در استان خراسان جنوبی نیز از حاکمیت یک ساختار دوگانه حکایت می‌کند، به‌طوری که نتایج این بررسی، نشان از وجود یک شکاف عمیق منطقه‌ای در بهره‌مندی از خدمات فرهنگی توسعه در استان دارد که طی آن منجر به تمرکز خدمات و امکانات فرهنگی به‌صورت قطبی در برخی مناطق استان هم‌چون فردوس و قائنات گردیده است. از طرف دیگر، مادامی‌که تمرکز خدمات فرهنگی در برخی مناطق مسلط، زمینه توسعه یافتگی برخی شهرستان‌ها را فراهم نموده، از جهتی موجبات محرومیت و عقب‌ماندگی شهرستان‌های دیگری هم‌چون سربیشه، درمیان، نهبندان و زیرکوه را نیز فراهم آورده است. از این‌رو، تطبیق نتایج پژوهش با طبقه‌بندی رایج ضریب وایکور - که مناطق به ۳ سطح توسعه‌یافته با ضریب ۰/۳۳-۰، بینابین یا توسعه متوسط با ضریب ۰/۶۶-۰/۳۴ و محروم با ضریب بالاتر از ۰/۶۶ تقسیم می‌گردند (زارعی و رحمانیان کوشککی، ۱۳۹۴) - در راستای شناسایی سطح توسعه یافتگی مناطق نشان می‌دهند که قسمت اعظم استان خراسان جنوبی به لحاظ توسعه فرهنگی در محرومیت به‌سر می‌برند، به‌طوری که از ۱۱ شهرستان مورد مطالعه، تنها دو شهرستان فردوس و قائنات به لحاظ توسعه فرهنگی در سطح توسعه‌یافته جای گرفته است و از بین نه شهرستان باقی مانده، تنها دو شهرستان (بیرجند و طبس) در جرگه مناطق توسعه متوسط و ۷ شهرستان (بشرویه، سرایان، خوسف، زیرکوه، نهبندان، درمیان و سربیشه) در رده مناطق محروم از توسعه قرار داشته‌اند.

از منظر توسعه جغرافیایی و تعادل منطقه‌ای باید صراحتاً عنوان نمود که توسعه فرهنگی در استان خراسان جنوبی، نمونه مشهودی از به‌کارگیری برنامه‌ریزی بخشی و تأکید ویژه بر تمرکزگرایی در تخصیص منابع و امکانات فرهنگی در مناطق برخوردار است که به طرز بارزی، پراکندگی توسعه و نابرابری توسعه فرهنگی در استان خراسان جنوبی را به نمایش می‌گذارد. دلیل این امر را نیز باید در عدم سیاست‌گذاری‌های دقیق و اثربخش در حوزه توسعه فرهنگی و هم‌چنین اتخاذ طرح‌های توسعه بالا به پایین توسط متولیان امر جستجو نمود.

با توجه نقش انکارناپذیر حوزه‌های فرهنگی در تحقق توسعه پایدار ملی، ضمن تأکید بر ضرورت بازنگری در وضع موجود، جهت دستیابی به توسعه فرهنگی مطلوب در مناطق کمتر توسعه‌یافته و محروم استان خراسان جنوبی، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد:

- تهیه و تدوین سند جامع توسعه فرهنگی استان
- تشکیل کارگروه‌ها و کمیته‌های تخصصی جهت آسیب‌شناسی دقیق در حوزه توسعه فرهنگی استان
- تلاش برای ارتقاء سطح توسعه فرهنگی در استان بویژه در مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته (از طریق افزایش امکانات فرهنگی، تسهیل دسترسی به خدمات فرهنگی و گسترش هر چه بیشتر فعالیت‌های فرهنگی همانند برگزاری جشنواره‌ها، تأسیس واحدهای تئاتر، موسیقی، سینما، کتابخانه وکانون‌های پرورش فکری به‌خصوص در شهرستان‌های با توسعه متوسط و محروم)
- بهره‌گیری از ظرفیت بالای بخش خصوصی، جهت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فرهنگی استان
- تخصیص منابع و تأمین اعتبار به‌صورت ویژه جهت توسعه و ارتقاء شاخص‌های فرهنگی در شهرستان‌های استان، بویژه مناطق کمتر توسعه‌یافته و محروم
- برنامه‌ریزی جهت بالا بردن سطح توسعه فرهنگی در مناطق محروم استان با رویکرد گسترش برنامه‌های فرهنگی در شهرها و روستاها (از طریق به‌کارگیری نهادهای آموزشی، رسانه‌ها و فضاهای مجازی)

- توجه ویژه به ارزش‌های فرهنگی استان، بازسازی و حفظ خرده فرهنگ‌های شهرستان‌ها از طریق به‌کارگیری فرهنگ سنتی و بومی در تولید فعالیت‌های مختلف (از قبیل تئاتر، موسیقی، جشنواره‌ها و ...)

- انجام مطالعات و پژوهش‌های بیشتر و کاربردی‌تر در راستای تعیین ضعف‌ها و تهدیدهای توسعه فرهنگی در استان و مشخص نمودن راهبردهای توسعه فرهنگی.

منابع

- اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۷). *درآمدی بر نظریه فرهنگی*. مترجم حسن پویان. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بابایی‌فرد، اسدالله (۱۳۹۰). "توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران". *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال دهم، ش ۱۰ (بهار): ۷-۵۶.
- تقوایی، مسعود؛ قائدرحتمی، صفر (۱۳۸۵). "تحلیل شاخص‌های توسعه فرهنگی استان‌های کشور". *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، سال چهارم، ش ۷ (پاییز و زمستان): ۱۱۷- ۱۳۲.
- تقوایی، مسعود؛ نوروزی آوارگانی، اصغر (۱۳۸۶). "تحلیلی بر نحوه توزیع فضایی امکانات و خدمات روستایی و سطح‌بندی دهستان‌های استان چهارمحال و بختیاری". *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، سال بیست و چهارم، ش ۳ (پاییز): ۵۹-۷۴.
- توکلی‌مقدم، رضا؛ نجفی، اسماعیل؛ یزدانی، مهدی (۱۳۹۱). "انتخاب مدیر پروژه با به‌کارگیری یک رویکرد ترکیبی دلفی- وایکور فازی". *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت در ایران*، سال شانزدهم، ش ۴ (زمستان): ۱۹-۴۴.
- زارعی، یعقوب؛ رحمانیان‌کوشککی، مهدی (۱۳۹۴). "ارزیابی عملکرد نظام سلامت در تخصیص منابع بهداشتی، درمانی و تأمین اجتماعی، مطالعه موردی". *مدیریت اطلاعات سلامت*، سال دوازدهم، ش ۴ (مهر و آبان): ۵۰۶-۵۱۸.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی (۱۳۹۳). *سالنامه آماری*

استان خراسان جنوبی. بیرجند: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی، معاونت آمار و اطلاعات.

- ------ (۱۳۹۶). *مقایسه نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵*. بیرجند: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی، معاونت آمار و اطلاعات.
- سرایی، محمدحسین، و دیگران (۱۳۹۴). "سطح‌بندی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی". *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال پنجم، ش ۲۰ (زمستان): ۱۵-۲۸.
- صالحی امیری، رضا (۱۳۸۶). *مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی*. تهران: ققنوس.
- عبدی، مصطفی؛ کاوسی، اسماعیل (۱۳۹۳). "طراحی و ارائه الگوی سنجش توسعه فرهنگی در کشور ایران با استفاده از نظریه داده بنیاد". *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال هفتم، ش ۱ (زمستان): ۹۳-۱۱۰.
- کریم‌نژاد، جواد (۱۳۹۳). "ظرفیت رسانه‌های محلی در توسعه فرهنگی". [پیوسته] قابل دسترس در:
http://www.nasrnews.ir/News/tabid/243/ArticleID/26968 [۱۳۹۳/۱۰/ ۲۲].
- محمدی، جمال؛ ایزدی، ملیحه (۱۳۹۲). "تحلیلی بر سطح توسعه فرهنگی شهر اصفهان با استفاده از روش تحلیل‌عاملی". *فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، سال چهارم، ش ۱۶ (زمستان): ۸۹-۱۰۴.
- مسعودیان، سعدالله (۱۳۷۲). *سیری در مؤلفه‌های فرهنگی جهان*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز پژوهشی - کاربردی.
- ملکی، حسن؛ هاشیمان، فخرالسادات؛ آقامحمدی، جواد (۱۳۹۴). "راهبردهای توسعه فرهنگی از دیدگاه امام علی (ع)؛ ابعاد و مؤلّفه‌ها". *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، سال چهارم، ش ۲ (تابستان): ۹-۳۴.
- ملکی، سعید؛ مودت، الیاس (۱۳۹۵). "پهنه‌بندی بحران خشکسالی با نمایه‌های

TOPSIS, PNPI, SIAP (مطالعه موردی: شهرستان یزد)". *فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران*، دوره ششم، ش ۱ (بهار): ۵۹-۷۰.

- منتظرالحجه، مهدی؛ شریف‌نژاد، مجتبی؛ امیدی، افشین (۱۳۹۳). "ارزیابی میزان توسعه‌یافتگی فرهنگی شهرستان‌های استان یزد از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰". *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، سال سوم، ش ۲ (پاییز): ۱۶۷-۱۸۳.
- مهدوی، محمدصادق؛ وکیل‌ها، سارا (۱۳۹۴). "بررسی تأثیر توسعه فرهنگی زنان بر کارکردهای خانواده". *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال هفتم، ش ۲ (بهار): ۷۳-۸۴.
- مهری، بهار (۱۳۸۶). *مطالعات فرهنگی: اصول و مبانی*. تهران: سمت.
- واعظی، بهروز (۱۳۸۶). "آمایش فرهنگی و چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴". *ماهنامه مهندسی - فرهنگی*، سال اول، ش ۸ و ۹ (اردیبهشت): ۴۶-۵۰.
- وثوقی، منصور؛ آرام، هاشم؛ سلمانی، گودرز (۱۳۹۱). "بررسی موانع ساختاری در جهت شکل‌گیری و ارتقاء توسعه فرهنگی در ایران؛ چالش‌ها و راهکارها". *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال چهارم، ش ۳ (پاییز): ۸۱-۹۶.

- Chang, Chia Ling; Hsu, Chung-Hsin (2009). "Multi-Criteria analysis via the VIKOR method for prioritizing land-use restraint strategies in the Tseng-Wen reservoir watershed". *Journal of Environmental Management*, Vol. 90, No. 11: 3226-3230.

- Chen, Lisa Y.; Wang, Tien-Chin (2009). "Optimizing partner's choice in IS/IT out sourcing projects: the strategic decision of fuzzy VIKOR". *International Journal of Production Economics*, Vol. 120, No. 1: 232-242.

- Chu, Mei-Tai, et al. (2007). "Comparison among three analytical methods for knowledge communities group-decision analysis". *Expert Systems with Applications*, Vol. 33, No. 4: 1011–1024.

- Kong, Lily (2007). "Cultural Icons and urban Development in Asia: Economic Imperative, National Identify, and Global City Status". *Political*

Geography, Vol. 26, No. 4: 383-404.

- Malczewski, Jacek (1999). GIS and Multicriteria Decision Analysis. USA: John Wiley & Sons.

- Meng, Zhao; Wan-Hua, Qiu; Bei-Shang, Liu (2010). " Relative entropy evaluation method for multiple attribute decision making". *Control and decision,* Vol. 25, No. 7: 1100-1104.

- Mommas, Hans (2004). "Cultural Clusters and the post- industrial City: Towards the Remapping of Urban Cultural policy". *Urban Studies*, Vol. 41, No. 3: 507-532.

- Rao, Venkata (2008). "A decision making methodology for material selection using an improved compromise ranking method". *Materials and Design*, Vol. 29, No. 10: 1949-1954.

-Varbanova, Lidia (2007). "Our Creative Cities Online". In: The Creative City: Crossing Visions and New Realities in the Region.Compiler, N. Ed. Zagreb: Institute of International Relations: 9-18.

- Wei, Jingzhu; Xiangyi, Lin (2008). »The Multiple Attribute Decision- Making VIKOR Method and Its Application«.in: Wireless Communications, Networking and Mobile Computing. WICOM '08. 4th International Conference, Dalian, China:IEEE, 1–4.

- Xia, Hui-Cheng; et al. (2006). "Fuzzy LINMAP method for Multi-Attribute Decision Making under Fuzzy Environments". *Journal of Computer and System Scienc*e, Vol. 72, No. 4: 741-759.

معرفی، نقد و بررسی کتاب مکین الاساس فی احوال مولانا ابی‌الفضل العباس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۲۳

علی‌اکبر عباسی[۱]

چکیده

کتاب *مکین الاساس فی احوال مولانا ابی‌الفضل العباس* در زُمره آثار آیت‌الله محمدباقر بیرجندی است. موضوع این کتاب همان‌طور که از عنوانش پیداست راجع به زندگی و اقدامات حضرت اباالفضل است. مؤلف مطالب مربوط به زندگی قمر بنی هاشم را در شش مجلس به رشته تحریر درآورده است. در این مقاله تلاش شده است تا به روش توصیفی - تحلیلی مباحث این کتاب مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد. بر اساس یافته‌های این مقاله، کتاب *مکین الاساس* کتابی است که درباره زندگی حضرت عباس (قمر بنی هاشم) و برخی حوادث مهم صدر اسلام، مطالب و تحلیل‌های در خور توجهی دارد. نویسنده برخی از اخبار مربوط به حضرت ابالفضل را با دیدی انتقادی مورد کنکاش قرار داده است. با وجود این، در مواردی که کم هم نیست، مؤلف اخباری از کتب متأخر و مربوط به عهد قاجار را نیز نقل می‌کند، در حالی‌که تعدادی از گزارش‌هایش در این باره با آن‌چه در منابع متقدم آمده، در تضاد است و با شواهد و قرائن تاریخی هم سازگاری ندارد. پراکندگی بعضی موضوعات مطرح شده در کتاب و عدم انسجام مطالب آن، از دیگر ایرادات این کتاب محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: اباالفضل، کربلا، امام حسین (ع)، عاشورا، مکین الاساس، محمدباقر بیرجندی

---

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

Aa_abbasi_z@yahoo.com

مقدمه

واقعه قتل عام خاندان پیغمبر (ص) در کربلا به سال ۶۱ قمری حادثه‌ای بود که سراسر جهان اسلام را متأثر ساخت. خلیفه‌ای که خود را جانشین رسول خدا (ص) می‌دانست، خاندان آن حضرت را به طرز فجیعی قتل عام نمود. هنوز پنجاه سال از وفات پیامبر نمی‌گذشت که این فاجعه رخ داد. از همان ابتدا اذهان عموم مسلمانان نسبت به این رخداد حساس بود و روایات و گزارش‌های آنان ابتدا به‌صورت شفاهی حفظ می‌شد. این اخبار و روایات کمی بعد در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم به شکل مکتوب درآمد. معمولاً عنوان کتاب‌هایی که به "واقعه طف[۱]" و قتل عام خاندان رسول اکرم (ص) می‌پرداختند، "مقتل‌الحسین" نام داشت. کتب مقاتل عمدتاً به شرح حال، مقدمات و چگونگی شهادت امام حسین (ع) و یارانش پرداخته‌اند و درباره حضرت ابالفضل به صورت مستقل کتابی در این حد و اندازه و با پرداختن به همه زوایای زندگی ابالفضل تألیف نشده است و برخی کتاب‌ها در این زمینه هم بسیار جدید و تا حدی متأثر از مکین الاساس هستند. در کتاب‌هایی که با نام مقاتل تدوین شده‌اند، بخش مربوط به مقتل عباس بن علی (ع) بسیار مختصر است. از جمله مقاتل متقدم از این نوع می‌توان به مقاتل الطالبیین ابوالفرج علی بن حسین اصفهانی در قرن چهارم هجری اشاره کرد که تنها یک صفحه و نیم از کتابش را به ابوالفضل اختصاص داده است. کتاب‌های مقتل عهد قاجار بسیار زیادند[۲] ولی کمتر به این تفصیل به زندگی و شهادت حضرت ابوالفضل پرداخته‌اند. از جمله کتاب‌هایی که در دوره مذکور نوشته شده و به‌طور مستقل به حضرت ابالفضل پرداخته، کتاب "مکین الاساس فی احوال مولانا ابی‌الفضل العباس" است. در این مقاله سعی شده است ضمن معرفی کتاب و مؤلف، به ارزیابی بخش‌های مختلف آن پرداخته شود.

---

۱. واقعه قتل عام امام حسین (ع) و خاندان رسول‌الله (ص) در محرم ۶۱ هجری قمری در تاریخ به واقعه طف معروف و مشهور شده است و حتی در این مورد اشعاری هم سروده شده است (برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق.، ج۳: ۱۹۹؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق.، ج۱: ۳۹۴).

۲. نام بسیاری از این مقاتل توسط استاد رسول جعفریان در کتاب حیات فکری و سیاسی امامان شیعه گردآوری و ذکر شده‌اند.

معرفی مؤلف

ابوالحسن محمدباقر بن محمدحسن بن اسدالله در ربیع الاول ۱۲۷۶ قمری (همزمان با اوایل حکومت ناصرالدین شاه) در روستای گازار از توابع قاینات به‌دنیا آمد. در دایره‌المعارف‌ها و کتب شرح حال، کنیه ابوالحسن برای وی ذکر شده است (عباسی، ۱۳۹۲: ۱۰۱). سال وفات وی در زندگینامه‌ی وی در دایره‌المعارف‌ها ۱۳۵۲ قمری، معادل ۱۳۱۲ شمسی ذکر شده است (تهرانی، ۱۴۰۳: ج ۲۲، ۱۸۳[۱]؛ آیتی، ۱۳۷۱: ۳۱۸).

وی از جانب پدر به علی‌محمد شریف علوی فاطمی معروف به اشرف‌الشرفاء (یکی از علمای آخر دوره صفوی) می‌رسید. از طرف مادر هم به یکی از علمای بزرگ آخر عهد صفوی به نام ملامحمدباقر بن مسعود علی شیرخندی می‌رسید. شیرخندی اهل روستای شیرخند از توابع بخش زهان و معاصر علامه مجلسی (متوفی ۱۱۱۰ق.) بوده است. فرزند مؤلف یعنی حاج شیخ محمدحسین آیتی از جد مادری‌اش ملامحمدباقر شیرخندی در کتاب بهارستان یاد کرده و می‌نویسد وی معاصر اواخر دوره صفوی و دوره نادرشاه افشار بوده است. آیتی در ادامه می‌نویسد شیرخندی کتابخانه‌ای داشته که با یورش افغان‌های ابدالی [که باعث سقوط صفویه شدند] این کتابخانه غارت و بخشی از آن نیز سوخته شده است (آیتی، ۱۳۷۱: ۲۵۳) چند جلدی از کتاب‌های آن کتابخانه باقی مانده و در دوره‌های بعد مورد استفاده افرادی از ذریه‌ی شیرخندی بوده به‌طوری که مؤلف بهارستان می‌گوید: «... چند مجلدی در دست والد ماجدم که از جانب مادر از احفاد آن جناب است باقی است و جزو کتابخانه ایشان است...» (آیتی، ۱۳۷۱: ۲۵۳؛ عباسی، ۱۳۹۲: ۱۰۱). در مجموع مؤلف مکین‌الاساس در خانواده‌ای صاحب فضل به‌دنیا آمده و حتی از فرزندان و نوادگانش هم شخصیت‌های علمی مهمی برخاسته‌اند.

محمدباقر تحصیلات ابتدایی را نزد پدر و دو برادر بزرگترش خوانده و برای ادامه تحصیلات ابتدا به قاین و سپس به مشهد رفته است. تحصیل علوم دینی به‌صورت جدی

---

۱. با توجه به این‌که محمدباقر بیرجندی شاگرد آیه الله میرزای اول شیرازی بوده، شرح حالش در کتاب الذریعه آقا بزرگ در ذیل شرح زندگی شاگردان میرزای شیرازی آمده، ولی جداگانه شرح زندگی محمدباقر بیرجندی، در معرفی برخی آثارش در کتاب الذریعه جداگانه ذکر شده است.

توسط وی در مدرسه میرزاجعفر مشهد بوده است. تعلق خاطر وی به فقه و اصول چنان بوده که به همین دلیل، به عالمی اصولی معروف و مشهور شده است. وی در سال ۱۲۹۶ قمری برای تکمیل تحصیلات به نجف اشرف رفته و درس خارج اصول را نزد میرزا حبیب‌الله رشتی فراگرفته است. اساتید وی در رشته‌های مختلف در زندگی‌نامه او در کتاب فرزندش (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۰۵-۳۱۸) و هم در مقدمه مصحح کتاب مکین الاساس آمده است (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۲). مهمترین استاد وی آیه الله میرزای اول شیرازی بوده است که خود مؤلف بدان تصریح کرده است (همان: ۱۳).

آثار مؤلف

آثار مؤلف در رشته‌های قرائت، تجوید، فقه، اصول، رجال، درایه، کلام، عقاید، تاریخ اسلام، انساب و تفسیر بوده که نشان از مطالعات بالا و اطلاعات نسبتاً وسیع وی را دارد. شروع تألیفات وی در دوران جوانی و در هنگام اقامت وی در نجف اشرف بوده است. مؤلف با توصیه استادش آیه الله میرزای اول شیرازی کار تألیف و نویسندگی را آغاز کرده و تا پایان عمر ۶۷ اثر را نگاشته است. در میان آثار وی، کتاب رجال قاین، دربردارنده‌ی اطلاعات درخور توجهی پیرامون آثار و احوال مفاخر خراسان جنوبی می‌باشد که مورد استفاده فرزندش در کتاب بهارستان بوده است. در میان آثار کلامی وی، کتابی با عنوان "*لب الخطاب فی رد شبهات اهل الکتاب*" موجود است که هدف از نگارش آن، رد شبهات اهل کتاب بوده است. وی هم‌چنین در انکار نظرات برخی مؤلفان غیرشیعی درباره حضرت مهدی (عج)، کتاب "*الصمصام المهدوی فی رد خان ملاخان هروی*" را نوشت. برخی از آثار او نیز شرح و یا حاشیه‌نویسی بر کتب علمای شاخص متقدم می‌باشد. پاره‌ای از آثار وی، مشتمل بر مضامین ادبی و دینی است. برای نمونه، وی مضامین حدیث کسا را به شعر سروده است. در کتاب *الذریعه* شیخ آقابزرگ تهرانی به آثار این عالم معظم اشاره شده است.

گرایش‌های سیاسی و مذهبی مؤلف

با توجه به نقش و جایگاه دولت صفوی در گسترش تشیع در ایران و حمایت از علماء و بزرگان اثنی عشری، تمایل به سلسله صفوی و دولتمردان آن از عبارت‌های مؤلف برای آن خاندان در سرتاسر کتاب مشهود است. وی برای سلاطین صفوی عبارت «رحمه الله علیهم و علیهم اجمعین» (همان: ۲۷۵) را به‌کار می‌برد. وی برای شاه سلیمان صفوی نیز واژه "اعلیحضرت" را به‌کار برده است (همان: ۱۸۳).

محمدباقر بیرجندی درباره دلیل نامگذاری یکی از برادران تنی اباالفضل توسط امام علی (ع) به نام عثمان، می‌نویسد امام علی به احترام عثمان بن مظعون اسم یکی از فرزندانش را عثمان گذاشت عین عبارت مولف چنین است : «عثمان اکبر به اسم عثمان بن مظعون که از کبار عباد صحابه بود ...» (همان: ۵۰). مؤلف کتاب مکین الاساس برای توجیه این که چرا امام علی (ع) نام فرزندش را عثمان گذاشته، گمان خویش را مطرح کرده که بیش از آن که بر اساس منابع معتبر و بیان شواهد و قرائن درست باشد، نشان دهنده گرایش‌های مذهبی قوی امامی اوست و دیدگاه مرحوم محمدباقر بیرجندی در این‌باره درست به نظر نمی‌رسد و ممکن است دلیل این نامگذاری، در نظر گرفتن این اسم بدون توجه به شخصیت‌های دیگر و مطرحی که در بین مسلمانان بودند، صورت گرفته باشد. چنان‌که نام عمر هم بر یکی از پسران آن حضرت اطلاق شد و ابوبکر هم نام یکی از فرزندان امام حسن (ع) بود. مؤلف در جای‌جای کتاب، اصطلاحات و عبارات تندی را درباره خلفای اموی بویژه معاویه و یزید به‌کار می‌برد (همان: ۴۱، ۴۲، ۶۳، ۸۸، ۱۲۹، ۲۲۸، ۲۵۰).

مصحح کتاب

مصحح کتاب علیرضا اباذری پس از توضیحات مختصر درباره کتاب‌هایی که با نام مقتل الحسین نوشته شده، درباره روش تصحیح کتاب توضیحاتی را ارائه داده است. تقریباً تمام نسخ این کتاب در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم موجود و ثبت

است.[۱] ظاهراً غیر از نسخ موجود در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، در سایر کتابخانه‌ها و مراکز اسناد از این کتاب نسخه‌ای در دست نیست و مصحح محترم، به تعداد نسخ و شیوه تصحیح و خصوصیات نسخ اشاره‌ای نکرده است. در مقدمه مصحح آمده است که مکین الاساس در واقع کتاب مستقلی بوده و نسخه‌هایی دال بر مستقل بودن آن هم موجود می‌باشد. مؤلف به‌دلیل نوع مباحث کتاب و کاربرد مطالب آن برای منبر، آن را به کتاب کبریت الاحمر اضافه نموده و همین امر، یکی از دلایل گمنامی کتاب است. مصحح کتاب برای انجام این تصحیح زحمت زیادی کشیده و به منابع متعددی مراجعه نموده و تحشیه‌های مناسبی را در پاورقی‌ها مطرح کرده است. بعضی از این تحشیه‌ها اطلاعات بسیار سودمندی را در اختیار خواننده کتاب قرار می‌دهد. مثل بحث عالمانه وی با استناد به منابع و نظرات علماء و بزرگان درباره محل دفن حضرت زینب جالب است. در مواردی نیز مصحح اختلاف روایات درباره بحث مورد نظر مؤلف را در پاورقی توضیح داده است (همان: ۴۹). از آن‌جا که مصحح با علامت خاصی تحشیه‌ها و تعلیقات خودش را مشخص نکرده است، در مواردی مرز دقیق کلام مؤلف و مصحح مشخص نمی‌باشد. از طرفی، اشارات مصحح در مقدمه پیرامون مقتل‌های متقدم کافی نیست و نیازمند شرح و بسط بیشتری می‌باشد.

معرفی کتاب

کتاب مکین الاساس فی احوال مولانا ابی‌الفضل العباس در شش مجلس نوشته شده است. مؤلف عناوین کتاب را شاید با الگوگیری از کتاب "روضه الواعظین" فتال نیشابوری (متوفی ۵۰۸ ق.) و کتب مشابه برگزیده است. بعد از مقدمه مصحح و شرح زندگی مؤلف توسط مصحح، متن مجلس اول آغاز می‌شود.

عنوان مجلس اول، شرح حال حضرت ابالفضل است. در این فصل، مؤلف تأکید دارد که محبت نسبت به اهل بیت (ع) شامل حال ابی‌الفضل هم می‌شود و از تفاسیر سنی و شیعه ادله‌ای کلی و نه مصداقی را ذکر نموده است. در این زمینه، بویژه از تفسیر

۱. شماره ثبت نسخ خطی مکین الاساس در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم، ۳۴۱۷۸/۱.

زمخشری[۱] و تفسیر فخر رازی[۲] یاد کرده و به نقل از فخر رازی در تفسیر آیه مودت می‌نویسد: «حصول مودت در حق اشراف مسلمین و اکابر ایشان اولی است، یعنی این عبادتی است که خداوند به آن امتحان فرموده مؤمنین را» (همان: ۲۴).

مجلس دوم به ذکر نسب و اشاره به خواهران و اولاد حضرت ابوالفضل اختصاص دارد. در این فصل، مؤلف از نسب مادر ابوالفضل و دلیل معروف شدن ایشان به ام‌البنین و این‌که آیا او نخستین همسر امیرالمؤمنین (ع) پس از رحلت حضرت زهرا (س) بوده یا نه، مباحثی را مطرح کرده است. در این زمینه، وی به شیوه‌ای انتقادی و مستند بحث می‌کند. «در بعضی کتب ... آورده‌اند که ام‌البنین اول زنی بود که بعد از وفات حضرت صدیقه، امیرالمؤمنین (ع) به عقد خود درآورد و آن را در تذکره الخواتین[۳] نیز حکایت کرده و آن بعید است با وصیت فاطمه، تزویج امامه بنت زینب ...» (همان: ۵۰). اواخر فصل هم درباره‌ی اولاد ابالفضل و مقام و جایگاه آنان در بین یاران ائمه (ع) و شأن علمی آنان اشاراتی شده است. به‌عنوان نمونه، از علی بن حسین علوی عباسی یاد می‌کند که از اصحاب امام هادی و امام عسکری بوده است و شیخ صدوق روایاتی از زبان امامان دهم و یازدهم به نقل وی ذکر کرده است (همان: ۶۷).

در مجلس سوم کتاب، مباحثی پیرامون اسم، کنیه، القاب و مناقب حضرت ابوالفضل آمده است. وی در آغاز این فصل، ضمن تشریح دلایل انتخاب نام عباس برای آن حضرت می‌نویسد: «... نامیدن ابالفضل را به عباس، برای شدت و شجاعت اوست» (همان: ۷۷). آنگاه در ادامه به نقل از منتهی الارب[۴] در باب این نامگذاری اظهار داشته که سبب آن صولت و شجاعت و عبوست او در قبال خصم بوده است (همانجا). در ادامه این

۱. جارالله زمخشری (متوفی ۵۳۸) مفسر خراسانی الاصل قرآن کریم و صاحب کتاب تفسیر کشاف که به اختصار از آن تحت عنوان تفسیر زمخشری یاد می‌شود.
۲. تفسیر کبیر یا مفاتیح الغیب از معروفترین تفاسیر قرآن که توسط فخر رازی (متوفی ۶۰۶) تألیف شده است.
۳. تذکره الخواتین تألیف محمد بن محمد رفیع ملقب به ملک الکتاب شیرازی مشتمل بر شرح احوال و آثار مشاهیر زنان مسلمان از صدر اسلام تا ابتدای سده چهارده می‌باشد.
۴. نام کامل این کتاب عبارتست از منتهی الارب فی لغه العرب. منتهی الارب جامع‌ترین فرهنگ لغت عربی به فارسی محسوب می‌شود و مؤلف آن عبدالرحیم بن عبدالکریم صفی پوری شیرازی است.

مبحث، نویسنده با استناد به *روضه الشهداء*[۱] و کتاب *منتخب طریحی*[۲]، از شرکت حضرت ابوالفضل (ع) در میادین جنگ و مبارزه‌ی وی با شجاعان عرب سخن گفته است. وی در توصیف شجاعت حضرت ابوالفضل از بیانات صاحب روضه الشهداء کمک گرفته و عباس را مبارزی نامدار و شجاعی به غایت عالی‌مقدار خوانده که جرأت و قوت حیدر کرار را به ارث برده بود (همان: ۷۸). در این فصل، مؤلف با نگاهی انتقادی به دروغ‌هایی که برخی بی‌دینان درباره‌ی حضرت جعل نموده‌اند، اشاره کرده است. برای نمونه، وی این مطلب را که حضرت ابالفضل در جنگ صفین اصحاب معاویه را به هوا بلند می‌کرد و تا وقتی که پایین می‌آمد، شمشیر بر کمر آنها می‌زد و آنها را به دو نیم می‌کرد را کذب دانسته است (همان: ۷۹). وی برای نشان دادن جعلی بودن خبر مذکور، به شواهد تاریخی و سن حضرت استناد جسته و تلاش می‌کند کذب خبر را بر خواننده آشکار نماید. در همین فصل، مؤلف به انتقاد از بعضی روایت‌های اکسیرالعبادات[۳] در مورد تعداد کشته شدگان دشمن به دست حضرت ابوالفضل (ع) پرداخته و پاره‌ای اشتباهات را یادآوری نموده است (همان: ۸۸).

عنوان مجلس چهارم "در ذکر اخبار فضل حضرت ابالفضل" است. فضائل حضرت ابالفضل و دلایل برتری ایشان و مناقب بالای آن جناب، در این فصل مفصل بیان شده است. کرامات آن حضرت و سزای کسی که به عباس بن علی ناسزا گوید و مطرح کردن برخی از کرامات قمر بنی هاشم و عذاب قاتلان اباالفضل هم از مباحث دیگر این فصل است.

مجلس پنجم به "محل دفن حضرت ابوالفضل" اختصاص یافته است. در این فصل، به معنا و وجه تسمیه لغت غاضره پرداخته شده و حدود حرم مطهر امام حسین (ع) و به محل دفن سایر شهدای کربلا اشاره شده است. ثواب زیارت حضرت ابالفضل و مقایسه

---

۱. کتاب روضه الشهداء اثر ملاحسین واعظ کاشفی (متوفی ۹۱۰) کتابی تأثیرگذار بر مقتل نگاری ایران از قرن دهم هجری به بعد محسوب می‌شود.

۲. المنتخب فی جمع المراثی و الخطب مشهور به فخری و منتخب طریحی تألیف فخرالدین طریحی که مطالب مربوط به اهل بیت را گردآورده و بخش عمده آن مربوط به امام حسین (ع) است.

۳. این کتاب تألیف فاضل دربندی در عهد قاجار بوده و با نام‌های اکسیرالعبادات فی اسرار الشهادات و هم‌چنین اسرارالشهاده از آن یاد می‌شود مؤلف هم در سرتاسر کتاب با همین نام‌ها از آن یاد کرده و روایاتش را نقد نموده است.

ثواب زیارت آن حضرت با بزرگانی مثل حضرت عبدالعظیم و سلمان فارسی و هم‌چنین ثواب زیارت اولیاء الهی و بیان دیدگاه وهابیت بر ضد آن و اقدام آنها در حمله به حرم امام حسین (ع)، در این بخش جای گرفته است. البته مباحثی از قبیل برخی کرامات امیرالمؤمنین (ع) و حکم زیارت و دعا در زیارتگاه‌های مشکوک و امامزادگان نامعتبر و بسیاری بحث‌های متفرقه دیگر هم در این فصل آمده است.

آخرین مجلس که آخرین فصل کتاب است، تحت عنوان "در فضائل کربلا" می‌باشد. این فصل، صفحات ۲۲۱ تا ۲۹۳ کتاب را در بر می‌گیرد و به نسبت مباحث متنوع و گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد. در ابتدا بر اساس روایتی می‌نویسد که کربلا محل تولد حضرت عیسی (ع) است و در صفحات دیگر آمده است که آدم (ع) در کربلا بی‌دلیل زخمی شد و علتش را از پروردگار پرسید. مؤلف از فضیلت زمین کربلا و اهمیت خاک آن و فضیلت سجده بر تربت امام حسین (ع)، در صفحات زیادی از این فصل سخن گفته است. وجه تسمیه کربلا، غاضریه[1] و کوفه، بخشی از این فصل را تشکیل می‌دهد. حتی پیش‌گویی‌هایی از امیرالمؤمنین (ع) درباره فتح بغداد توسط هلاکو، در این فصل مطرح شده است. درباره نینوا هم – البته به عربی – در این فصل، توضیحاتی ارائه داده که نزدیک کربلا بوده است. سرچشمه فرات و دجله، بحث آب فرات و بستن آب آن رود بر امام حسین (ع) و یارانش و حوادثی که در این رابطه رخ داده، ازجمله مباحثی است که در این فصل مجال طرح پیدا کرده است.

تحلیل‌های تازه و خلاقیت‌های مؤلف

مؤلف موضوعاتی را مورد توجه قرار داده که سایر نویسندگان کمتر بدان توجه کرده‌اند و از این حیث، مزیتی بر بسیاری از کتبی که موضوع‌شان تکراری است، دارد. برخی تحلیل‌های مؤلف هم در نوع خودش جالب توجه و ابتکاری است و شَمّ خلاقیتی این مؤلف را نشان می‌دهد. به‌عنوان نمونه، وی درباره سخنان بحیرای راهب به ابوطالب، در زمانی که پیامبر (ص) در کاروانی که با عمویش به سمت شام می‌رفتند، چنین نوشته

۱. غاضریه نام دیگر سرزمین کربلا است، اما در اصل روستایی در نواحی کوفه و نزدیک به کربلا و محل سکونت قبیله بنی‌اسد بود.

است: «... محمد را برگردان که دشمنان او این جا بسیارند از اهل کتاب و او آن حضرت را برگردانید و ابوبکر و بلال را با او همراه کرد و بطلان و وضع این حدیث ظاهر است ... چه آن حضرت، در آن وقت نه ساله بود و ابوبکر دو سال از آن حضرت کوچکتر بود و بلال را به اتفاق فریقین بعد از بعثت خرید و آزاد کرد (همان: ۷۲). اگر چه این تحلیل را چنان‌که خود مؤلف هم اشاره کرده، در کتاب عبقات‌الانوار[۱] هم اشاره شده، ولی کمتر در بین فضلا بحث آن مطرح بوده و برخی محققین بعدها در ضمن تحقیقات و تحلیل‌هایشان در رد واقعی بودن دیدار راهب با ابوطالب، از آن یاد کرده‌اند (زرگری نژاد، ۱۳۷۸: ۱۸۸-۱۸۹) و تحلیل‌های مؤلف مکین الاساس مقدم بر بسیاری از آنان است.

بررسی انتقادی برخی اخبار، روایات و گزارش‌های تاریخی

انتقاد از مؤلفین و مصنفین قرون قبل بدون توجه به شهرت و محبوبیت آنان، از نکات ارزنده کتاب مکین الاساس می‌باشد. مؤلف از بسیاری از بزرگان، ضمن بزرگداشت و رعایت احترام آنها، آرایشان را که مبتنی بر دلایل عقلی و شواهد نقلی نمی‌داند را به نقد کشیده است. این شیوه علمای اصولی است و به نظر می‌رسد مؤلف تحت تأثیر آیه الله میرزای اول شیرازی این انتقادهای علمی را مطرح می‌کند. در همین راستا، مؤلف نظر برخی مؤلفین مثل نویسنده کتاب "*تذکره الخواتین*" را که می‌نویسد ام‌البنین نخستین همسر امام علی (ع) پس از وفات حضرت زهرا (س) بود را رد کرده و می‌نویسد: «با وصیت حضرت زهرا نخستین زنی را که امیرالمؤمنین (ع) عقد کرد و با وی ازدواج نمود، امامه دختر زینب بود» (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۵۰). زینب دختر رسول خدا (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲ق.: ج۴، ۱۷۰۲) و به قولی نیز دختر خواهر حضرت خدیجه و بزرگ شده در خانه پیغمبر بود (مرتضی عاملی، ۱۳۸۸: ۲۲۳). وی ابتدا با این که حامله شده بود، به‌واسطه رعب و وحشتی که قریش برایش به‌وجود آوردند، جنینش سقط شد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق.: ج۴، ۱۸۵۴)، ولی بعداً از ابوالعاص صاحب دختری شد که وی را امامه نام نهاد (بلاذری، ۱۴۱۷ق.: ج۱، ۴۰۰). اکثر منابع به ازدواج امام علی (ع) با امامه بعد از رحلت

۱. عبقات الانوار با نام کامل عبقات الانوار فی مناقب الائمه الاطهار یکی از مفصل‌ترین کتابهای عقیدتی شیعه نوشته میرحامد حسین عالم قرن ۱۳ و ۱۴ هجری است معنای نام این کتاب شکوفه‌های خوشبو است.

حضرت زهرا (س) تصریح کرده‌اند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق.: ج۴، ۱۷۸۹؛ ابن اثیرالجزری، ۱۴۰۹: ج۴، ۴۷۳؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق.: ج۸، ۱۵۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق.: ج۱، ۴۰۰) و نظر محمدباقر بیرجندی در رد دیدگاه نویسنده تذکره الخواتین، کاملاً صحیح و منطقی به نظر می‌رسد.

در برخی از موارد، این انتقادها از افرادی است که مؤلف به لحاظ علمی و اعتقادی احترام زیادی برایشان قائل است. به عنوان نمونه، وی دیدگاه شیخ مفید را درباره این که علی‌اکبر کشته شده در کربلا، فرزند امام حسین نبوده و شخص دیگری از قبیله ثقیف بوده و این که امام زین‌العابدین همان علی‌اکبر بوده‌اند را رد می‌کند. او برای توضیح بیشتر می‌نویسد: «امام علی (ع) هم در بین برادران‌شان، کوچک‌ترین بوده‌اند و امام سجاد هم می‌توانند بزرگ‌ترین برادر نباشند» (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۵۱). مؤلف درباره این‌که شیخ مفید نام یکی از کشته شده‌های لشکر مصعب را جزو شهداء کربلا آورده و در مقتلش ذکر کرده، سخنان انتقادی را ذکر کرده است. برخی دیدگاه‌های افراطی مبنی بر این‌که حضرت امیرالمؤمنین (ع) هیچ‌گاه در غزوات کوچک‌ترین زخمی بر نداشتند را با استناد به اثر شیخ مفید، رد می‌کند و تعابیر او در تمجید از این عالم شیعی، با وجود انتقاد از برخی آراء وی، قابل توجه است. با توجه به این‌که مؤلف شاگرد آیه الله میرزای اول شیرازی و یک عالم اصولی تمام عیار بوده، معمولاً با استناد به منابع متقدم و بیشتر از آن با بررسی شواهد و قرائن از مقتل‌نویسان و دیگران انتقاد می‌کند و در بررسی روایات، اگر به لحاظ سندی، مشکلی می‌بینند، عیان می‌کند و در بررسی قرائن هم، نقد کتب گذشتگان و حتی بزرگان نیز مدنظر وی بوده است. در مواردی هم اختلاف نظر دو تن از نویسندگان را بررسی و با غور در گزارش‌شان یکی را بر دیگری ترجیح می‌دهد چنان‌که دو اشتباه شیخ مفید را از دیدگاه ابن ادریس[1] پسندیده و نظر ابن ادریس را اولی دانسته است (همان: ۵۱-۵۲).

۱. ابن ادریس حلی از علمای شیعی قرن ششم هجری بود که در ترویج تفکر شیعی در جهان اسلام مؤثر بود و به خصوص در زمینه تفکر انتقادی معروف و مشهور است. ر.ک: عباسی، علی اکبر. تاریخ جامع دولت های شیعه، ص ۱۱۴

مؤلف به روایتی که در آن آمده است که حضرت علی (ع)، زینب و ابوالفضل را بر روی دو زانوی خود نشانده‌اند، با توجه به تفاوت سنی آن دو بزرگوار، رد کرده است و می‌نویسد: «تولد ابالفضل در سال بیست و پنجم بوده و از این راه اشکال وارد می‌آید» (همان: ۵۶). البته احتمال‌هایی که این خبر با توجیه‌هایی صحیح هم باشد را ذکر کرده است. مؤلف در سندیت برخی امام‌زاده‌ها تردید نموده، از جمله امام‌زاده واقع در آفریز قاین را زیدالنار نمی‌داند و به‌درستی تأکید می‌کند که منابع متقدم مثل عیون اخبارالرضا، وفات زید را در سامراء نوشته‌اند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج۲، ۲۵۹). برخی اخبار مجعول درباره حادثه کربلا مثل مجرد بودن علی‌اکبر و دامادی قاسم را مطرح و با مطرح کردن تضاد آن با کتاب *کافی کلینی* و *بحارالانوار* علامه مجلسی، آن را رد کرده است. مؤلف برخی مطالب مقتل *اکسیرالعبادات فی اسرارالشهادات* [۱] را به سختی رد نموده است. مؤلف اکسیر العباده می‌نویسد: «ابوالفضل از اشرار بیست و پنج هزار کشت، غیر از مجروحین» (دربندی، بی‌تا: ج۳: ۴۰) و سایر شهداء از بنی هاشم، جمعاً بیست و پنج هزار نفر را کشتند. مؤلف مکین الاساس خبر اسب دوانیدن بر بدن مطهر امام حسین (ع) را هم درست نمی‌داند و آن را قبول نمی‌کند (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۲۸۱).

معایب کتاب

در ارزیابی کتاب، معمولاً بخشی به ایرادها و اشکال‌های کتاب اختصاص داده می‌شود. این ایرادها - کلی، جزئی و یا حتی ذائقه‌ای می‌تواند باشد و ایرادهای یک اثر، دلیل بر کم‌ارزش بودن آن نیست. هر کتاب ارزشمندی هم می‌تواند در بوته نقد قرار گیرد و معایبی داشته باشد، البته ایرادهای ساختاری اگر در کتاب مورد نقد، وجود داشته باشد – می‌تواند ارزش کتاب را کم کند. کتاب مکین الاساس دارای برخی ایرادهای ساختاری و بیشتر از آن، ایرادهای شکلی دارد و در زیر به نمونه‌هایی از این ایرادها اشاره‌ای می‌شود.

۱. از این کتاب تحت عنوان اسرارالشهاده و اکسیر العباده هم یاد می‌شود و مؤلف مکین‌الاساس هم در جای جای کتابش هر سه نام را برای این کتاب ذکر کرده است.

ذکر مباحث نامربوط با عنوان کتاب

یکی از نکات قابل توجه در کتاب *مکین الاساس* مطرح شدن مباحث نامرتبط با عنوان کتاب است. موضوع کتاب درباره زندگی و شهادت حضرت ابوالفضل العباس است، ولی مؤلف در جای‌جای کتاب به مناسبت و یا بی مناسبت به مباحثی می‌پردازد که ربطی به عباس بن علی ندارد، ازجمله این نوع گزارش‌ها، می‌توان به مطالب زیر اشاره نمود:

شرح حال ابوالقاسم کوفی (همان: ۵۴)، ذکر سقط جنین حضرت زهرا (س) (همان: ۵۵)، زیان دانشمندان بدسیرت از دیدگاه امام حسن عسکری (ع) (همان: ۱۰۷-۱۰۸)، معرفت امام از دیدگاه امام صادق (ع) (همان: ۱۰۸) شباهت بین احکام اسلام و احکام یهود (همان: ۱۰۸-۱۰۹)، بحث از نفس اماره، نفس لوامه و نفس مطمئنه (همان: ۱۰۹-۱۱۲)، درخت پابرجا (همان: ۱۱۳-۱۱۴)، حالات قلب (همان: ۱۱۷-۱۱۸)، بحث‌هایی درباره امام رضا (ع) (همان: ۱۷۳-۱۷۴)، بحث از زید بن علی و فرزندش یحیی (همان: ۱۸۷-۱۸۹)، سرگذشت عبدالله فرزند امام باقر (ع) و سرگذشت عبدالله محض (همان: ۱۹۲-۱۹۴) و آل بویه و ترویج مذهب تشیع (همان: ۲۷۵-۲۷۶).

استفاده از منابع نامعتبر متأخر به‌جای استفاده از منابع معتبر متقدم

در مواردی مؤلف درباره مقتل ابالفضل از منابعی استفاده می‌کند که بسیار متأخر هستند و از زمان رخداد واقعه کربلا در سال ۶۱ هجری بسیار فاصله دارند و مطالب‌شان هم با اطلاعات مأخوذ از منابع متقدم موثق، متفاوت است. از جمله این نوع منابع متأخر می‌توان از روضه الشهداء کاشفی یاد کرد که به‌وفور مورد استفاده مؤلف واقع شده است و یا به‌جای استفاده از روایات واقعی ابی‌مخنف، از روایات منسوب به ابی‌مخنف در بحارالانوار بهره برده که صحیح نیست. عجیب‌تر این‌که مؤلف با این‌که در مواردی از کتاب اکسیرالعباده انتقاد می‌کند، به‌وفور مطابش درباره ابوالفضل را مورد استفاده قرار داده و در کتاب خویش آورده است و از این مؤلف تمجید و تعریف بسیاری کرده است (همان: ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۵۲، ۲۸۱).

با این که مؤلف اکسیرالعباده (انوارالشهاده) معمولاً عنوان نمی‌کند مطالبش درباره

مقتل را از کجا گرفته و در عهد قاجار نوشته شده است، مؤلف مکین الاساس در مواردی روایاتی را از مأخذ معتبر متقدم نقل می‌کند و از منابع عهد قاجار نیز، گزارش‌هایی مخالف را نقل کرده و تفاوتی بین آنها قائل نیست و به ذکر اختلاف روایت بسنده کرده است (همان: ۱۸۹). در مجموع باید گفت این نوع پرداختن به مقتل و تفاوت نگذاشتن بین روایات متقدم و متأخر و ارزیابی نکردن آن صحیح آنها، درست نیست.

مؤلف کشته شدن عبدالله بن علی بن ابی‌طالب به‌دست یاران مختار در حرورا را نتیجه نفرین امام علی (ع) بر عبدالله می‌داند (همان: ۱۸۴-۱۸۵)، در حالی‌که بر اساس نقل منابع متقدم، عبیدالله بن علی، نه عبدالله، در مذار به‌دست یاران مختار کشته شد (دینوری، ۱۳۶۸ق.: ۳۰۶). عمر بن علی بن ابی‌طالب در جنگ با مختار کشته شد و هم این‌که عمر بود که به شرکت نکردنش در همراهی با امام حسین (ع) افتخار می‌کرد که مردی اندیشناک بودم، اگر با حسین رفته بودم، کشته می‌شدم و مختار و هم او از جانب محمد بن حنفیه نامه‌ای نداشت، وی را نپذیرفت. مؤلف در شرح زندگی عمر بن علی آورده است که با امام سجاد (ع) بر سر صدقات مخاصمه کرد و البته خلیفه وقت، عبدالملک بن مروان، جانب علی بن حسین را گرفت (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۷۱). طبیعتاً عمر که در جنگ با مختار کشته شد، در زمان تسلط عبدالملک بن مروان بر کل جهان اسلام، زنده نبود.

در موارد زیادی مؤلف به‌جای استفاده از منابع متقدمی مثل *اخبارالطوال دینوری*، *تاریخ یعقوبی*، *طبقات ابن سعد*، *انساب الاشراف بلاذری*، *تاریخ طبری* و *الفتوح* ابن اعثم کوفی که مقتل امام حسین (ع) را ذکر کرده‌اند، به منابع متأخر روی آورده و اخباری را نقل می‌کند که با شواهد و قرائن همخوانی ندارد. به‌عنوان نمونه، در ذکر آب آوردن ابالفضل از رود فرات می‌نویسد: «... از شیر بیشه شجاعت ... از متفرق نمودن چهار هزار سوار و پیاده و مالک شدن شریعه ... به روایت روضه الشهداء، سه دفعه حمله آوردند و هر دفعه مثل شیر در گله روباه افتاده، ایشان را متفرق نموده و هشتاد نفر یا زیاده از آن اشرار را به دارابوار فرستاد تا مشک را پر از آب نمود (همان: ۸۱). در حالی که این خبر در هیچ‌کدام از منابع متقدم قرون اول تا سوم هجری نیست و تقریباً تمامی مطالب

مستند مقاتل که با شواهد هم، سازگار است از مقتل ابی‌مخنف[۱] (متوفی ۱۵۷ق.) در طبری (متوفی ۳۱۰ق.)، مقتل دینوری (متوفی ۲۸۳ق.) در اخبارالطوال، مقتل ابن سعد (متوفی۲۳۰ق.) در طبقات، مقتل بلاذری (متوفی ۲۷۹ق.) در انساب الاشراف و مقتل ابن اعثم کوفی (متوفی ۳۱۴ق.) در الفتوح اخذ شده است و مطالب این پنج منبع درباره کربلا، نزدیک به زمان حادثه و منابع دست اول محسوب می‌شود.

در همین راستا، با استناد به *اکسیرالعباده* فاضل دربندی که از نویسندگان عهد قاجار است، گفتگویی بین حضرت ابالفضل با زُهیر بن قین را نقل کرده است که عجیب است. زهیر ماجرای خواستگاری امیرالمؤمنین (ع) را در اوج سختی‌های جنگ برای عباس تعریف می‌کند (همان: ۸۱-۸۲)، به‌طوری که نه شرایط جنگ به‌طور منطقی اجازه این بحث را می‌داده است و نه شرایط فکری و مذهبی زُهیر قبل از سال ۶۱ هجری به‌گونه‌ای بوده که در این باره روایاتی را حفظ کند. زُهیر عثمانی‌مذهب بود (بلاذری، ۱۴۱۷ق.: ج۳، ۱۶۷؛ طبری، ۱۳۸۷ق.: ج۵، ۴۱۷؛ ابن‌اثیرالجزری، ۱۴۰۹: ج۴، ۴۲) و پس از دیدار با امام حسین (ع) در مسیر کربلا، متحول شد، در حالی‌که ابتدا از ایشان کراهت داشت (دینوری، ۱۳۶۸ق.: ۲۴۶). نهایتاً تحت تأثیر سخنان آن حضرت، از طرفداران سرسخت آن جناب شد و در کربلا به فیض شهادت نائل آمد.

قضاوت یک‌طرفه درباره برخی نویسندگان متقدم

مؤلف درباره ابن‌حنبل قضاوتی نادرست را ارائه داده است. در یک‌جا برای رد کردن نظر احمد بن حنبل و دیدگاهی که وی ارائه داده است، وی را از اعداء امیرالمؤمنین خوانده است: «احمد عداوت داشت به امیرالمؤمنین علیه السلام» (همان: ۲۲۶-۲۲۷) و در مورد دیگری می‌نویسد که احمد گفته است سنی‌ها، همواره بغض علی را در سینه دارند (همان: ۲۲۷)، در حالی‌که ابن‌حنبل درباره فضایل علی (ع) گفته است که درباره هیچ کدام از صحابه به اندازه علی در کتب حدیثی، فضیلت و منقبت وجود ندارد. احمد بن

۱. مقتل ابی مخنف از بین رفته و عمده مطالب آن از طریق تاریخ طبری باقی مانده است. مقتلی هم مجعول منسوب به ابی‌مخنف در عهد صفوی وجود داشته که مورد استفاده مرحوم مجلسی در تألیف بحارالانوار قرار گرفته و با مقتل مورد استفاده طبری متفاوت است.

حنبل در کتاب مسند، کتابی تحت عنوان فضائل علی دارد که مورد استفاده دانشمندان قرون پس از وی قرار گرفته است (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۳۷: ج۹: ۱۶۸-۱۶۹). وی درباره حضرت امیرالمومنین (ع) از زبان رسول‌الله می‌نویسد: «این سالار بزرگ مؤمنان و رهبر سپیدچهرگان است» (همان: مقدمه، ۷). هم‌چنین احمد بن حنبل در بیان فضایل علی (ع) می‌نویسد: «رسول‌الله، علی (ع) را یعسوب المومنین قرار داد» (ابن میثم بحرانی، ۱۳۶۲: ج۱: ۱۸۷) و نظایر این‌گونه روایات در تمجید از حضرت علی (ع)، در کتاب مسندش فراوان است و نباید وی را از دشمنان حضرت امیرالمومنین (ع) بدانیم، هر چند در مواردی به برخی مناقب امام علی (ع) اذعان نکرده باشد و یا ایشان را خلیفه بلافصل بعد از رسول خدا (ص) نداند.

مذهب ابی‌مخنف صاحب کتاب مقتل الحسین

مؤلف، ابی‌مخنف لوط بن یحیی ازدی صاحب کتاب مقتل الحسین را شیعه و از اصحاب امام حسن (ع) و امام حسین (ع) می‌داند و در انتقاد از حر عاملی صاحب کتاب "*اثبات الهده بالنصوص و المعجزات*" می‌نویسد: «شیخ اجل اکمل حر عاملی ... از عامه شمرده و شاید به ملاحظه اعتماد عامه است بر او، مثل خاصه ...» (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۸۷)، در حالی‌که جدّ ابی‌مخنف به نام مخنف بن سلیم با این‌که از یاران امام علی (ع) است، دست کم شیعه امامی نبود. او در جنگ صفین از نبرد با هم قبیله‌ای‌هایش که با معاویه بودند، اظهار کراهت شدیدی می‌کرد (منقری، ۱۴۰۴ق.: ۲۶۲) و با امام حسین (ع) همراه نشد، ولی تمایلات شیعی او و هواخواهی او از اهل بیت (ع) سبب شد با توابین قیام کند و در نبرد عین‌الورده کشته شد. ابی‌مخنف هم‌زمان با امام حسن (ع) و امام حسین (ع) نبود که از اصحاب آن دو امام بزرگوار باشد. او متوفی ۱۵۷هجری بود و مدت‌ها بعد از شهادت امام حسین (ع) به‌دنیا آمده بود و تمایل شیعی وی از نوع تشیع عراقی است که به علویان و قیام‌های علوی، نگاه مثبت ویژه دارد (جعفریان، ۱۳۹۳: ۱۳۵) و طبیعتاً نمی‌تواند شیعی امامی باشد، هر چند تمایلات و هواخواهی از اهل بیت (ع) در وجود او و خاندانش بوده است.

اعتراف زید بن علی به امامت ائمه (ع)

با این‌که درباره اعتقاد زید بن علی به امامت ائمه معصومین (ع) در بین امامیه اختلاف نظر است و او قیام را بر اقدام فرهنگی بر ضد خلفا ترجیح می‌داد، مؤلف درباره اطاعت او از امام زمانش می‌نویسد: «اعتراف او به امامت ائمه طاهرین اظهر من الشمس و ابین من الامس است» (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۱۸۵)، در حالی‌که این زید بود که اول بار امامی‌ها را رافضی خواند (بلاذری، ۱۴۱۷: ج۳، ۲۴۰؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸ق.: ج۳، ۱۲۴) و اگر هم وی نیتی پاک داشت در واقع، طرفداران او بودند که انشعابی بزرگ را بعدها در شیعه پدید آوردند و یکی از تفاوت‌هایشان با امامیه قیام بالسیف بود که از عملکرد زید نشأت می‌گرفت و طبیعتاً، نمی‌توان با چنین قاطعیتی درباره وی سخن گفت و اعتراف او را به امامت ائمه معصومین (ع) با چنین صراحتی ذکر کرد.

داوری‌های نادرست

مؤلف مکین الاساس، زبیر بن بکار را از اعداء امیرالمؤمنین (ع) می‌داند (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۶۰) و به همین دلیل، برخی جعلیات علیه اهل بیت (ع) را البته به نقل از شیخ مفید، به وی نسبت داده است (همان: ۶۰)، در حالی‌که زبیر بن بکار دارای گرایش‌های شیعی بوده است و یا لااقل از اعداء امیرالمؤمنین (ع) محسوب نمی‌شود. وی در کتاب *الموفقیات*، تمایل خود به اهل بیت (ع) را به‌وضوح نشان می‌دهد و برای امیرالمؤمنین عبارت علیه السلام را به‌کار می‌برد (زبیر بن بکار، ۱۳۸۶: ۲۳، ۳۲، ۶۰، ۱۰۹، ۱۵۴، ۲۶۳، ۲۷۲، ۲۸۴، ۳۰۵، ۳۱۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۵۰۸، ۵۲۸، ۵۳۸، ۵۴۷، ۵۵۸)، هر چند در یک مورد هم از عبارت "رضی الله عنه" (همان: ۱۶۹، ۳۰۱، ۵۸۰) و هم‌چنین "کرم الله وجه" (همان: ۹۲) و در یک مورد نیز "رضوان الله علیه" (همان: ۲۰۳) استفاده می‌کند. در همه جای کتابش با احترام از ائمه شیعه (ع) یاد می‌کند و برای حضرت فاطمه، واژه علیها السلام (همان: ۳۳۱) و سلام الله علیها (همان: ۱۶۹) را ذکر کرده است. وی موضوع نص و وصایت حضرت امیرالمومنین (ع) را در اشعار و خطبه‌هایش نقل می‌کند که مورخان دیگر از آن غفلت کرده‌اند. اگر یک خبری را که مورد توجه

شیعه نیست، نقل کرده است، دلیل بر تعصب ضد علوی وی و ناصبی بودنش نمی‌شود.

در یک مورد مؤلف اشعار منسوب به سکینه دختر امام حسین (ع) را که در کتاب *الاغانی* ابوالفرج اصفهانی آمده است، بدون دلیل رد کرده و نمی‌پذیرد. البته در این راستا، به عدم پذیرش آن اشعار از سوی مؤلف روضات هم اشاره دارد (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۱۹۵).

مؤلف مطالبی را به‌درستی از تاریخ طبری نقل می‌کند، ولی در ارجاع به جلد آن اشاره‌ای نکرده است (همان: ۵۰). تاریخ طبری بعد از عصر مؤلف ترجمه شده و چه در چاپ‌های عربی و چه در تنها ترجمه فارسی، چندین جلد است. هم‌چنین ساخت اولین بنا روی آرامگاه امام حسین (ع) و امام علی (ع) در کربلا و نجف را در عهد عضدالدوله دیلمی و به‌دستور وی می‌داند، در حالی‌که قبل از این شخص و در زمان خلافت منتصر عباسی، محمد بن زید علوی فرمانروای طبرستان، اموالی از آن‌جا برای ایجاد عمارتی بر قبر امام حسین (ع) فرستاد و عمارتی ایجاد شد. آملی (۱۳۴۸: ۷۷) در این زمینه می‌نویسد: «... در عهد او الداعی محمد بن زید از طبرستان اموال فرستاد و عمارت فرمود به قدر...».

مؤلف با استناد به آثار علامه حِلی، از پیش‌گویی‌های امیرالمؤمنین (ع) درباره فتح بغداد و برافتادن عباسیان یاد کرده است (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۲۶۲) و نوشته است به همین دلیل علمای شیعه در نجف و حِله از غارت مغول درامان ماندند، ولی واقعیت این است که دیدار علمای شیعه با هلاکو بعد از فتح بغداد بوده و آنان مطمئن بودند که از پس نیروی مغول برنمی‌آیند و به همین دلیل، اظهار اطاعت کردند نه این‌که آن‌گونه که مؤلف به نقل از پدر علامه حلی نقل کرده، امام علی (ع) مردم را از مخالفت با مغول برحذر داشته باشند (همان: ۲۶۲). در واقع، در عهد مغول و قبل از فتح بغداد، اخبار دیگری در بین مردم شایع بود که مغولان هرگز به بغداد نخواهند رسید و برداشت ابن ابی‌الحدید شارح معروف از سخنان امام علی (ع) این بود که مغولان به بغداد نخواهند رسید و خداوند شرشان را از بغداد حفظ خواهد کرد (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۳۷: ج۸: ۲۴۰). البته رفتن علمای شیعه به نزد هلاکو و اظهار اطاعت‌شان نسبت به وی منطقی بود و با این کار خود، شهرهای شیعی‌نشین عراق را از قتل‌عام مغولان نجات دادند.

نامرتب بودن برخی مباحث متفرقه

بعضی مباحث مؤلف در کتاب به‌صورت پراکنده و نامرتب و بدون توجه به سیر زمانی وقایع و یا بدون تقسیم‌بندی درست موضوعی مطرح شده است. مثلاً صحبت درباره امام‌زاده‌های مشکوک در صفحات متعددی از کتاب و جدا از هم مطرح شده و مؤلف در آن باره توضیحاتی داده است. شاید این موضوع نشان دهنده تأکید مؤلف بر عدم توجه به مزارهای مشکوک باشد، ولی بهتر بود به‌صورت موضوعی مطالبش در این باره دسته‌بندی و در یک‌جا مطرح می‌شد. ایشان در صفحه ۶۴ درباره مزار "زیدالنار" در آفریز صحبت کرده و آن را رد نموده است. مؤلف در صفحه ۱۸۳ از حکم دعا در مزارهای مشکوک سخن رانده است و در صفحات پایانی باردیگر به این بحث برگشته و به‌شدت از انتقاد عوام به مزارهای مشکوک و بی‌اساس انتقاد نموده است.

نتیجه

کتاب *مکین الاساس* اثر آیت‌الله محمدباقر بیرجندی در نوع خودش جالب و دارای نقاط قوت و ضعف بسیاری است و مهمترین مزایای کتاب، فوق‌العاده بودن کتاب به نسبت کتاب‌های مشابه است که درباره زندگی و مقتل ابالفضل نوشته شده است. از دیگر مزایای آن می‌توان به مستند بودن کتاب و هم‌چنین ارائه تحلیل‌های ناب و تازه و خلاقیت‌های وی که نشان از تدبر در برخی موضوعات مطرح شده در کتاب دارد، اشاره کرد. بررسی انتقادی برخی از منابع و در مواردی نقد صحیح و اصولی بعضی از گزارش‌های منابع هم از نکات مثبت مؤلف در این کتاب است. اما این کتاب معایبی هم دارد، از جمله این‌که مؤلف از کتاب‌هایی که اعتباری ندارند و یا اخبار جعلی فراوانی را در برگرفته‌اند، مطالب زیادی را نقل کرده است. مؤلف از کتاب‌های مقتل متأخر دوره صفوی و بیشتر از کتاب‌های مقتل دوره قاجار که تقریباً نزدیک به زمان ما هستند، مطالب بی‌اساسی را نقل کرده که در منابع قرون اولیه اسلامی نیست و برساخته‌ی دست جاعلان است و فقط در موارد معدودی، اخبار جعلی را مورد بررسی انتقادی قرار داده است. از کتاب‌هایی مثل روضه الشهداء و اکسیرالعباده با وجود متأخر بودن و عدم

وثاقت‌شان، بارها بهره برده است. نظرات مؤلف درباره مذهب ابی‌مخنف لوط بن یحیی ازدی و دشمنی احمد بن حنبل با امام علی (ع) و هم‌چنین ارادت زید بن علی به ائمه معصومین (ع) و مواردی از این دست، صحیح به نظر نمی‌رسد، ضمن این‌که برخی مباحث مورد نظر مؤلف، به‌صورت پراکنده و در چند جای کتاب جداگانه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. مباحث نامربوط به حضرت ابالفضل هم صفحات زیادی از کتاب را در برگرفته است.

منابع

- آملی، اولیاءالله (۱۳۴۸). *تاریخ رویان*. مصحح منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- آیتی، محمدحسین (۱۳۷۱). *بهارستان: در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمیدبن هبه الله (۱۳۳۷). *شرح نهج‌البلاغه*. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ابن اثیرالجزری، عزالدین علی بن محمد (۱۴۰۹). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دارصار.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۷). *عیون اخبارالرضاء*. تهران: جهان.
- ابن حجر عسقلانی، احمدبن علی (۱۴۱۵ق.). *الاصابه فی تمییز الصحابه*. علی محمد معوض. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸ق.). *العبر*. تحقیق خلیل شهاده. بیروت: دارالفکر.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق.). *الاستیعاب فی معرفه الاصحاب*. تحقیق علی‌محمد البجاوی. بیروت: دارالجیل.
- ابن میثم بحرانی (۱۳۶۲). *شرح نهج‌البلاغه*. بی‌جا: دفتر نشر الکتاب.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق.). *انساب الاشراف*. تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی. بیروت: دارالفکر.

- بیرجندی، محمدباقر (۱۳۹۰). *مکین الاساس فی احوال مولانا ابی الفضل العباس*. به کوشش علیرضا اباذری. قم: جمال.
- تهرانی آقابزرگ، محمدمحسن (۱۴۰۳). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. بیروت: دارالاضواء.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۳). *منابع تاریخ اسلام*. تهران: علم.
- دینوری، احمد بن داود (۱۳۶۸ق.). *اخبارالطوال*. تحقیق عبدالمنعم عامر. مراجعه جمال‌الدین الشیال. قاهره: دارالاحیاء التراث العربی.
- زبیر بن بکار (۱۳۸۶). *الموفقیات*. ترجمه اصغر قائدان. تهران: بین الملل.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۸). *تاریخ پیامبر اسلام* (ص). تهران: سمت.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷ق.). *تاریخ طبری*. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دار التراث.
- عباسی، علی‌اکبر (۱۳۹۲). "نقد و ارزیابی کتاب بهارستان آیتی". *فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان*، سال هفتم، ش ۳، پیاپی ۲۷ (بهار): ۸۷-۱۰۳.
- ------ (۱۳۹۶). *تاریخ جامع دولت های شیعه*. اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- فاضل دربندی، ملاآقا بن عابد (بی تا). *اسرارالشهاده*. تهران: اعلمی.
- نیشابوری، فتال (۱۳۸۵). *روضه‌الواعظین*. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نشر نی.
- مرتضی‌عاملی، جعفر (۱۳۸۸). *سیرت جاودانه*. ترجمه و تلخیص محمد سپهری. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- منقری، نصر بن مزاحم (۱۴۰۴ق.). *وقعه صفین*. به تصحیح عبدالسلام محمد هارون. قم: منشورات مکتبه المرعشی النجفی.

مطالعه تأثیر سرمایه فرهنگی و مؤلفه‌های آن بر سبک تغذیه‌ای شهروندان شهر مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۱۱

المیرا عرفانیان قصاب[۱]

محمدحسن شربتیان[۲]

چکیده

سبک تغذیه یکی از ابعاد سبک زندگی است که شیوه و روش تغذیه‌ی افراد در زندگی روزمره را شامل می‌شود که این سبک از زندگی، متأثر از سرمایه فرهنگی است. هدف اصلی این نوشتار، رابطه بین سبک تغذیه با سرمایه‌ی فرهنگی شهروندان شهر مشهد است به‌عبارت دیگر، در این پژوهش ابعاد مصرف مواد غذایی، تدارکات غذا، نوع خوردنی‌ها، زمان صرف غذا، مکان غذا خوردن، نحوه‌ی صرف غذا و صرف غذا در مهمانی، برای سبک تغذیه‌ای در نظر گرفته شده است و رابطه این ابعاد با مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی (سرمایه متجسد، سرمایه عینی و سرمایه ضابطه‌ای و نهادی) مورد سنجش قرار می‌گیرد. روش تحقیق حاضر، پیمایش و ابزار مورد استفاده پرسش‌نامه خودمحقق‌ساخته است و جامعه آماری شهروندان شهر مشهد به تعداد ۲۷۶۶۲۵۸ نفر است که بر اساس فرمول کوکران، حجم نمونه‌ای برابر با ۵۱۰ نفر از شهروندان، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. پایایی میزان آلفای کرونباخ پرسش‌نامه ۰/۹۵ به‌دست آمده است. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتایج نشان داد که بین سرمایه فرهنگی و سبک تغذیه‌ای رابطه‌ی معناداری وجود دارد ($P\geq 0/000$). براساس تحلیل رگرسیون چندگانه، یافته‌ها نشان داد که ۸۸٪ از واریانس متغیر وابسته (سبک تغذیه)، به‌وسیله متغیر مستقل سرمایه فرهنگی تبیین و پیش‌بینی شده است و میزان همبستگی هر

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسؤول
Elmira_erfaniyan@yahoo.com

۲. عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور sharbatiyan@pnu.ac.ir

کدام از ابعاد سرمایه متجسد ۰/۸۹، سرمایه عینی ۰/۸۷ و سرمایه نهادی ۰/۸۹ با سبک تغذیه‌ای شهروندان، بیانگر این نکته است که سرمایه فرهنگی و مؤلفه‌های آن می‌تواند پیش‌بینی کننده قدرتمندی برای سبک تغذیه‌ای باشد.

واژگان کلیدی: سبک تغذیه، سبک زندگی، سرمایه فرهنگی، شهروندان، مشهد

مقدمه

امروزه سبک و شیوه زندگی که افراد برای خود در جامعه برمی‌گزینند، مفهومی است که بسیار مورد توجه قرار گرفته است، زیرا با شناسایی درست این مفهوم چندبعدی و پیچیده، می‌توان به بسیاری از سؤال‌ها و مسائلی که در جامعه انسانی وجود دارد، پاسخ داد و بهترین راه‌حل‌ها را برای آنها برگزید. شیوه زندگی افراد که از آن به‌عنوان سبک زندگی[1] یاد می‌شود، مفهومی است که بحث‌های اولیه در مورد آن به دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی برمی‌گردد. امروزه با توسعه زندگی شهری و به موازات افزایش اهمیت مباحث تمایز و هویت‌یابی، سبک زندگی بیش از گذشته اهمیت یافته است. انسان شهرنشین با به‌کارگیری سبک زندگی تلاش می‌کند منزلت اجتماعی خود را به دیگران نشان دهد، کاری که در جوامع کوچک لازم نبود. وقتی دنیای اجتماعی متحول می‌شود، به همان نسبت به مفاهیمی نو برای درک آن نیازمندیم و سبک زندگی ازجمله همان مفاهیم نویی است که در دنیای امروز زیاد از آن استفاده می‌شود.

مطالعه سبک زندگی قابلیت بیشتری برای شناخت دقیق‌تر از رفتارها و پیش‌بینی آنها را داراست. بررسی رفتارهای واقعی با رویکرد کشف انسجام و الگومند یا به‌عبارتی مطالعه سبک زندگی، می‌تواند جایگزینی مناسب برای بررسی نگرش‌ها و ارزش‌ها باشد (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۶۹). سبک زندگی را می‌توان به شیوه زندگی طبقات و گروه‌های اجتماعی مختلف جامعه تعبیر کرد که در آن افراد جامعه با پیروی از الگوهای رفتاری، با روش‌ها، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، یا انتخاب نهادهای فرهنگی و منزلتی خاص، تعلقات خود را نسبت به آن هویدا می‌کنند (رسولی، ۱۳۸۲: ۵۵). بنابر گفته وبر[2] سبک زندگی

1. Life Style
2. weber

هم‌چون پاره فرهنگ متمایز کننده طبقات اجتماعی در درون فرهنگ اصلی جامعه در نظر گرفته می‌شود (همان: ۵۹). در واقع، سبک زندگی، شیوه زندگی فرد است و عواملی هم‌چون ویژگی‌های شخصیتی، تغذیه، ورزش، خواب، مقابله با استرس، حمایت اجتماعی و حتی استفاده از دارو را شامل می‌شود (Cockerham, 2005: 1317).

یکی از راه‌های درک بهتر مفهوم سبک زندگی، بررسی عناصر و مؤلفه‌هایی است که برای سبک زندگی در نظر گرفته شده‌اند. منظور از مؤلفه، اموری هستند که مصداق عینی سبک زندگی محسوب می‌شوند. تغذیه و رفتارهایی مانند عادات غذایی یکی از مؤلفه‌ها و مصداق‌های عینی سبک زندگی است. خوراک علاوه بر جنبه فردی، با جنبه اجتماعی و فرهنگی و در نهایت، با سبک زندگی انسان در ارتباطی تنگاتنگ است. انسان‌شناسان، عادات غذایی را به‌عنوان کلیتی پیچیده از فعالیت‌های آشپزی، تمایل‌ها و تنفرها، آگاهی جمعی، اعتقادات، تابوها، موهومات وابسته به تولید، تهیه، مصرف غذا و در کل، به‌عنوان یک مفهوم فرهنگی می‌نگرند. غذاها بیشتر از دیگر مصنوعات فرهنگی، بیانگر هویت انسان‌هایی هستند که از آن استفاده می‌کنند (شاه‌حسینی، ۱۳۹۲: ۶). ابونصرفارابی در کتاب آراء اهل المدینه الفاضله می‌نویسد: «نوع تغذیه‌ی آدمیان سبب اختلاف در خلقت و خلق‌وخوی طبیعی مردمان و در نهایت، روش زندگی آنان می‌گردد» (راوندی، ۱۳۸۲: ۴۰۴). از آن‌جا که همه افراد در اجتماع متولد می‌شوند و تحت تعلیم و جامعه‌پذیری هنجارهای آن جامعه قرار می‌گیرند و هر جامعه‌ای فرهنگ خاص خود را در ارتباط با عادت‌های غذایی دارند، بنابراین ساختارهای گروهی و اجتماعی به هر نحوی بر سبک غذایی افراد تأثیرگذار است. غذا فقط غذای آماده نیست، انتخاب نوع غذا و مصرف آن در شبکه پیچیده‌ای از فرهنگ، عوامل فردی و اجتماعی اتفاق می‌افتد (علیزاده‌اقدم، ۱۳۸۹: ۲۸۷). برای برنامه‌ریزی صحیح و درست در زمینه سبک تغذیه‌ای مناسب، توجه به ابعاد فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بر آن، از اهمیت فراوانی برخوردار است. یکی از ابعاد تأثیرگذار بر سبک تغذیه‌ای، سرمایه‌ی فرهنگی است. افراد از طریق سرمایه‌ی فرهنگی، شیوه‌ی رفتار و گفتار خود و همین‌طور نحوه‌ی عمل اجتماعی و حتی انتخاب‌های خود را از دیگر طبقات جدا می‌کنند، به‌طوری‌که

ایـن طبقـه بـا داشـتن امکانـات و ملزومـات فرهنگـی، از لحاظ ذهنـی و عینـی در سـاختاری قـرار می‌گیرند کـه خـود را از دیگـر طبقـات جامعـه جـدا می‌دانند و این جدایی موجب می‌شود تا دست به انتخاب‌های متفاوتی در زمینه‌ی تغذیه و غذا بزنند.

بیان مسأله

سبک زندگی یکی از مفاهیمی است که در دهه‌های حاضر جایگاه‌های بسیار ممتازی را در تحقیقات علوم انسانی، به‌خصوص علوم اجتماعی به‌خود اختصاص داده است. موضوع سبک زندگی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم از ابتدای طرح نظریات جامعه‌شناسانی همچون وبر[1]، گیدنز[2]، وبلن[3]، بوردیو[4]، پیترسون[5] و ... مورد توجه قرارگرفته است.

سبک زندگی، شیوه زنـدگی کـردن است که شامل رفتارهای عینی در قالب مصرف می‌شود (مجدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳۹) و می‌توان از آن به‌عنوان برچسب[6] و نمودی کامل از فرهنگ نام برد که ابعادی هم‌چون الگوی تعاملات، پوشش، تغذیه، گذران اوقات زندگی و فراغت (رازنهان، ۱۳۹۱: ۱۷۳)، رفتار بهداشتی، مصرف فرهنگی، رفتار درون منـزل، طراحی منزل، بهره‌گیری از هنر و رسانه‌های اجتماعی (Kirchberg, 2007: 121)، شیوه‌های عملی و اخلاقی (ازکیا و حسینی، ۱۳۸۹: ۲۴۵) و فعالیت‌های فیزیکی (Horowitz, 2002: 146) را شامل می‌شود. در حقیقت، سبک زندگی را باید تبلور و تجسم عینی فرهنگ در هر جامعه دانست.

در طول دهه‌های اخیر، سبک زندگی بسیاری از مردم دنیا به‌خصوص کشورهای توسعه‌یافته تغییر کرده است. نشانه‌های فراوانی از وقوع تغییرات در جوامع و ازجمله جامعه ما مشاهده می‌گردد. نوع معماری، نحوه پوشش، ظهور مشاغل جدید، تنوع رسانه‌ها و افزایش جمعیت شهرنشین، ازجمله این نشانه‌هاست (کرمی‌قهی و زادسر، ۱۳۹۲: ۸۶). رشد شهرنشینی هم بـه تـرویج پدیده مصـرف مادی، کمک شایانی کرد. از

1. Veber
2. Giddens
3. Veblen
4. Bourdieu
5. Peterson
6. label

نظر عده‌ای از تحلیلگران، شهر، مرکز یا محـل اصـلی مصرف به‌شمار می‌رود (علی‌خواه، ۱۳۹۲: ۷۹) و شهرنشینان سبک زندگی مصرف‌گرایی را بر سبک زندگی سنتی برتر می‌دانند. در زندگی شهری، فرد دچار تب‌وتاب خریـد کالاهاسـت و اساس و اهداف زندگی خود را دستیابی به کالاها قرار داده است. در واقع، افراد در جامعه در صددند از طریق تنوعی که در انتخاب شغل، محل زندگی، آرایـش و پوشاک، تغذیه، سلیقه‌های هنری و زیباشناختی، انتخاب سرگرمی‌ها و نحوه‌ی گـذران اوقات فـراغتی که وجود دارد و حتـی با استفاده از شیوه‌های عملـی و اخلاقـی و دینـی، خود را در جامعـه از دیگران متمایز کنند.

از نظـر وبـر در سـبک زندگـی به‌جـای تولیـد و مالکیـت ابـزار تولیـد و کالاهـا، مـصرف کالاهـاست کـه سـبک زندگـی افـراد و طبقـه افـراد را نشـان می‌دهـد (Abel, Cockerham & Adamz, 1997: 336). امروزه، مردم با انتخاب‌های مصرفی‌شان شناخته می‌شوند و این هویت‌شان را شـکل می‌دهد. بنابراین، افراد به‌دنبال ایجاد تمایز بین خود و دیگران هستند و یا می‌خواهند با نوع مصرف غذایی، خود را نشان دهند که به گروه خاصی تعلق دارند و می‌خواهند بـا مـصرف بعضی از غذاها یا در بعضی از مکان‌ها، مانند قهوه‌خانه[1]، طبقه و موقعیت اجتماعی خـود را به رخ دیگران بکشند. در نتیجه، غذا و تجربه خوردن می‌تواند به تمایز اجتماعی منجر شده و به هویت افراد شکل ببخشد (Germov & Williams, 2004: 201-202). تغییر در سبک زندگی، تبدیل به مسأله‌ای برای مردم شده است (رسولی و حاتمی، ۱۳۹۱: ۶۴). در واقع، تغییر در سبک زندگی، یکی از دستاوردهای نوین[2] بوده که جامعه بویژه جامعه شهری به آن دچار شده است. یکی از مواردی که دلالت بر تغییر سبک زندگی دارد، تغییر در شیوه تغذیه است (کوهی، مبارک و عبدی، ۱۳۹۲: ۱۵۹).

امروزه بیماری‌های غیرواگیر و مزمن (قلبی- عروقی، سـرطان و دیابت) به‌عنوان مهم‌ترین عوامـل مرگ‌ومیر در جهـان شناخته شده و شیوع آنها در حال افزایش است (Remington & Brownson, 2011: 47). در حقیقت، عامل مهمی که در بروز

1. Coffee Shop
2. Modern

این بیماری‌ها دخیل است، عادات و سبک غذایی یا تصمیمات همیشگی افراد در رابطه با دریافت غذاست. بررسی‌های متعدد نشان داده‌اند که مصرف غذاهای فوری[1] که حاصل سبک زندگی نوین است و روش‌های نادرست طبخ غذا با بروز این بیماری‌ها در ارتباط‌اند (Klumbiene & Petkeviciene, 2004: 392; Mcleod & Campbell, 2011: 700)

سبد مصرفی خانوارهای شهری حاکی از آن است که در بین هزینه‌های خوراکی، بیشترین سهم با ۲۵/۶٪ مربوط به هزینه گوشت؛ میوه‌ها و سبزی‌ها با ۱۸/۵٪؛ آرد، رشته، نان، غلات و فرآورده‌های آن با ۱۸/۴٪ و شیر و فرآورده‌های آن و تخم پرندگان با ۱۰/۸٪ در مراتب بعدی قرار داشته است (هژبرکیانی و حاجی‌ها، ۱۳۹۰: ۳۹). امروزه ارتباط سبک تغذیه و انتخاب غذا با سلامت افراد جامعه به‌طور کامل مورد تأیید و تأکید است (پاسدار و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۶). سبک تغذیه تنها یک موضوع زیستی نیست، بلکه می‌توان بروز و یا ظهور اجتماعی آن را در ابعاد مختلف زندگی مشاهده کرد. سبک تغذیه دارای ابعادی هم‌چون میزان مصرف مواد غذایی، تدارکات غذا، نوع خوردنی‌ها، مکان و زمان صرف غذا، نحوه‌ی صرف غذا، آداب غذا خوردن، شیوه‌ی پذیرایی از مهمان و یا مهمانی رفتن است که از عواملی تأثیر می‌پذیرد.

سبک زندگی مؤلفه‌ای پویا است که حیطه‌های وسیعی را دربرمی‌گیرد. سبک زندگی دارای ابعاد مختلف و گوناگونی است که هر کدام از این ابعاد خود به‌طور مجزا می‌توانند از عوامل دیگری تأثیرپذیری داشته باشند. همان‌طور که گفته شد، تغذیه یکی از ابعاد سبک زندگی است که خود نمودی از فرهنگ است. غذا نشان دهنده‌ی آداب و رسوم و هویت فرهنگی مردم یک جامعه است. تفاوت‌های غذایی نشان دهنده‌ی تفاوت‌های فرهنگی است. غذا یکی از اصلی‌ترین نشانه‌ها و نمادهای متمایز کننده‌ی انواع فرهنگ در میان ملل مختلف است. پخت و انتخاب غذا همان‌طور که یکی از نمودهای فرهنگ است، از عوامل فرهنگی نیز تأثیر می‌پذیرد. افراد با توجه به نوع فرهنگی که در آن رشد یافته‌اند و ارزش‌ها و هنجارهایی که به‌دلیل زندگی در جامعه

1. Fast Food

در خود درونی کرده‌اند و اندوخته‌ی فرهنگی که جمع کرده‌اند، دست به انتخاب غذا و انتخاب نوع پخت غذا می‌زنند. در اینجا منظور از اندوخته‌ی فرهنگی، سرمایه‌ی فرهنگی[1] است. مسأله‌ی رابطه‌ی بین سبک زندگی و سرمایه‌ی فرهنگی، محور اصلی مباحثی است که امروزه در جامعه‌شناسی فرهنگ و مطالعات فرهنگی مطرح است. سرمایه‌ی فرهنگی دربرگیرنده‌ی تمایلات پایدار فرد است، یعنی شامل گرایش‌ها و عاداتی است که در طی یک فرایند جامعه‌پذیری حاصل می‌شود. سرمایه‌ی فرهنگی و سبک زندگی واحد، تعاملی دوسویه‌اند. سرمایه‌ی فرهنگی فرد یا خانواده می‌تواند سبب ایجاد برخی سبک‌های زندگی شود و سبک زندگی نیز می‌تواند در جهت افزایش سرمایه‌ی فرهنگی عمل کند. سرمایه‌ی فرهنگی، تمرکز و انباشت انواع مختلف کالاهای ملموس و غیرملموس فرهنگی است. شناسایی ارتباط بین سرمایه‌ی فرهنگی و سبک تغذیه‌ای حائز اهمیت فراوانی است. چرا که سبک تغذیه‌ای جدا از میزان دریافت‌های غذایی می‌تواند در بروز بیماری‌ها مؤثر باشد و سلامت افراد جامعه را به خطر اندازد که این خود می‌تواند تبدیل به مانعی در سر راه رشد و توسعه‌ی کشور گردد. از آن‌جا که مطالعات انجام شده در این زمینه محدود است و در ایران تاکنون مطالعه‌ای که ارتباط سرمایه‌ی فرهنگی را با سبک تغذیه‌ای به‌طور اخص بسنجد، هنوز منتشر نشده است، لذا مطالعه‌ی حاضر در صدد پاسخ دادن به سؤالات زیر است:

۱- ارتباط بین سرمایه‌ی فرهنگی با سبک تغذیه‌ای شهروندان شهر مشهد چگونه است؟

۲- تعیین و برآورد سطح سبک زندگی تغذیه‌ای و ابعاد آن در میان شهروندان شهر مشهد چگونه است؟

۳- تعیین و برآورد سرمایه‌ی فرهنگی و ابعاد آن در میان شهروندان شهر مشهد چگونه است؟

پیرامون دو مقوله سبک زندگی و سرمایه‌ی فرهنگی، تحقیقاتی به شکل مجزا و یا به شکل توأم، صورت گرفته است، اما آن‌چه برای این پژوهش حائز اهمیت است، تحقیقاتی

1. Cultural Capital

است که ارتباط فی‌مابین بعد سبک تغذیه در سبک زندگی و سرمایه‌ی فرهنگی را مورد توجه قرار داده باشند. با این وجود، تعدادی از پژوهش‌های مرتبط ارائه شده است. به منظور سهولت در فهم و مقایسه‌ی داده‌ها و نتایج به‌دست آمده، جدول ۱ تهیه شده است تا یافته‌های حاصل شده به شکل چکیده و خلاصه در دسترس باشد.

جدول ۱) خلاصه‌ی پیشینه پژوهشی مرتبط با رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فرهنگی و سبک تغذیه

عنوان تحقیق، جامعه مورد مطالعه	نام محقق و سال انتشار تحقیق	روش اصلی تحقیق و خلاصه یافته‌ها
بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فرهنگی و سبک زندگی در بین مردان شهر زاهدان	گنجی، حسین‌بر و کریمیان (۱۳۹۴)	روش اصلی تحقیق: پیمایش خلاصه یافته‌ها: بین سرمایه فرهنگی مدرن با سبک زندگی مدرن از یک‌سو و سرمایه‌ی فرهنگی سنتی با سبک زندگی سنتی از سوی دیگر، رابطه‌ی مستقیم، مثبت و معنی‌داری وجود دارد. سرمایه اجتماعی دارای رابطه‌ی معنی‌داری با سبک زندگی سنتی است، اما رابطه‌ی آن با سبک زندگی مدرن معنادار نبوده است.
ارتباط وضعیت اقتصادی- اجتماعی با عادات تغذیه‌ای در زنان ساکن شمال شرق ایران	عشقی نیا و دیگران (۱۳۹۳)	روش اصلی تحقیق: پیمایش خلاصه یافته‌ها: افرادی که در رده اقتصادی- اجتماعی بالاتری قرار داشتند، نسبت به افراد رده پایین‌تر، از امتیاز عادات غذایی بالاتری برخوردار بودند و ارتباط معنی‌داری بین وضعیت اقتصادی- اجتماعی با عادات غذایی مشاهده شد، به‌طوری‌که افراد با وضعیت اقتصادی- اجتماعی بالا، دارای عادات غذایی سالم‌تری می‌باشند.
مناسبات سرمایه‌ی فرهنگی و سبک زندگی در میان شهروندان طبقه‌ی متوسط شهر سنندج	محمدی، ودادهیر و محمدی (۱۳۹۱)	روش اصلی تحقیق: پیمایش خلاصه یافته‌ها: بین سرمایه‌ی فرهنگی و اشکال آن با سبک زندگی، رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد و در بین اشکال مختلف سرمایه‌ی فرهنگی، نوع سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته دارای بیشترین رابطه با سبک زندگی است.
بررسی سبک زندگی جوانان در شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن	زارع و فلاح (۱۳۹۱)	روش اصلی تحقیق: پیمایش خلاصه یافته‌ها: در این پژوهش سبک‌های زیبایی‌شناختی- لذت‌جویانه، کارکردگرایانه، خرده‌فرهنگی و انفعالی به‌عنوان انواع سبک زندگی شناسایی شدند. بر اساس نمرات میانگین انواع سبک زندگی، بیشترین میانگین در سبک زندگی لذت‌جویانه و کمترین میانگین مربوط به سبک زندگی منفعلانه است و سه متغیر سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در مجموع ۱۹ درصد از واریانس سبک زندگی را تبیین می‌کنند.

سبک زندگی و مدیریت بدن	خواجه‌نوری، روحانی و هاشمی (۱۳۹۰)	روش اصلی تحقیق: پیمایش خلاصه یافته‌ها: تمامی سبک‌های زندگی با مدیریت بر ظاهر و هم‌چنین با تغییر شکل اندام، رابطه داشته‌اند. سبک‌های مدرن ورزشی – موسیقی، فراغتی، مشارکت‌های جدید، مذهبی و در نهایت، موسیقی سنتی روی‌هم توانسته‌اند مدیریت زنان بر ظاهرشان را با ۴۵٪ تبیین کنند و متغیرهای سبک مشارکتی جدید، ورزشی- موسیقی جدید، موسیقی قدیمی و در نهایت فراغتی روی‌هم توانسته‌اند تغییرات مدیریت و تغییر شکل اندام زنان را با ۳۰/۳ ٪ تبیین کنند.
تحلیل جامعه‌شناختی سبک غذایی شهروندان تبریزی	علیزاده اقدم (۱۳۸۹)	روش تحقیق: پیمایش خلاصه یافته‌ها: سبک غذایی شهروندان برحسب وضعیت تأهل، جنسیت و وضعیت طبقه متفاوت بوده و سن، شاخص حجم بدن، سرمایه‌ی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به‌طرق مختلف بر سبک غذایی تأثیرگذار است.
سبک زندگی جوانان شهر مشهد و رابطه‌ی آن با سرمایه‌ی فرهنگی و اقتصادی والدین	مجدی و دیگران (۱۳۸۹)	روش اصلی تحقیق: پیمایش خلاصه یافته‌ها: بین سبک زندگی و سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اقتصادی والدین، رابطه‌ی معنادار وجود دارد. بیشترین تمایز سبک زندگی بین قشر بالا (هم سرمایه‌ی فرهنگی و هم سرمایه‌ی اقتصادی زیاد) و قشر پایین (سرمایه‌ی فرهنگی و اقتصادی کم) مشاهده شد.
تأثیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی بر نوع تغذیه در آسیا[1]	موریاما (Murayama, 2015)	روش تحقیق: پیمایش خلاصه یافته‌ها: در کشورهای در حال توسعه‌ی آسیا، مانند هند و ویتنام بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی و تغذیه ناسالم، رابطه‌ی مثبتی وجود دارد، اما در کشورهای توسعه یافته مانند ژاپن و کره بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی و تغذیه ناسالم، رابطه‌ی منفی وجود دارد.
رابطه‌ی نظریه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی بوردیو با انتخاب نوع غذا[2]	کمفیوز، جانسن و فرانک (Kamphuis, Jansen & Frank, 2015)	روش تحقیق: مرور نظام مند[3] خلاصه یافته‌ها: در این پژوهش ۱۱۳ مطالعه مورد بررسی قرار گرفت که تمام مؤلفه‌های سرمایه‌ی فرهنگی را دربرمی‌گیرد. نتایج این بررسی‌ها نشان داد که سرمایه‌ی فرهنگی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی، دارای رابطه‌ی مثبت با یکدیگر می‌باشند و بین سرمایه‌ی فرهنگی و انتخاب غذای سالم، رابطه‌ی مثبت وجود دارد و سرمایه‌ی فرهنگی تعیین کننده نوع انتخاب غذا است.
غذا، رفتارهای انتخاب غذا، فرهنگ در چین[4]	گانشنگ (Guansheng, 2015)	روش تحقیق: توصیفی- تحلیلی خلاصه یافته‌ها: انتخاب نوع غذا در میان افراد با سن، نژاد، فرهنگ و سطح فعالیت‌های فیزیکی گوناگون، متفاوت است. سبک تغذیه و انتخاب نوع غذا تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارد.

با توجه به بررسی تحقیقات انجام شده در زمینه‌ی سبک تغذیه و سرمایه‌ی فرهنگی، می‌توان مشاهده کرد که چه در ایران و چه در خارج از ایران، به‌طور جامع به بررسی سبک تغذیه و ابعاد آن پرداخته نشده است. هم‌چنین در هیچ کدام از پژوهش‌های انجام شده در داخل و خارج ایران، رابطه بین سرمایه‌ی فرهنگی با سبک تغذیه مورد توجه قرار نگرفته است و تنها پژوهشی که در طی بررسی‌های به‌عمل آمده‌ی محقق در

این زمینه انجام شده است، پژوهش کمفیوز، جانسن و فرانک در سال ۲۰۱۵ با عنوان "رابطه نظریه سرمایه‌ی فرهنگی بوردیو با انتخاب نوع غذا" است که در این پژوهش نیز تنها به یکی از ابعاد سبک تغذیه که انتخاب نوع غذا است، پرداخته شده است و روش مورد استفاده در این پژوهش، روش مروری نظام مند بوده است. این در حالی است که در تحقیق حاضر، رابطه سرمایه‌ی فرهنگی با سبک تغذیه‌ای با توجه به تمام ابعاد آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و دیگر این‌که در این پژوهش، روش تحقیق، پیمایشی است که با روش تحقیق کیفی، متمایز است.

چارچوب نظری

در این قسمت ابتدا مفهوم سبک زندگی و سپس مؤلفه‌ی سبک تغذیه شرح داده خواهد شد. سپس در مورد عامل مؤثری (سرمایه‌ی فرهنگی) که در این تحقیق تأثیر آن بررسی می‌شود و هم‌چنین نظریات مربوط به آن، توضیحاتی ارائه خواهد شد.

سبک زندگی

به باور وبر سبک زندگی عبارت از روش‌هایی است که طبقات و گروه‌های هم‌مرتبه از نوعی از زندگی پدید می‌آورند و شامل الگوهای فرهنگی رفتار و مجموعه‌هایی از عادات اجتماعی ویژه باورهاست (Abel, 1991: 321).

کلاک[1] سبک زندگی را این‌گونه تعریف کرده است: مجموعه‌ها یا الگوهای خودآگاه و دقیقاً توسعه یافته ترجیحات فردی در رفتار شخصی مصرف کننده و مک‌کی[2] سبک زندگی را الگویی برآمده از ارزش‌ها و باورهای مشترک یک گروه یا جامعه می‌داند که به‌صورت رفتارهای مشترک ظاهر می‌شود (الفت و سالمی، ۱۳۹۱: ۲۰) زیمل[3]، وبلن و وبر از عناصری به‌عنوان مؤلفه‌های سبک زندگی در کتاب‌های خود یاد کردند و عناصر شیوه‌ی تغذیه، خودآرایی، آرایه‌گری منزل و شیوه‌ی گذراندن اوقات فراغت را به‌عنوان مؤلفه‌های سبک زندگی نام بردند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۲۱۱).

1. Clock
2. McKee
3. Simmel

آدلر[1] سبک زندگی را شامل همه رفتار، افکار، احساسات فرد و حرکتش به‌سوی هدف می‌داند. از نظر گیدنز سبک‌های زندگی رفتارهای عادی روزمره هستند که در قالب عادات لباس پوشیدن، خوردن و محیط‌های موردپسند برای تعامل با دیگران، خود را نشان می‌دهد (شهابی، ۱۳۸۶: ۳۷).

با استفاده از مفهوم فضای اجتماعی، سبک‌های زندگی مختلف را نشان می‌دهد. فضای اجتماعی به این ترتیب ساخته می‌شود که عاملان و گروه‌ها بر اساس حجم و میزان سرمایه‌ی اقتصادی و فرهنگی، با برخی وجوه اشتراک می‌یابند و با برخی فاصله پیدا می‌کنند. نتیجه این‌که هرقدر سرمایه فرد بیشتر باشد، در فضای اجتماعی در موقعیت بالاتری قرار می‌گیرد (گیبینز و ریمر، ۱۳۸۱: ۱۱۶). بوردیو استدلال می‌کند مردمی که در یک فضای اجتماعی قرار دارند دارای مشابهت‌های بسیار هستند، حتی اگر هرگز یکدیگر را ندیده باشند. لذا این‌ها دارای ذائقه‌های مشابه و سبک زندگی مشابه هستند (بوردیو، ۱۳۸۹: ۳۳).

لسلی، لارسون و گورمن (Leslie, Larson & Gorman, 1994: 368) در مورد سبک زندگی می‌گویند: «رفتارهایی که با قشربندی حیثیتی و اعتباری مرتبطند، سبک زندگی نامیده می‌شوند. سبک زندگی فقط آن‌چه یک فرد از آن موارد دارد نیست، بلکه چگونگی نمایش آنها توسط فرد است. سبک زندگی هم الگوهای مصرف را شامل می‌شود و هم قدرتی که از این ناحیه کسب می‌شود. سلیقه، آداب معاشرت، و شیوه‌ی تغذیه به‌منزله علائم داشتن جا در نردبان اجتماعی شناخته می‌شوند».

سبک تغذیه[2]

همان‌طور که بیان گردید، یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی، سبک تغذیه است. در واقع، سبک تغذیه به الگوی خاص فعالیت‌های روزمره در زمینه‌ی رفتار تغذیه‌ای اشاره دارد که یک فرد یا گروه را از دیگران متمایز می‌کند. در حقیقت این نوع سبک زندگی، شکل جدید گروه‌بندی منزلتی است و بر اساس سازمان اجتماعی مصرف، می‌تواند تعیین

1. Adler
2. Nutrition style

کننده‌ی ساختار طبقاتی در نظر گرفته شود. به‌طور کلی، می‌توان بیان کرد که منظور از سبک‌های تغذیه‌ای، شیوه‌هایی است که افراد جامعه در رفتار تغذیه‌ای خود، از آن تبعیت کرده و به لحاظ منزلتی از دیگران متمایز می‌شوند. بل (Bell, 2005: 152) معتقد است بر اساس مطالعات بوردیو، هم ترجیحات غذایی و هم آداب چیدن میز غذا و شیوه‌ی پخت غذا شاخص‌های مهم سبک زندگی هستند. براساس دیدگاه آلن وارد[1] (۱۹۹۷) در تبیین عوامل مؤثر بر شیوه‌ی تغذیه افراد می‌توان چهار روند کلی اجتماعی را تشخیص داد: تمایز فردی، تخصصی شدن مشاغل، تمایز اجتماعی و استانداردسازی (جورمو و ویلیامز، ۱۳۹۴: ۲۹).

یکی از نمودهای سبک تغذیه در قرن بیستم، مک‌دونالدی شدن است. ریتزر[2] در کتاب مک‌دونالدی شدن جامعه، با استفاده از اصطلاح مک‌دونالدی شدن به‌صورت استعاره‌ای نوین از گسترش عقلانیت دیوانسالاری[3] در سراسر زندگی اجتماعی، مفهوم عقلانی‌سازی ماکس وبر را بسط می‌دهد. مک‌دونالدی شدن غذا به روندی اشاره دارد در جهت استانداردسازی تولید و مصرف غذا. در سال‌های اخیر فرایند مک‌دونالدی شدن غذا بر میزان تغذیه‌ی مردم، روابط اجتماعی غذا خوردن، تدارک وعده‌ی غذایی مؤثر بوده است (همان: ۳۰).

سرمایه فرهنگی

مطابق نظریه سرمایه فرهنگی، دارندگان سرمایه‌ی فرهنگی، زیاد خود را با مصرف فرهنگ و هنر متعالی از بقیه متمایز می‌کنند. داشتن سرمایه‌ی فرهنگی بیشتر به معنای داشتن توان شناختی بالاتر است. به این ترتیب سرمایه‌ی فرهنگی بر اساس مسیر فردی - ذهنی سبب گرایش افراد به سبک زندگی خاص می‌شود. سرمایه‌ی فرهنگی رفتارها، نگرش‌ها و اظهارنظرهای فرد را هدایت کرده و از طرف دیگر، در انتخاب‌های وی در زندگی روزمره نقش اساسی دارد (ایزدی و جویباری، ۱۳۹۳: ۳۸).

1. Elen Ward
2. Ritzer
3. Bureaucrac*y*

سرمایه فرهنگی از نگاه بوردیو

از نظر بوردیو، سرمایه‌ی فرهنگی بازتابنده طبقه اجتماعی صاحب آن سرمایه است. منش عادتی یا عادت‌واره از نگاه بوردیو، مجموعه پایدار از خلق‌وخوهایی است که امکان تغییر از یک موضع به موضع دیگر را دارند. وی ثابت کرده است که طبقات و گروه‌های شغلی خاص، سلایق متمایزی در موسیقی، هنر، غذا و غیره دارند. این گفته، مؤید این نظر اوست که سرمایه‌ی فرهنگی (که سلیقه تنها یکی از شاخص‌های آن است) به‌وسیله موقعیت اجتماعی و طبقه اجتماعی افراد شکل می‌گیرد. به‌عبارت دیگر، سلایق فرهنگی مردم، تحت تأثیر طبقه آنها قرار دارد (اسمیت، ۱۳۸۷: ۲۲۰).

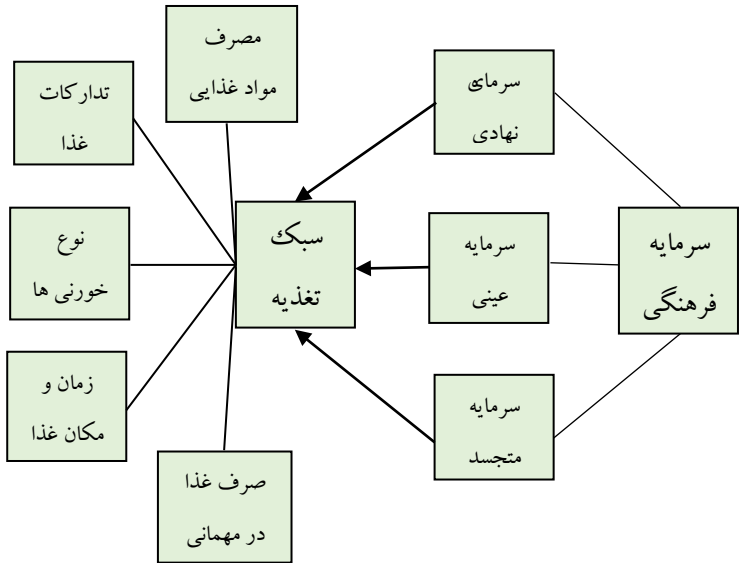
۱. سرمایه متجسد[1]: حافظه، مهارت‌های تجربی و رفتاری و معلومات کسب شده، از سرمایه‌های متجسد محسوب می‌شوند. از مشخصه‌های این سرمایه، می‌توان به پیوستگی و درون‌یافتگی آن اشاره کرد. سرمایه‌ی متجسد همان مهارت‌ها و توانایی‌های اکتسابی است. از نظر بوردیو (۱۳۸۹: ۱۳۹) اکثر خواص و کارکردهای سرمایه‌ی فرهنگی در همین بعد ریشه دارد.

۲. سرمایه عینی- فرهنگی[2] (کالاها): مجموعه میراث‌های فرهنگی، آثار ادبی و شاهکارهای هنری را سرمایه عینی- فرهنگی می‌نامند. منظور، آن سنخ سرمایه‌هایی است که به شکل کالاهای فرهنگی (تصویرها، کتاب‌ها، لغت‌نامه‌ها، نرم‌افزارها و ...) در خارج از ذهن تحقق می‌یابند. سرمایه فرهنگی عینیت یافته دارای یک رشته از ویژگی‌هاست که تنها می‌توان از طریق رابطه سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته با سرمایه‌ی فرهنگی بدنی و فردی آنها معین کرد (فصیحی، ۱۳۸۹: ۷۹).

۳. سرمایه نهادی و ضابطه‌ای[3]: مدارک تحصیلی، مدارک حرفه‌ای و کاربردی از نمونه‌های سرمایه‌ی نهادی و ضابطه‌ای هستند. مدرک تحصیلی سند تخصص فرهنگی است که به دارنده‌اش ارزش قراردادی تضمین شده‌ای ارائه می‌دهد (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۹۲). حال که به مرور هر یک از مؤلفه‌های پژوهش پرداخته شد و از دیدگاه صاحب‌نظران

1. Embodied
2. Objectified
3. Institutionalized

مشخص گردید که سبک تغذیه (با هر کدام از مؤلفه‌های آن مصرف مواد غذایی، تدارکات غذا، نوع خوردن‌ها، زمان و مکان غذا، صرف غذا در مهمانی) که خود یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی است، از عوامل فرهنگی هم‌چون سرمایه‌ی فرهنگی (با هر کدام از مؤلفه‌های آن سرمایه متجسد، سرمایه عینی، سرمایه نهادی) تأثیر می‌پذیرد. با توجه به موارد گفته شده، الگو نظری تحقیق در شکل ۱ ارائه می‌گردد.



شکل۱) الگو[1] مفهومی از چارچوب نظری (منبع: نگارندگان)

بر اساس این الگو نظری، فرضیه‌های زیر برای تحلیل ارائه می‌گردد:

فرضیه اصلی

بین سرمایه فرهنگی شهروندان و سبک تغذیه‌ای آنها، رابطه وجود دارد.

فرضیه فرعی

بین سرمایه متجسد شهروندان و سبک تغذیه‌ای آنها، رابطه وجود دارد.

بین سرمایه عینی شهروندان و سبک تغذیه‌ای آنها، رابطه وجود دارد.

بین سرمایه نهادی شهروندان و سبک تغذیه‌ای آنها، رابطه وجود دارد.

1. Model

روش تحقیق

روش این پژوهش، پیمایش از نوع توصیفی - همبستگی و مقطعی است؛ و واحد تحلیل و مشاهده، در سطح خرد (شهروندان) بوده است. روش جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته و براساس طیف لیکرت است و تمامی گویه‌های پرسشنامه پنج درجه‌ای و به شکل ترتیبی می‌باشد. سپس برای ساخت شاخص‌ها ابتدا پایایی گویه‌های شاخص مورد نظر، مورد بررسی قرار گرفت. پس از آن تحلیل عاملی[1] صورت گرفت و پس از تأیید گویه‌ها و ویرایش برخی از گویه‌های نامناسب و داده‌های پرت، برای مقایسه روشن‌تر و بهتر متغیرها به شکل فاصله‌ای، تمامی شاخص‌ها در این تحقیق با استفاده از نمرات عاملی و ترکیب نمرات عاملی گویه‌ها، با روش زیر استاندارد شده‌اند به‌طوری که درجات نمرات کل شاخص‌ها بین صفر تا ۱۰۰ یکسان شده است و شاخص نهایی، به شکل فاصله‌ای است.

$$\frac{\text{مقدار حداقل} - \text{مقدار واقعی}}{\text{مقدار حداقل} - \text{مقدار حداکثر}} \times 100$$

جامعه آماری پژوهش شامل شهروندان شهر مشهد است که بر اساس آمارنامه‌ی سال ۱۳۹۲، تعداد شهروندان مشهد ۲۷۶۶۲۵۸ نفر است (شهرداری مشهد، ۱۳۹۲: ۶۶). بر اساس فرمول حجم نمونه $(n = \frac{Nt^2S^2}{Nd^2+t^2S^2})(n = \frac{Nt^2S^2}{Nd^2+t^2S^2})$، تعداد نمونه برآورد گردید. در این فرمول، t=/۹۶ ۱ برای ضریب اطمینان ٪۹۵ در نظر گرفته شده است. d=/۰۵ ۰ سطح خطای پذیرفته شده و پیش‌برآورد واریانس S^2=/۳۳۱ ۰ که از ۵۰ پرسش‌نامه مربوط به پیش‌آزمون برای متغیر وابسته به‌دست آمد و حجم نمونه براساس فرمول مذکور، ۵۰۸ نفر به‌دست آمد که در نهایت، ۵۱۰ نفر در نظر گرفته شد.

$$n = \frac{۲۷۶۶۲۵۸(۱/۹۶)^۲ \times ۰/۳۳۱}{۲۷۶۶۲۵۸(۰/۰۵)^۲ + (۱/۹۶)^۲ \times ۰/۳۳۱} = ۵۰۸/۵۳ \cong ۵۱۰$$

روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای است که در شکل ۲ فرایند نمونه‌گیری نشان داده شده است:

1. Factor Analysis



شکل۲) روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای (منبع: نگارندگان)

بررسی روایی پرسش‌نامه از طریق روایی صوری[1] انجام گرفته است. بدین‌صورت که پرسش‌نامه در اختیار چند تن از اعضای هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد قرار گرفته و آنها در چند نوبت آن را اصلاح نمودند. هم‌چنین روایی سازه متغیر سبک تغذیه و سرمایه‌ی فرهنگی با استفاده از تحلیل عاملی سنجیده شد. مقدار KMO در اعتبار سازه برای سبک تغذیه ۰/۹۹۲ و برای سرمایه‌ی فرهنگی ۰/۸۷۳ به‌دست آمد. پایایی ابزار نیز از طریق آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول۲) بررسی پایایی ابزار پژوهش

مؤلفه	میزان آلفای کرونباخ
سرمایه متجسد	۰/۹۷
سرمایه عینی	۰/۹۶
سرمایه نهادی	۰/۸۲
مصرف مواد غذایی	۰/۹۲
تدارکات غذا	۰/۹۱
نوع خوردنی‌ها	۰/۹۴
زمان و مکان غذا	۰/۹۲
نحوه‌ی صرف غذا	۰/۸۹
صرف غذا در مهمانی	۰/۸۹
کل پرسش‌نامه	۰/۹۵

در جدول ۳ و ۴ تعریف عملیاتی متغیرها نشان داده شده است.

1. Face validity

جدول۳) تعریف مفهومی و عملیاتی متغیر وابسته (سبک تغذیه)

متغیروابسته	ابعاد	شاخص	گویه‌ها
سبک تغذیه	مصرف مواد غذایی	تهیه مواد غذایی، انتخاب مواد غذایی، نحوه‌ی نگهداری مواد غذایی، میزان مصرف مواد غذایی	خرید مواد غذایی از فروشگاه‌های بزرگ و معروف شهر توجه کردن به قیمت مواد غذایی در هنگام خرید توجه کردن به خاصیت مواد غذایی به هنگام خرید نگهداری مواد غذایی به شکل منجمد[۵] شده میزان استفاده از مواد غذایی گروه نان میزان استفاده از مواد غذایی گروه میوه‌ها و سبزی‌ها میزان استفاده از مواد غذایی گروه لبنیات میزان استفاده از مواد غذایی گروه گوشت میزان استفاده از مواد غذایی گروه قندی (کیک، شیرینی و ...) میزان استفاده از مواد غذایی گروه تنقلات (آجیل و خشکبار، آدامس، لواشک و ...)
	تدارکات غذا	پختن و آماده کردن غذا، وسایل آماده کردن غذا	میزان پختن غذاهای مدرن و خارجی میزان پختن غذاهای غذای فوری در منزل استفاده از وسایل آشپزی مدرن (ماکروویو، بخارپز و ...) برای آماده کردن غذا استفاده از قابلمه‌ها و ظروف جدید (نسوز، سرامیکی و ...)
	نوع خوردنی‌ها	غذاهای اصلی، مخلفات غذا، نوشیدنی‌ها، پیش[۶] غذاها	میزان استفاده از گوشت قرمز در هر وعده‌ی غذایی میزان استفاده از گوشت سفید در هر وعده‌ی غذایی میزان استفاده از برنج در هر وعده‌ی غذایی میزان تنوع در وعده‌های غذایی در طول هفته میزان استفاده از غذاهای آماده (کالباس، سوسیس و ...) در طول هفته میزان تنوع در صبحانه میزان استفاده از نوشیدنی‌های مختلف میزان تهیه‌ی پیش غذاها و انواع پیش‌غذاهای نوین
	زمان غذا	زمان صرف غذا	غذا خوردن در ساعات معینی از روز خوردن سه وعده‌ی اصلی
	مکان غذا خوردن	صرف غذا در منزل، صرف غذا در بیرون از منزل	غذا خوردن پشت میز میزان غذا خوردن در سالن غذاخوری[۷] خارج از منزل
	نحوه‌ی صرف غذا	وسایل غذا خوردن، آداب غذا خوردن	استفاده از ظروف نوین (چینی و نسوز و ...) هنگام غذا خوردن استفاده از ظروف جداگانه (لیوان، بشقاب و ...) هنگام غذا خوردن خواندن دعا و گفتن بسم‌الله قبل از آغاز به خوردن غذا خواندن دعا و گفتن الحمدالله بعد از خوردن غذا
	صرف غذا در میهمانی	میزان پذیرایی از مهمان، نحوه‌ی پذیرایی، میزان شرکت در مهمانی	میزان برگزاری مهمانی که با غذا پذیرایی می‌کنید میزان تنوع غذایی در زمان برگزاری مهمانی میزان صرف غذا در مهمانی

جدول۴) تعریف مفهومی و عملیاتی متغیر مستقل (سرمایه فرهنگی)

متغیر مستقل	ابعاد	شاخص	گویه‌ها
سرمایه فرهنگی	سرمایه متجسد	میزان وقتی که صرف فعالیت‌های هنری مختلف و یادگیری می‌شود	علاقه‌مند به یادگیری هنرهای مختلف داشتن مهارت در هنرهای مختلف صرف زمان برای خواندن کتاب‌های علمی و غیرعلمی صرف زمان برای خواندن روزنامه و مجله صرف وقت برای یادگیری هنرهای مختلف صرف وقت برای یادگیری فعالیت‌های علمی غیردرسی میزان استفاده از اینترنت برای مطالب علمی
	سرمایه عینی- فرهنگی	داشتن کتاب‌های مختلف، لوح فشرده‌های مختلف، رایانه ای و ...	داشتن کتاب‌های مختلف در زمینه های علمی داشتن رایانه و استفاده از آن برای کارهای علمی رفتن به سینما و تئاتر میزان استفاده از تلفن همراه هوشمند برای فعالیت‌های علمی میزان عضویت در شبکه‌ها و کانال‌های اجتماعی علمی داشتن لوح های فشرده و برنامه‌های علمی
	سرمایه نهادی و ضابطه‌ای	میزان تحصیلات، داشتن مدارک علمی غیردرسی	میزان تحصیلات فرد میزان تحصیلات مادر میزان تحصیلات پدر دارا بودن مدارک علمی غیردرسی (مانند مدرک دوره‌ی زبان، دوره‌ی رایانه ای و ...)

یافته‌های تحقیق

توصیف یافته‌های جمعیت‌شناختی

در این تحقیق مهم‌ترین متغیرهای زمینه‌ای هم‌چون جنس، سن، وضعیت تأهل، تحصیلات و درآمد مورد بررسی قرار گرفت. بررسی‌ها نشان داد که ۵۹٪ از پاسخگویان زن و ۴۱٪ مرد هستند. میانگین سنی پاسخگویان ۳۷/۲۹ سال است و از میان پاسخگویان ۷۳٪ متأهل و ۲۷٪ مجرد هستند. بیشترین فراوانی تحصیلات با ۲۳٪ مربوط به گروه لیسانس است. میانگین درآمد خانوار پاسخگویان، ۱۳۵۷ هزار تومان در ماه است.

توصیف متغیرهای تحقیق و ابعاد آنها

در زیر هر یک از متغیرهای مستقل (سرمایه فرهنگی) و وابسته (سبک تغذیه)، به همراه ابعادشان توصیف گشته‌اند.

جدول۵) توصیف سبک تغذیه و ابعاد سبک تغذیه

متغیر	ابعاد	میانگین (۱-۵)	انحراف معیار	سطح معناداری مقایسه با میانگین متوسط ۳	وضعیت نسبت به میانگین متوسط۳
سبک تغذیه	مصرف مواد غذایی	۳/۱۳	۱/۲۵	۰/۰۱۹	بالاتر
	تدارکات غذا	۳/۱۰	۱/۲۸	۰/۰۵۵	برابر
	نوع خوردنی‌ها	۳/۱۲	۱/۲۴	۰/۰۲۱	بالاتر
	زمان صرف غذا	۳/۱۴	۱/۲۶	۰/۰۱۰	بالاتر
	مکان غذا خوردن	۳/۱۰	۱/۲۹	۰/۰۷۳	برابر
	نحوه‌ی صرف غذا	۳/۱۱	۱/۲۴	۰/۰۳۹	بالاتر
	صرف غذا در مهمانی	۳/۱۲	۱/۲۷	۰/۰۲۷	بالاتر
سبک تغذیه		۳/۱۲	۱/۲۴	۰/۰۲۷	بالاتر

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود بیشترین میانگین مربوط به بعد مصرف مواد غذایی (۳/۱۳) و کم‌ترین میانگین مربوط به بعد تدارکات غذا (۳/۱۰) و مکان غذا خوردن (۳/۱۰) است. میانگین کل سبک تغذیه (۳/۱۲)، از میانگین متوسط (۳) بالاتر است و با آن تفاوت معناداری دارد.

جدول۶) توصیف سرمایه فرهنگی و ابعاد سرمایه فرهنگی

متغیر	ابعاد	میانگین (۱-۵)	انحراف معیار	سطح معناداری مقایسه با میانگین متوسط ۳	وضعیت نسبت به میانگین متوسط ۳
سرمایه فرهنگی	سرمایه متجسد	۳/۱۲	۱/۲۴	۰/۰۲۶	بالاتر
	سرمایه عینی- فرهنگی	۳/۱۴	۱/۲۵	۰/۰۴۳	بالاتر
	سرمایه نهادی و ضابطه‌ای	۳/۱۳	۱/۲۵	۰/۰۴۴	بالاتر
سرمایه فرهنگی		۳/۱۳	۱/۲۳	۰/۰۳۵	بالاتر

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود بیشترین میانگین مربوط به بعد سرمایه عینی- فرهنگی (۳/۱۴) و کم‌ترین میانگین مربوط به بعد سرمایه متجسد (۳/۱۲) است. میانگین کل سرمایه فرهنگی (۳/۱۳)، از میانگین متوسط (۳) بالاتر است و با آن تفاوت معناداری دارد.

جدول۷) توصیف انواع سبک تغذیه در بازه ی (۰-۱۰۰)

متغیر	نوع سبک زندگی	تعداد	میانگین (۰-۱۰۰)	انحراف معیار	سطح معناداری مقایسه با میانگین متوسط ۵۰	اختلاف میانگین نسبت به میانگین متوسط ۵۰	وضعیت نسبت به میانگین متوسط ۵۰
سبک تغذیه	سنتی	۱۷۴	۱۲/۴۳	۳/۳۸	۰/۰۰۰	-۳۷/۵۶	پایین‌تر
	نوین	۳۳۶	۷۴/۰۷	۱۲/۶۲	۰/۰۰۰	۲۴/۰۷	بالاتر

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می شود ۱۷۴ نفر دارای سبک تغذیه سنتی و ۳۳۶ نفر نیز دارای سبک تغذیه نوین می‌باشند. بین میانگین سبک تغذیه متوسط (۵۰) با افراد دارای سبک تغذیه سنتی و هم‌چنین افراد دارای سبک تغذیه نوین با میزان سطح معناداری ۰/۰۰۰، اختلاف معناداری وجود دارد.

بررسی فرضیه‌های تحقیق

همان‌گونه که بیان گردید این تحقیق دارای یک فرضیه اصلی و سه فرضیه فرعی است که نتیجه تحلیل آن در جدول ۸ آمده است.

جدول۸) نتایج حاصل از تحلیل فرضیه ها

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقیاس متغیرها	نوع همبستگی	مقدار رابطه	سطح معناداری	**تأیید یا رد فرضیه**
سرمایه فرهنگی	سبک تغذیه	فاصله‌ای	پیرسون	۰/۸۸۶	۰/۰۰۰	تأیید
سرمایه متجسد	سبک تغذیه	فاصله‌ای	پیرسون	۰/۸۹۳	۰/۰۰۰	تأیید
سرمایه عینی	سبک تغذیه	فاصله‌ای	پیرسون	۰/۸۷۹	۰/۰۰۰	تأیید
سرمایه نهادی و ضابطه‌ای	سبک تغذیه	فاصله‌ای	پیرسون	۰/۸۹۹	۰/۰۰۰	تأیید

فرضیه اصلی

بین سرمایه‌ی فرهنگی شهروندان و سبک تغذیه‌ای آنها، رابطه وجود دارد.

سرمایه‌ی فرهنگی در سه بعد و با استفاده از ۱۷ سؤال سنجیده شد که با ترکیب این ابعاد و پرسش‌های مربوط به آنها شاخص سرمایه‌ی فرهنگی ساخته شد. به این ترتیب شاخص را در سطح فاصله‌ای در نظر می‌گیریم. سبک تغذیه نیز در هفت بعد و با استفاده از ۴۰ سؤال مورد سنجش قرار گرفته است که به این ترتیب شاخص سبک تغذیه نیز در سطح فاصله‌ای در نظر گرفته شده است. برای آزمون رابطه‌ی بین سبک تغذیه و سرمایه فرهنگی به جهت این‌که هر دو متغیر در سطح فاصله‌ای بودند، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتیجه‌ی آزمون همبستگی پیرسون (۰/۸۸۶) در خصوص رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فرهنگی و سبک تغذیه نشان از آن داشت که از لحاظ آماری با اطمینان ۰/۹۵ و سطح خطای کم‌تر از ۰/۰۵، رابطه آماری معناداری بین سرمایه فرهنگی و سبک تغذیه وجود دارد. همان‌طور که در بخش نظری بیان گردید، انتخاب غذایی و سبک تغذیه روش‌هایی هستند که مردم از طریق آنها می‌توانند صورت‌هایی از تمایز اجتماعی را خلق کنند. انتخاب غذای افراد از عوامل اجتماعی و فرهنگی از جمله سرمایه‌ی فرهنگی تأثیر می‌گیرد. سرمایه‌ی فرهنگی تعیین‌کننده‌ی انتخاب‌ها و سلایق تغذیه‌ای و غذایی افراد است و افراد از طریق سرمایه‌ی فرهنگی، هویت شخصی خود را بر مبنای مصرف خاص، به‌خصوص غذایی که برای خوردن انتخاب می‌کنند، می‌سازند. در نتیجه، بین سرمایه‌ی فرهنگی و سبک تغذیه رابطه وجود دارد و نتایج به‌دست آمده از تحلیل فرضیه نیز، مؤید همین مسأله است.

فرضیه های فرعی

فرضیه ۱: بین سرمایه‌ی متجسد شهروندان و سبک تغذیه‌ای آنها، رابطه وجود دارد.

برای آزمون رابطه‌ی بین سبک تغذیه و سرمایه متجسد به جهت این‌که هر دو متغیر در سطح فاصله‌ای بودند، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتیجه‌ی آزمون

همبستگی پیرسون (۰/۸۹۳) در خصوص رابطه بین سرمایه متجسد و سبک تغذیه نشان از آن داشت که از لحاظ آماری با اطمینان ۰/۹۵ و سطح خطای کم‌تر از ۰/۰۵، رابطه‌ی آماری معناداری بین سرمایه‌ی متجسد و سبک تغذیه وجود دارد. از همین روی، می‌توان گفت که سرمایه‌ی متجسد با سبک تغذیه در ارتباط است. در نتیجه، افرادی که دارای سرمایه متجسد بالاتری می‌باشند از سبک تغذیه نوین برخوردار می‌باشند و بالعکس، افرادی که دارای سرمایه متجسد کمتری می‌باشند، دارای سبک تغذیه سنتی می‌باشند.

فرضیه ۲: بین سرمایه‌ی عینی شهروندان و سبک تغذیه‌ای آنها، رابطه وجود دارد.

برای آزمون رابطه بین سبک تغذیه و سرمایه‌ی عینی به جهت این‌که هر دو متغیر در سطح فاصله‌ای بودند، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتیجه‌ی آزمون همبستگی پیرسون (۰/۸۷۹) در خصوص رابطه‌ی بین سرمایه‌ی عینی و سبک تغذیه نشان از آن داشت که از لحاظ آماری با اطمینان ۰/۹۵ و سطح خطای کم‌تر از ۰/۰۵، رابطه‌ی آماری معناداری بین سرمایه‌ی عینی و سبک تغذیه وجود دارد. از همین روی، می‌توان گفت که سرمایه‌ی عینی با سبک تغذیه در ارتباط است. در نتیجه، افرادی که دارای سرمایه عینی بالاتری می‌باشند از سبک تغذیه نوین برخوردار می‌باشند و بالعکس، افرادی که دارای سرمایه عینی کمتری می‌باشند، دارای سبک تغذیه سنتی می‌باشند.

فرضیه ۳: بین سرمایه‌ی نهادی شهروندان و سبک تغذیه‌ای آنها، رابطه وجود دارد.

برای آزمون رابطه بین سبک تغذیه و سرمایه نهادی و ضابطه‌ای به جهت این‌که هر دو متغیر در سطح فاصله‌ای بودند، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتیجه‌ی آزمون همبستگی پیرسون (۰/۸۹۹) در خصوص رابطه‌ی بین سرمایه نهادی و ضابطه‌ای و سبک تغذیه نشان از آن داشت که از لحاظ آماری با اطمینان ۰/۹۵ و سطح خطای کم‌تر از ۰/۰۵، رابطه‌ی آماری معناداری بین سرمایه نهادی و ضابطه‌ای و سبک تغذیه

وجود دارد. در نتیجه، می‌توان گفت که سرمایه نهادی و ضابطه‌ای با سبک تغذیه در ارتباط است. در نتیجه، افرادی که دارای سرمایه نهادی بالاتری می‌باشند از سبک تغذیه نوین برخوردار می‌باشند و بالعکس، افرادی که دارای سرمایه نهادی کمتری می‌باشند، دارای سبک تغذیه سنتی می‌باشند.

تحلیل رگرسیون چندگانه

در ادامه و با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه جهت سنجش تأثیر جمعی همه‌ی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته‌ی سبک تغذیه، از روش رگرسیون به روش گام‌به‌گام[1] استفاده شد.

جدول۹) خلاصه مدل رگرسیون چندگانه (متغیر وابسته سبک تغذیه)

الگو	متغیرهای وارد شده	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین اصلاح شده
۱	سرمایه متجسد	۰/۸۹۳	۰/۷۹۷	۰/۷۹۵
۲	سرمایه متجسد، سرمایه عی‌نی	۰/۸۹۷	۰/۸۰۴	۰/۸۰۱
۳	سرمایه متجسد، سرمایه عینی، سرمایه نهادی و ضابطه‌ای	۰/۸۸۶	۰/۷۸۴	۰/۷۸۲

براساس تحلیل رگرسیون چندگانه و مطابق با جدول ۹، ضریب همبستگی چندگانه متغیرهای وابسته در الگو ۰/۸۸۶، ضریب تعیین ۰/۷۸۴ و ضریب تعیین اصلاح شده ۰/۷۸۲ است. با توجه به این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که به‌وسیله متغیرهای مستقلی که وارد الگو شده‌اند، ۸۸٪ از واریانس متغیر وابسته (سبک تغذیه) تبیین شده است. بنابراین می‌توان گفت ۸۶٪ از تغییرات متغیر وابسته (سبک تغذیه) توسط متغیرهای مستقل تحقیق قابل تبیین است. این میزان تبیین و پیش‌بینی در حد قابل قبولی قرار دارد.

1. Stepwise

جدول۱۰) ضریب تحلیل رگرسیون چندگانه (متغیر وابسته سبک تغذیه)

متغیر	B	Std. Error	Beta	T	Sig
عرض از مبدأ	۱۰/۰۲۸	۰/۷۹۰		۴/۳۶۴	۰/۰۰۰
سرمایه متجسد	۰/۳۸۸	۰/۰۳۳	۰/۳۸۹	۱۱/۸۸	۰/۰۰۰
سرمایه عینی	۰/۳۵۱	۰/۰۳۱	۰/۳۵۴	۱۱/۴۳	۰/۰۰۰
سرمایه‌ی نهادی و ضابطه‌ای	۰/۲۵۴	۰/۰۲۷	۰/۲۵۷	۹/۴۵	۰/۰۰۰

همان‌طور که در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود متغیر سرمایه متجسد با بتای ۰/۳۸۹ مهم‌ترین پیش‌بینی کننده سبک تغذیه‌ای است. با توجه به ضرایب به‌دست آمده از الگو رگرسیونی، معادله خط رگرسیون را می‌توان به این صورت نوشت:

سبک تغذیه: عرض از مبدأ (۱۰/۰۲۸) + سرمایه متجسد (۰/۳۸۹) + سرمایه‌ی عینی (۰/۳۵۴) + سرمایه‌ی نهادی و ضابطه‌ای (۰/۲۵۷).

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق به مطالعه رابطه بین سرمایه‌ی فرهنگی با سبک تغذیه‌ای در میان شهروندان شهر مشهد پرداخته شد. بنا بر پیشینه نظری تحقیق، سرمایه‌ی فرهنگی نقش عمده‌ای بر سبک تغذیه‌ای افراد دارد و هر سبک تغذیه‌ای به فراخور نوع و میزان خاصی از سرمایه‌ی فرهنگی، شکل می‌گیرد. نتایج این مطالعه بیانگر آن بود که فرضیه اصلی و به‌دنبال آن فرضیه‌های فرعی تائید شد و یافته‌ها نشان داد که بین سرمایه فرهنگی و هر یک از ابعاد آن با سبک تغذیه‌ای، رابطه‌ی معناداری وجود دارد و سبک تغذیه‌ای و ابعاد آن می‌توانند پیش‌بینی کننده‌ی سبک تغذیه‌ای افراد باشد. این بدان معنا است که اشکال سرمایه‌ی فرهنگی در ترکیبی هماهنگ با سبک تغذیه پیوند خورده است و بر آن تأثیرگذار است. هر یک از ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی هم‌چون سرمایه‌ی متجسد، سرمایه‌ی عینی و سرمایه‌ی نهادی و ضابطه‌ای، هرکدام دارای نقش مهمی در شکل‌گیری سبک تغذیه‌ای افراد می‌باشند و افراد با میزان سرمایه‌های فرهنگی گوناگون، میزان متفاوتی از سبک تغذیه را دارا می‌باشند. به این معنا که افرادی که دارای سرمایه‌ی فرهنگی پایین‌تری هستند، از سبک تغذیه ساده‌تر و سنتی‌تری استفاده می‌کنند. این افراد از

مصرف مواد غذایی کم‌تری برخوردار هستند و در وعده‌های غذایی آنان تنوع کمتری دیده می‌شود. هم‌چنین در تدارکات غذا، از ظروف سنتی استفاده می‌کنند و غذاهای فوری کم‌تری را میل می‌کنند. این افراد مهمانی‌های خود را به شکل ساده برگزار می‌کنند و کم‌تر در بیرون از منزل، غذا صرف می‌کنند و حتی در داخل منزل نیز در هنگام غذا خوردن از ظروف مشترک استفاده می‌کنند. چنین نتیجه‌ای مؤید نظریه بوردیو است. در سراسر نظریه‌ی بوردیو، رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فرهنگی و سبک زندگی - که سبک تغذیه‌ای یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن است - به چشم می‌خورد. براساس یافته‌های به‌دست آمده می‌توان بیان کرد که پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های پیشین مطابقت دارد. برای نمونه می‌توان به محمدی، ودادهیر و محمدی (۱۳۹۱)؛ علیزاده اقدم (۱۳۸۹) و کمفیوز، جانسن و فرانک (Kamphuis, Jansen, Frank, 2015) و همین‌طور گانشنگ (Guansheng, 2015) اشاره کرد. سخن آخر این‌که سبک تغذیه را می‌توان به مجموعه‌ای از رفتارهای تغذیه‌ای تعبیر کرد که فرد آنها را به‌کار می‌گیرد، تـا نه فقط نیازهای جاری او را برآورند، بلکه روایت خاصی را که وی بـرای هویـت شخصـی خود برگزیده است، در برابر دیگران مجسم سازد و این برگزیدن هویت شخصی توسط فرد نیز، تحت تأثیر سرمایه‌ی فرهنگی فرد قرار دارد. با توجه به موارد گفته شده به راهبردها و راهکارهایی برای داشتن سبک تغذیه مناسب اشاره می‌شود:

- لازم است مسؤولان به سفره ایرانی به‌عنوان یکی از روش‌های نهادینه شده در بهبود سبک تغذیه توجه کافی داشته باشند.
- لازم است توسعه فرهنگ عرضه و مصرف مواد غذایی سنتی و بومی در جامعه شکل بگیرد، تا خرید و مصرف مواد غذایی بومی به‌عنوان یک سبک زندگی ارزشمند تلقی شود.
- لازم است در زمینه‌ی غذای سالم و فواید تغذیه‌ی سالم، رسانه‌ها و پزشکان اطلاعات کافی در اختیار شهروندان بگذارند.
- اختلالات غذایی از جمله مباحثی است که در زمینه‌ی سبک غذایی و به‌عنوان پیامد تغذیه ناسالم در دهه‌های اخیر، شیوع بیشتری داشته است. این مسأله در

بین زنان و دختران به‌دلیل زیبایی و جذابیت بدن حادتر است. در نتیجه، لازم است به این نوع افراد آموزش‌های لازم در زمینه‌ی انتخاب درست مواد غذایی داده شود.

- یافته‌ها نشان داد که افرادی که دارای سرمایه‌ی فرهنگی بالاتری هستند، از غذاهای نوین و غذای فوری، برنج و گوشت بیشتری استفاده می‌کنند که این می‌تواند منجر به چاقی و بیماری‌های مزمن شود. در نتیجه، لازم است همان‌طور که سرمایه‌ی فرهنگی این افراد بالا است، دانش تغذیه‌ای و سلامت آنها را نیز بتوان افزایش داد.

منابع

- ازکیا، مصطفی؛ حسینی، سکینه (۱۳۸۹). "تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه روستایی". *رفاه اجتماعی*، سال دهم، ش ۳۷ (تابستان): ۲۴۱-۲۶۴.
- اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۷). *درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر*. ترجمه حسن پویان. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- الفت، سعیده؛ سالمی، آزاده (۱۳۹۱). "مفهوم سبک زندگی". *مطالعات سبک زندگی*، سال اول، ش ۱ (پاییز): ۹-۳۶.
- ایزدی، صمد؛ جویباری، لیلا (۱۳۹۳). "بررسی ارتباط سرمایه‌ی فرهنگی با انگیزه ورود به دانشگاه و عملکرد تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان". *توسعه آموزش در علوم پزشکی*، سال هفتم، ش ۱۴ (تابستان): ۳۲-۵۱.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۹). *شکل‌های سرمایه در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.
- پاسدار، یحیی، و دیگران (۱۳۹۰). "بررسی الگوی تغذیه‌ای و مصرف گروه‌های غذایی در شهر کرمانشاه، سال ۱۳۹۰". *فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه*، سال ششم، ش ۲۱ (بهار): ۲۵-۳۶.
- جورمو، جان؛ ویلیامز، لورن (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی غذا و تغذیه، اشتهای اجتماعی*. ترجمه هما زنجانی‌زاده. تهران: جامعه‌شناسان.
- خواجه‌نوری، بیژن؛ روحانی، علی؛ هاشمی، سمیه (۱۳۹۰). "سبک زندگی و مدیریت

بدن". *جامعه‌شناسی زنان*، سال دوم، ش ۴ (زمستان): ۲۱-۴۸.
- رازنهان، فیروز (۱۳۹۱). "انطباق سبک زندگی با فرهنگ ملی- اسلامی". *مطالعات سبک زندگی*، سال اول، ش ۱ (پاییز): ۱۷۱-۱۸۴.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲). *تاریخ اجتماعی ایران*. تهران: نگاه.
- رسولی، محمدرضا (۱۳۸۲). "بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی در تبلیغات تجاری تلویزیون". *علوم اجتماعی*، سال ششم، ش ۳ (پاییز): ۴۳-۹۲.
- رسولی، محمدرضا؛ حاتمی، الناز (۱۳۹۱). "تأثیر برنامه‌های شبکه ماهواره‌ای فارسی ۱ بر سبک زندگی شهروندان تهرانی". *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، سال ششم، ش ۳ (پاییز): ۵۷-۷۶.
- زارع، بیژن؛ فلاح، مهدی (۱۳۹۱). "بررسی سبک زندگی جوانان در شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن". *تحقیقات فرهنگی*، سال پنجم، ش ۴ (زمستان): ۷۵-۱۰۵.
- شاه‌حسینی، رودابه (۱۳۹۲). "خوراک در متون پیشین و راه‌های بهره‌گیری آن در رسانه‌ی ملی". *مطالعات سبک زندگی*، سال دوم، ش ۴ (تابستان): ۵-۲۹.
- شهابی، محمد (۱۳۸۶). "سبک‌های زندگی جهان‌وطنانه در میان جوانان ایرانی و دلالت‌های سیاسی آن". در: مجموعه مقالات الگوهای سبک زندگی ایرانیان. به کوشش ابراهیم حاجیانی. تهران: پژوهشکده‌ی تحقیقات استراتژیک: ۳۵-۷۲.
- شهرداری مشهد (۱۳۹۲). آمارنامه‌ی شهرداری مشهد. مشهد: شهرداری مشهد، معاونت برنامه‌ریزی و توسعه.
- صالحی امیری، رضا (۶۱۳۸). *مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی*. تهران: ققنوس.
- عشقی‌نیا، سمیرا، و دیگران (۱۳۹۳). "ارتباط وضعیت اقتصادی- اجتماعی با عادات تغذیه‌ای در زنان ساکن شمال شرق ایران". *علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران*، سال نهم، ش ۱ (بهار): ۲۱-۲۹.
- علی‌خواه، فردین (۱۳۹۲). *رسانه، مصرف و سبک زندگی*. تهران: تیسا.
- علیزاده‌اقدم، محمدباقر (۱۳۸۹). "تحلیل جامعه‌شناختی سبک غذایی شهروندان تبریزی". *رفاه اجتماعی*، سال دوازدهم، ش ۴۴ (بهار): ۲۸۵-۳۱۸.

- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*. تهران: صبح صادق.
- فصیحی، امان‌الله (۱۳۸۹). *اسلام و سرمایه اجتماعی با تأکید بر رویکرد فرهنگی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- کرمی‌قهی، محمدتقی؛ زادسر، زینب (۱۳۹۲). "سنجش بررسی رابطه‌ی دین‌داری و سبک زندگی (مطالعه‌ی موردی: زنان ۲ سال و بیشتر ساکن شهر تهران)". *زن در هنر و فرهنگ*، سال پنجم، ش ۱ (بهار): ۸۵-۱۰۱.
- کوهی، کمال؛ مبارک، مرتضی؛ عبدی، رباب (۱۳۹۲). "بررسی میزان گرایش دانشجویان به فست فودها و عوامل مؤثر بر آن". *اخلاق زیستی*، سال سوم، ش ۸ (تابستان): ۱۵۷-۱۸۵.
- گنجی، محمد؛ حسین‌بر، محمدعثمان؛ کریمیان، مینا (۱۳۹۴)."بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی و سبک زندگی در بین مردان شهر زاهدان". *جامعه‌شناسی سبک زندگی*، سال اول، ش ۲ (تابستان): ۱۲۹-۱۷۶.
- گیبینز، جان؛ ریمر، بو (۱۳۸۱). *سیاست پست‌مدرنیته: درآمدی بر فرهنگ و سیاست معاصر*. ترجمه منصور انصاری. تهران: گام نو.
- مجدی، علی‌اکبر، و دیگران (۱۳۸۹). "سبک زندگی جوانان شهر مشهد و رابطه‌ی آن با سرمایه‌ی فرهنگی و اقتصادی والدین". *دوفصلنامه مجله علوم اجتماعی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد*، سال هفتم، ش ۲ (تابستان): ۱۳۱-۱۶۱.
- محمدی، جمال؛ ودادهیر، ابوعلی؛ محمدی، فردین (۱۳۹۱). "مناسبات فرهنگی و سبک زندگی در میان شهروندان طبقه‌ی متوسط شهر سنندج". *جامعه‌شناسی ایران*، سال سیزدهم، ش ۴ (زمستان): ۱-۲۳.
- مهدوی‌کنی، محمدسعید (۱۳۸۷). "مفهوم سبک زندگی و گستره‌ی آن در علوم اجتماعی". *تحقیقات فرهنگی*، سال اول، ش۱ (بهار): ۱۹۹-۲۳۰.
- هژبرکیانی، کامبیز؛ حاجی‌ها، فرنوش (۱۳۹۰). "آثار رفاهی اجرای سیاست حمایتی هدفمند در تأمین امنیت غذایی اقشار آسیب پذیر". *اقتصاد کاربردی*، سال دوم،

ش ۷ (زمستان): ۲۳-۵۷.

- Abel, T. (1991). "Measuring Health Lifestyles in a Comparative Analysis: Theoretical Issues and Empirical Findings". *Sociology & Since & Medicine*, Vol. 32, No. 8: 899-908.
- Abel. T.; Cockerham, W. C.; Adamz. R. (1997). "Conceptualizing Contemporary Health Lifestyle: Moving Beyond Weber". *The Sociological Quarterly*, Vol. 38, No. 2: 321-342.
- Bell, D. (2005). *Ordinary lifestyles*. New York: McGraw-Hill.
- Cockerham, W. C. (2005). "Health Lifestyles in Russia". Social *Science & Medicine,* Vol. 51, No. 3: 1313-1324.
- Germov, J; Williams, L. (2004). *A Sociology of Food & Nutrition.* New York: Oxford.
- Guansheng, M. (2015). "Food, eating behavior, and culture in Chinese society". *Ethnic Foods*, Vol. 2, No. 4: 195-199.
- Horowitz, A. V. (2002). "Outcomes in the sociology of mental health and illness: Where have we been and where are we going?". *Health and Social Behavior*, Vol. 43, No. 1: 143-151.
- Kamphuis, C. B. M.; Jansen, T.; Frank, M. (2015). "Bourdieu's Cultural Capital in Relation to Food Choices: A Systematic Review of Cultural Capital Indicators and an Empirical Proof of Concept". *Department of Public Health, Erasmus University Medical Centre*, Vol. 37, No. 1: 1-19.
- Kirchberg, V. (2007). "Cultural Consumption Analysis: Beyond Structure and Agency". *Cultural Sociology*, Vol. 1, No. 1: 115-135.
- Klumbiene, J.; Petkeviciene, J. (2004). "Sociodemographic and health behavior factors associated with obesity in adult populations in Estonia". *Eeu Public Health,* Vol. 14, No. 4: 390-394.

- Leslie, G. R.; Larson, R. F.; Gorman, B. L. (1994). *Introductory Sociology Introductory Sociology*. New York: Oxford.
- Mcleod, E. R.; Campbell, K. J. (2011). "Nutrition Knowledge: a mediator between socioeconomic position and diet quality in Australian first-time mothers". *American Dietetic Association*, Vol. 27, No. 5: 696-704.
- Murayama, N. (2015). "Effects of socioeconomic status on Nutrition in Asia and future nutrition policy studies". *Nutritional science and vitaminology*, Vol. 61, No. 4: 66-68.
- Remington, P. L.; Brownson, R. C. (2011). "Fifty years of progress in chronic disease epidemiology and control". *MMWR Surveill Summ*, Vol. 60, No. 4: 70-77.

Analysis of the Traditions of the Protector of Autocratic System in Siyāsatnāmeh (Book of Government), a Famous Work by *Nizam al-Mulk*, based on the Psychological Ideas of Eric Berne

Ebrahim Estaji[1]

Ali Sadeghimanesh[2]

Hasti Ghaderi Sohi[3]

Abstract

Siyāsatnāmeh belongs to Seljuk Empire, and is written by one of the famous scholars and viziers of that era, *Nizam al-Mulk-e Tusi*. In reviewing this book, it is important to consider that *Nizam al-Mulk* was a scientific, political and cultural person who came from Khorasan area and his mentality is under the influence of that area. So, the analysis of his works would be considered as the analysis of the intellectual atmosphere of Khorasan on that time. In the present study, it would become clear that *Nizam al-Mulk* tries to develop an attitude based on that, the king's authority and autocracy is accepted and this point of view is because of his belief in absolute royal rule (autocracy). So, considering Tusi's work based on the ideas of Eric Berne, there are some tradition which is called the protector of Autocratic System. Such traditions try to persuade people to transact from the position of adapted child to the king who shows activism from the position of the parent state, which in the long run leads to the autocracy acceptance among people, and gives power and strength to authoritarian governments. So, this work would have the language signs of an autocratic culture and knowing this issue is important for the researchers in facing with this literary-political text.

Keywords: *Siyāsatnāmeh*, *Nizam al-Mulk-e Tusi,* Autocracy, Eric Berne

1. Assistant Professor, Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Iran
2. PhD Candidate, Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Iran
3. MA Student, Comparative Literature, Hakim Sabzevari University, Iran

The Relationship between Spiritual Intelligence and Career Commitment among the Librarians of Birjand University

Maryam Salami[1]

Esmat Najafi[2]

Abstract

Spiritual intelligence is not only important in individual aspect, but also in organizational aspect. Affecting on men's conscience, spirituality can provoke them to feel commitment in their routine responsibilities and also help them take responsibility. In this regard, the aim of this study is to indicate the relation between spiritual intelligence and career commitment among the librarians of Birjand University. This descriptive study was performed as a kind of survey method. The population of study was librarians of Birjand universities, and the sample size selected by using simple random sampling based on Morgan table (44 and total of 50 people). Data collection tools were King's spiritual intelligence and Tella's career commitment questionnaires. Data analysis was through using independent t-test, one way ANOVA and SPSS 24 software. The findings showed that the situation of spiritual intelligence in Birjand universities' librarians with the average of 62/79 by likert scale estimated in good level, and also career commitment according to the librarians is in good level too. There was no relation between demographic items (age, gender, field of study and grade) and the rate of spiritual intelligence, and career commitment. Moreover, the results showed that there was a significant relation between spiritual intelligence (personal meaning production and expansion of consciousness) and career commitment but there is

1. Assistant Professor, Information Sciences and Knowledge Studies, Payam Noor University, Mashhad; Email: salamilib@yahoo.com

2. MA, Information Sciences and Knowledge Studies, Payam Noor University, Mashhad; Email: esmat.najafi42@gmail.com

no meaningful relation between spiritual intelligence (transcendent awareness and self-contemplation) and career commitment. According to the significant and positive relationship between spiritual intelligence and personal meaning production and expansion of consciousness, it is concluded that strengthening spiritual intelligence among librarians can cause more commitment and responsibility in performing job duties.

Keywords: Librarian, Spiritual intelligence, Career commitment, librarians of Birjand University

A Study of the Change Trend of Porch in Houses of Nehbandan from Qajar to Pahlavi

Zahra Roshandel[1]
Hassan Hashemi Zarj Abad[2]
Hamid Reza Ghorbani[3]

Abstract

Traditional houses of Nehbandan have the most compatibility with the nature and climate. Architects could satisfy the needs of the inhabitants of the houses with an appropriate design and considering the comfort of users in a simple way. One of these spaces is porch locating in front of the rooms in a semi-open space in housing architecture which allows the access to the internal spaces with different uses. Porch is regarded as one of the evident features and as the most important part in the body structure of the traditional houses of Nehbandan in South Khorasan which cover from Qajar to Pahlavi in terms of dating. In this course, firstly we deal with the concept and history of porch in the past era, and then we investigate the porch typology and how porches change according to the selected houses. The data are collected according to the field and library researches of the authors. The important features of them include zigzag ovate, semicircle arches and ribbed vault and rocking coverage. Findings show that porch in the studied houses was affected by the previous works of Iran and Islam and appeared in various forms of multi-porch and uni-porch with simple decorative plans. Thus, the aim of research is to study the changing trend of form and structure of porches in houses in the target periods.

Keywords: Historical Houses, Architectural,Porch, Nehbandan, Qajar, Pahlavi

1. MA Student, Archeology, Birjand University; Email: zroshandel34@yahoo.com
2. Associate Professor, Archeology, Birjand University; Email: hhashemi@birjand.ac.ir
3. Assistant Professor, Archeology, Birjan University; Email: ghorbani.hr@birjand.ac.ir

Measurement Coefficient Cultural Development Counties of Southern Khorasan Province with Using the Multi Criteria Optimization Method

Yaghoub Zarei[1]

Abstract

This study was performed to compare the comparative Counties Southern Khorasan province in order to measure the development gap between rural settlements. The study of the nature of an applied research and in terms of methodology placed as descriptive and analytical research methods for data collection, the library and according to the purpose of the study was to collect data based on 2014 Statistical Yearbook of Southern Khorasan province. It is worth noting that the population of the study was that 11 County located in Southern Khorasan province to assess the level of cultural development, 29 factors in the form of development indicators, From the official statistics in Southern Khorasan province, extraction and Were studied using the Method of VIKOR and Shannon Entropy Coefficient. The findings of research analysis confirmed the existence of a huge gap in the distribution and allocation of facilities between the Counties of Southern Khorasan, it shows Ferdows County with a coefficient of 0 was highest cultural development and Counties Sarbishe by a factor of 1 and Darmiyan by a factor of 0/95, Had the lowest coefficient of development in terms of enjoyment From the cultural indicators. Also ranking of cities in terms of cultural development also shows that the majority of the province has been placed in the category of deprived areas of development.

Keywords: Cultural Development, Southern Khorasan, Multi Criteria Optimization Method, Entropy

1. PhD Geography and Rural Planning, Yong Researchers and Elite Club,Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran; yaghoub.zarei@yahoo.com

An Introduction to the Book of Abolfazl Al-Abbas ibn Ali Entitled "The Virtual Position of Our Great Men"

Ali Akbar Abbasi[1]

Abstract

The book entitled as "The Virtual Position of Our Great Men (Abolfazl Al-Abbas ibn Ali)" was written by Ayatollah Mohammad-Bagher Birjandi explaining our majesty's (Abolfazl Al-Abbas) life and actions. This book is consisted of six chapters. This article aimed to review and criticize this book based on descriptive analysis. The findings showed that this book has provided interesting and new analyses about Abolfazl Al-Abbas's life. The author also critically analyses the news received about Abolfazl Al-Abbas. He further mentions some news about some recently written books and Gajar's era; however, some of the news is against the reports mentioned in the primary books. Some news is also not consistent with the historical documents. Some irrelevant issues further appear in the book about Abolfazl Al-Abbas's life which are not related to the book's title. Some of judgments about the authors in the advent of Islam seem to be illogical. Moreover, dispersion of some topics and incoherence among the contents are the defects of the book.

Keywords: Abolfazl Al-Abbas, Birjandi, Imam Hossein, Karbala, Virtual position

1. Assistant Professor, History, Isfahan University

The Study of the Impact of Cultural Capital and Its Components on the Nutritional Style of Citizens of Mashhad

Elmira Erfaniyan Ghasab[1]

Mohammad Hassan Sharbatian[2]

Abstract

Nutrition style is one of the dimensions of lifestyle that incorporates the way people feed in. This style of life is influenced by cultural capital. The main goal of this article is to study the relationship between nutrition style and cultural capital of citizens of Mashhad city; In other words, in this study, the dimensions of food consumption, food supply, type of food, time to eat, eating places, and eating at parties are considered as nutritional style. So we measured the relationship of these dimensions with the components of cultural capital (explicit capital, objective capital, and institutional capital). The method of this study was to survey the tool of self-made questionnaire in the statistical population of the citizens of Mashhad city (N: 2766258). Based on the Cochran formula, a sample size of 510 citizens was selected using multi-stage cluster sampling. Reliability of the Cronbach's alpha was 0.95. Data were analyzed using SPSS software and the results showed that there is a significant relationship between cultural capital and nutritional style (P≥0/000). Based on multiple regression analysis, the findings showed that 88% of variance of dependent variable (nutrition style) was explained and predicted by using independent variable of cultural capital. The correlation of each dimension of capital attracted 0.89, the objective capital of 0.87 and the institutional capital of 0.89 with the nutritional style of the citizens; this suggests that cultural capital and its

1. MA Student, Social Science, Ferdowsi University, Mashhad, Iran; Email: Elmira_erfaniyan@yahoo.com

2. Faculty Member, Dept. Social Science, Payam Noor University; Email: Sharbatiyan@pnu.ac.ir

components can be a powerful predictor for nutritional style.

Keywords: Nutrition Style, Lifestyle, Cultural Capital, Citizens, Mashhad

Table of Content

Analysis of the Traditions of the Protector of Autocratic System in Siyāsatnāmeh (Book of Government), a Famous Work by Nizam al-Mulk, based on the Psychological Ideas of Eric Berne

Estaji, Ebrahim/ Sadeghimanesh, Ali/ Ghaderi Sohi, Hasti 7

The Relationship between Spiritual Intelligence and Career Commitment among the Librarians of Birjand University

Salami, Maryam/ Najafi, Esmat 31

A Study of the Change Trend of Porch in Houses of Nehbandan from Qajar to Pahlavi

Roshandel, Zahra/ Hashemi Zarj Abad, Hassan/ Ghorbani, Hamid Reza 53

Measurement Coefficient Cultural Development Counties of Southern Khorasan Province with Using the Multi Criteria Optimization Method

Zarei, Yaghoub 81

An Introduction to the Book of Abolfazl Al-Abbas ibn Ali Entitled "The Virtual Position of Our Great Men"

Abbasi, Ali Akbar 105

The Study of the Impact of Cultural Capital and Its Components on the Nutritional Style of Citizens of Mashhad

Erfaniyan Ghasab, Elmira/ Sharbati, Mohammad Hassan 127

Referees of This Period. (Alphabetical Order)

1. Akhondi, Mohammad Bagher, Ph.D, Assistant Professor of the University of Birjand
2. Alizadeh Birjandi, Zahra, Ph.D, Associate Professor of the University of Birjand
3. Asghari, Bibi Aghdass, Ph.D, Assistant Professor of Islamic Azad University of Gonabad
4. Dashtakinia, Farhad, Ph.D, Assistant Professor of the University of Kerman
5. Falsoleiman, Mahmud, Ph.D, Associate Professor of the University of Birjand
6. Hamidi, Somaye, Ph.D, Assistant Professor of the University of Birjand
7. Mekaniki, Javad, Ph.D, Associate Professor of the University of Birjand
8. Najmi, Seyyed Shams aldin, Ph.D, Associate Professor of the University of Kerman
9. Nasrolahi, Seyyed Noor Aldin, Instructor of the University of Birjand
10. Poorshafeie, Hadi, Ph.D, Associate Professor of the University of Birjand

In The Name Of God

Khorasan Quarterly of Cultural and Social Studies Serial: 44

ISBN 1735-8256 Vol. 11. No. 4. spring 2017

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Chairman: Mohebbi, Ahmad **Editor-in-chief:** Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive editor: Rezaei, Hamed **Executive manager:** Zarang, Mahin

Editorial Board:

1. Habib Allah Abbassi/ Professor, Kharazmi University, Tehran
2. Habib Ahmadi/ Professor, Shiraz University
3. Mohammad Bagher Akhoundi/ Assistant Professor, University of Birjand
4. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
5. Bibi Aghdas Asghari/ Assistant Professor, Islamic Azad University, Gonabad
6. Mohammad Ali Beidokhti/ Assistant Professor, University of Birjand
7. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
8. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
9. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
10. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
11. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
12. Mofid Shateri/ Assistant Professor, University of Birjand

Editors: Nasrollahi, Seyyed Noorollah.

Translator and English Editor: Toosheh, Elahe

Technical affairs: fekreBekr puplications. **Press:** mehrang

Circulation: 1000 **Price:** 20000 rials

Address: South Khorasan, Birjand, Shahid Mahallati Av. General Office of Culture and Direction, Research Society Office **Tel:** 056 32323393 **Fax:** 056 32323277

Email: info@farhangekhorasan.ir

The ideas mentioned in this issue declare the view of this quarterly. The authors are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translations. Materials sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.

اینجانب ..... نماینده مرکز/ مؤسسه/ دانشگاه ..... مبلغ .....
..... ریال طی فیش شماره ..... به حساب ۱-۱۶۷۵۱۰۴-۱۲-۳۶۱۱
بانک قرض الحسنه مهر ایران - شعبه محلاتی - به نام های احمد محبی و حامد رضایی بابت
اشتراک فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان از شماره ..... تا
..... واریز نمودم.

نشانی پستی:

پست الکترونیکی:

تلفن تماس:

کدپستی:

حق اشتراک هر شماره: ۶۰۰۰۰ ریال

حق اشتراک سالانه با هزینه پست سفارشی: ۳۲۰۰۰۰ ریال

اشتراک ارسال چهار شماره فصلنامه به صورت الکترونیکی ۲۰۰۰۰ ریال می‌باشد.

نشانی دفتر فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان: خراسان جنوبی- بیرجند - خیابان محلاتی- اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

تلفن: ۴-۳۲۳۲۳۳۹۳-۰۵۶ دورنگار: ۳۲۳۲۳۲۷۷-۰۵۶

http://Farhangekhorasan.ir